

# کتابخانه

شنبه ۳۰ مهر ۱۳۸۲  
۱۸ رخصان، ۲۲ آذر تا ۲۰  
مهر، ۲۵ شهریور  
شماره ۳ پیاپی ۶۵۵  
۳۳ صفحه، ۱۰۰ تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: سعید مسزول،  
خانه کتاب ایران  
سرپرست: سعید عبدالجواد موسوی  
شماره ۱: خیران نام مقام فرهنگی  
اول مهر (مهر)، شماره ۲: ۹، هفته دوم  
تلفن: ۸۳۳۵۲۳۳، ۸۳۳۵۲۳۸  
لیتوگرافی: وچاپ، ابراجاب  
[www.ketabeha.ir](http://www.ketabeha.ir)

## ران ملخ به پیشگاه سلیمان

گفت و گو با  
دکتر شایسته رام‌هدایت

## «مسافران» حرفه ای را پیاده کنید

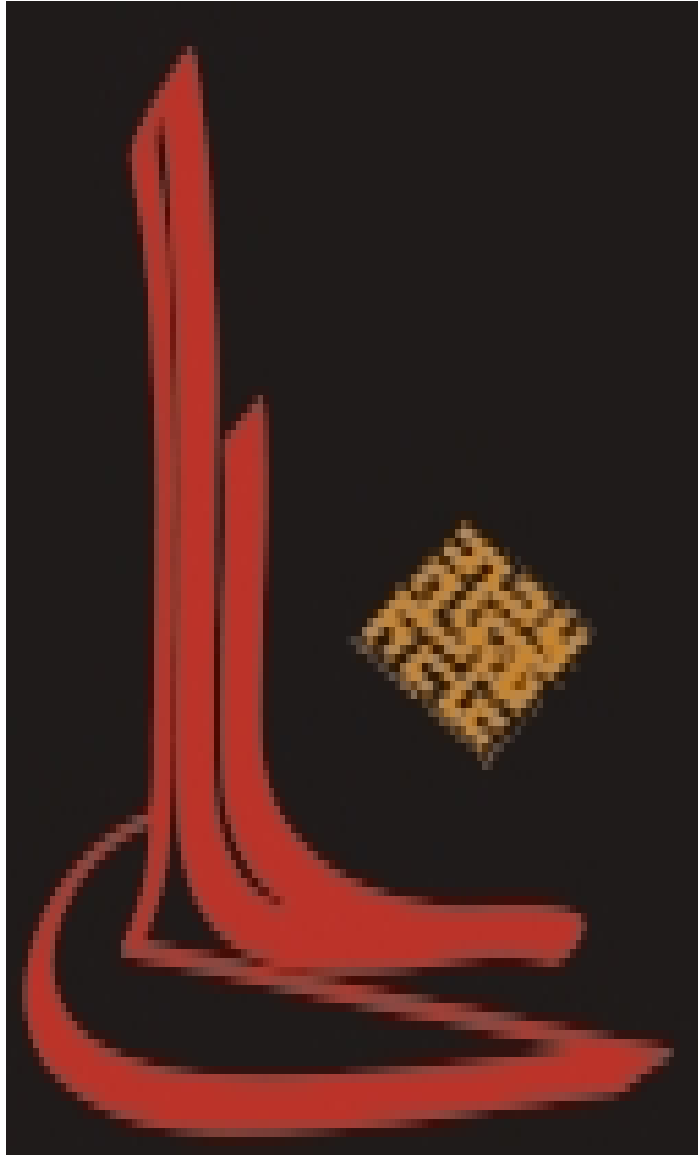
گزارشی از سفرهای فرهنگی  
نویسندگان کودک و نوجوان

## نیت آیین‌های غبار گرفته

گفت و گو با هوشنگ جاوید  
در باره موسیقی در رخصان

## چو ایران نباشد تن من مباد

یادی از  
استاد عبدالحسین نوایی





## عادات و عبادات(۳)

اصل و اساس «فکر» بر هم زدن عادات است و به قول لسان‌غیب از «علاّف آمد عادت» کام طلیبدن و در نتیجه کسب جمعیت از زلف پریشان. اما و اما در این سالها کم نوده‌اند کسانی که با دعوی بر هم زدن عادات و تمنای «وضع موعوده» به صف مدافعان «وضع موجود» پیوسته‌اند و از عادات دیگری پاسداری می‌کنند. عادات در هر شکل و هیأتی که باشند، نسبتی با تفکر ندارند، نمی‌توان در نفي «عادت» گوشتد و به اثبات «عادت» دیگر پرداخت. نمی‌توان چرایی سخن آبر کلامی به خاطر کم آمد که «هیچ جلادی از جلاد دیگر برتر نیست»، شاید به این دلیل که «عادات نیز در مقابل «فکر» حکم جلاد را دارند و در واقع می‌توان گفت عادات قائل تفکرند و متفکر که در قید و بند هیچ عادت نیست، نمی‌تواند عادت را بر عادت دیگری ترجیح دهد. غلام همت آثم که زیر چرخ کبود ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

گریختن از «عادات» کار دشواریست. نسخه پیچیدن و راه حل ارائه دادن برای آن نیز، اما طرح مسئله کردن و کلی گویی و شعر و حکمت یافتن نیز دردی را دوا نمی‌کند. این راه هم می‌تواند کم ازوما کسی که «برسنی» طرح می‌کند، پاسخ آن راه نباید در آستین داشته باشد و اصلاً به قول ارباب معنا طرح پرسش اصلی، خود نمی‌از پاسخ است و از ارکان مهم تفکر به شمار می‌آید اما بهتر آن است، آن که طرح پرسش می‌کند و مسئله‌ای مهم را به عنوان آفت فکر و فرهنگ و دین معرفی می‌کند دست کم مقدمات گریختن از آن آفت را بیان کند. گفتیم «گریختن» نه «در هم شکستن». به این نکته هم وقوف دارم که رسید که «در هم شکستن» ممکن است شعاری به نظر برسد و مخاطب از همان ابتدا چهره در هم کند که «باز هم شعار و دعای بروج»! این بود که گفتیم: «اگر یحیی» البته دعوا بر سر الفاظ نیست، مهم این است که این حرفها بی‌پناه‌ای شود، برای اندیشیدن.

اندیشیدن در مفاهیمی به ظاهر بدیهی که از شدت بدیهی بودن گاهی آنها را از یاد می‌بریم و اصلاً نمی‌دانیم که چه نسبتی بین ما و آن مفاهیم وجود دارد.

اگر عمری باقی باشد این موضوع را ادامه می‌دهم.

**با علی مدد. سردبیر**

## نگاه دولت، نگاهی فرهنگی است

نگاه دولت به همه عرصه‌ها،نگاهی فرهنگی است.چرا که موضوع کار دولت و حکومت، انسانها و تعالی آنهاست.

محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهوری در دیدار اهالی فرهنگ، هنر و قلم که ۲۶ مهرماه صورت گرفت، ضمن بیان این مطلب، ابراز داشت: بزرگ‌ترین میراث ما هنر و فرهنگمان است و باید در کنار این میراث عظیم و استوار و پویایی آن، ویژگیهای رسیدن به چنین خصلتهای برجسته را عمیق بخشیم.وی ابراز امیدواری کرد که با پیگیری وزیر فرهنگ

و ارشاد اسلامی و دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، تمام مسائل این عرصه بررسی شود و مخاط نشان کرد که بررسی این مسائل در دستور کار ریاست جمهوری نیز قرار دارد.احمدی‌نژاد در بخش دیگری از سخنان خود اظهار داشت: «باور ندارم که طی ۷۷ سال گذشته در عرصه هنر و فرهنگ فاقد نقاط اوج و افتخار بوده‌ایم، چرا که صحنه‌هایی در انقلاب آفریده شد که در طول تاریخ ما و بشری نظیر بوده است.بوی‌با اشاره به اینکه هنرمند و هنر شناس مبلغ باید همیشه به وضع معترض باشد، گفت: «هنرمند همواره باید با نگاهی نقادانه به وضع موجود معترض باشد، چرا که در این زوئناست که آینده ترمسیم می‌شود.بویس جمهوری در ادامه تأکید کرد: «ما می‌توانیم فرهنگ خود را حفظ کنیم و پیامهای نجات‌بخشی را برای ملت‌های دیگر نیز داشته باشیم.»

وی از اهالی فرهنگ، هنر و قلم خواست تا همواره ناظر بر کار دولت باشند.در این مراسم،وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس و جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز حضور داشتند.

## تقدیر از خادمان برگزیده قرآن کریم

گروه خبر کتاب هفته، خادمان برگزیده قرآن کریم با حضور محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور، در مصالای امام خمینی(ره)تهران معرفی شدند.

مراسم دوازدهمین دوره تکریم از خادمان قرآن کریم با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، سفراي کشورهای خارجی و سایر شخصیت‌های فرهنگی، سیاسی وریس و اعضای ستاد برگزاری نمایشگاه قرآن، خرومان با میلاد پریرت امام حسن مجتبی(ع) برگزار شد و طی آن از خادمان برگزیده تجلیل به عمل آمد.

اسامی این برگزیدگان به شرح زیر است: محمدرضا پورمعین، حجت الاسلام ذریبی و حجت‌الاسلام شهیدی پور (مروجین قرآنی)، مؤسسه دارالقرآن بسج (موسسات قرآنی)، صداقت جباری (هنرهای تجسمی)، کریمعلی شیرازی (کتابت خط نستعلیق)، امیرمحمد دستغابی (فیلم انیمیشن)، احمد فیضیاسان (هنرهای سنتی)،محمدحسین رضاشواد (تاشران)، آیت‌الله امامی کاشانی (تفسیر علوم قرآنی)، حسین استاد ولی (ترجمه قرآن) دکتر پرهیز میانی و حجت الاسلام سیداحمد سجادی (برم افزار قرآنی)، هجنتی به برگزیدگان این دوره از نمایشگاه لوح ویژه رئیس جمهوری و جایوزی ارزشمنده، اهدا شد.

### انتشار کتاب باید

## آیین نامه‌ای مشخص داشته باشد

انتشار کتاب باید قاعده‌مند و دارای آیین‌نامه مشخص باشد.

محمد-حسین صفار هرندی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی،ضمن بیان این مطلب در جمع اعضای هیأت مدیره انجادهی ناشران و کاتفریوشان، به نژوایی‌ها و می‌عدالتی‌هایی که در گذشته در حق برخی ناشران کتاب اعمال شده، اشاره کرد و اظهار داشت: کتابی باید ترویج شود که با آیین و باور مردم منطبق باشد و اگر کتابی به موازین اخلاقی جامعه‌ی‌بندی‌نداده، ترویج آن وظیفه ما نیست.

وی همچنین تأکید کرد: کتابی که فرهنگ عمومی و مبانی اخلاقی، ایرانی و اسلامی جامعه را از قفا دهد نیازمند اعمال سیاست‌های حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

صفار هرندی در ادامه بیان داشت: من معتقدم باید عمده‌ترین حمایتها و یارانه‌ها، بر روی سرانه مطالعه و کتابخوانی در کشور متمرکز شود.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بایان اینکه در همه جای دنیا برای فرهنگ و حمایت از آن سهم قابل توجهی قائل هستند، افزود: در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به قطع یارانه‌های فرهنگی معتقد نیستیم و اگر زمانی صحبت از قطع یارانه محصولات فرهنگی در بخش می‌باشد، به میان می‌آید، منظور ذخیره و صرف آن در بخش دیگری از حوزه فرهنگ و هنر است.

وی اضافه کرد: جماعت در خدمت فرهنگ، شایسته حمایت هستند، مگر آنان که نسبت‌شان با فرهنگ تنها یک نسبت اقتصادی و مادی و کانسب کارانه است.

صفار هرندی اظهار امیدواری کرد با اتخاذ سیاست‌های تازه که با آسیب‌شناسی وضعیت گذشته همراه است در حوزه کتاب پیشرفت حاصل شود و به نقطه‌ای برسیم که مشکلات امروز را نداشته باشیم.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در خصوص حق مؤلف نیز گفت: ما وظیفه خود می‌دانیم از حق نویسندگان در قبال متعرض داخلی دفاع کنیم و اگر بتوانیم کپی رایت و حق مؤلف را در داخل کشور قاعده‌مند و ساماندهی

کتبم استعداد و تجربه بر خورد و حضور در عرصه‌های

جهانی را نیز پیدا خواهیم کرد.

وی درباره ن‌دانش کار تشنگلهای حوزه نشر و کاتفریوشان با تشنگلهای تعارضی نیز گفت: به هر نسبتی که نهاد‌های مردمی خود را با منافع عمومی تطبیق دهند ارتباط ما با آنها معنادارتر و حساب شده‌تر می‌شود.

صفار هرندی به مسئله معافیت مالیاتی برخی کاتفریوشان و ناشران کتاب اشاره کرد و بیان داشت: نمی‌توان حکم کلی در این زمینه صادر کرد بلکه باید تخفیف مالیاتی و معافیت مالیاتی متناسب با نوع عملکرد فرورشدگان کتاب صورت گیرد.

مشکلات مربوط به سیستم توزیع کتاب در کشور از دیگر مباحثی بود که در این نشست مورد بررسی قرار گرفت. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این باره گفت: مشکل توزیع کتاب با بیمه قابل حل است و باید نگاه جدیدی نسبت به مقوله فرهنگ مکتوب از سوی دولت به وزارتخانه‌ها قافا شود.وی افزود:شان اصلی ما در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سیاستگذاری، نظارت و حمایت است و بر هر سه مورد پاسشاری می‌کنیم و به تلازم بین این سه موضوع اعتقاد داریم و اگر قرار است حامی باشیم باید سیاستگذار و ناظر هم باشیم.

صفار هرندی با اشاره به افزایش سهم بخش تعاونی به ۲۵ درصد در برنامه چهارم توسعه گفت: جایگاه تعاونی در کشور جایگاه برجسته‌ای است و ما باید استعداد گذرشنر تعاونیها را در خود پروریم.صفار هرندی از ناشران شهرستانی یاد کرد و بر رعایت عدالت در زمان توزیع و اختصاص ارز به تولیدکنندگان تأکید کرد. وی به سالم‌سازی تشکیلات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نظارت بر نظام توزیع کتاب اشاره کرد و گفت: اگر در این دوره حراف و تخلفی صورت بگیرد با علم و اطلاع نیست بلکه سهوی بوده امیدواریم در اعمال قانون در همه بخشها دستمان پر باشد تا بتوانیم خطاها را از گردونه خارج کنیم.



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این مسائل در دستور کار ریاست جمهوری نیز قرار دارد.احمدی‌نژاد در بخش دیگری از سخنان خود اظهار داشت: «باور ندارم که طی ۷۷ سال گذشته در عرصه هنر و فرهنگ فاقد نقاط اوج و افتخار بوده‌ایم، چرا که صحنه‌هایی در انقلاب آفریده شد که در طول تاریخ ما و بشری نظیر بوده است.بوی‌با اشاره به اینکه هنرمند و هنر شناس مبلغ باید همیشه به وضع معترض باشد، گفت: «هنرمند همواره باید با نگاهی نقادانه به وضع موجود معترض باشد، چرا که در این زوئناست که آینده ترمسیم می‌شود.بویس جمهوری در ادامه تأکید کرد: «ما می‌توانیم فرهنگ خود را حفظ کنیم و پیامهای نجات‌بخشی را برای ملت‌های دیگر نیز داشته باشیم.»

وی از اهالی فرهنگ، هنر و قلم خواست تا همواره ناظر بر کار دولت باشند.در این مراسم،وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس و جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز حضور داشتند.

## تقدیر از خادمان برگزیده قرآن کریم

گروه خبر کتاب هفته، خادمان برگزیده قرآن کریم با حضور محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور، در مصالای امام خمینی(ره)تهران معرفی شدند.

مراسم دوازدهمین دوره تکریم از خادمان قرآن کریم با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، سفراي کشورهای خارجی و سایر شخصیت‌های فرهنگی، سیاسی وریس و اعضای ستاد برگزاری نمایشگاه قرآن، خرومان با میلاد پریرت امام حسن مجتبی(ع) برگزار شد و طی آن از خادمان برگزیده تجلیل به عمل آمد.

اسامی این برگزیدگان به شرح زیر است: محمدرضا پورمعین، حجت الاسلام ذریبی و حجت‌الاسلام شهیدی پور (مروجین قرآنی)، مؤسسه دارالقرآن بسج (موسسات قرآنی)، صداقت جباری (هنرهای تجسمی)، کریمعلی شیرازی (کتابت خط نستعلیق)، امیرمحمد دستغابی (فیلم انیمیشن)، احمد فیضیاسان (هنرهای سنتی)،محمدحسین رضاشواد (تاشران)، آیت‌الله امامی کاشانی (تفسیر علوم قرآنی)، حسین استاد ولی (ترجمه قرآن) دکتر پرهیز میانی و حجت الاسلام سیداحمد سجادی (برم افزار قرآنی)، هجنتی به برگزیدگان این دوره از نمایشگاه لوح ویژه رئیس جمهوری و جایوزی ارزشمنده، اهدا شد.

#### مدیرکل اداره کتاب و کتابخوانی منصوب شد

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حکمی مجید حمیدزاده را به سمت مدیرکل اداره کتاب و کتابخوانی این وزارتخانه منصوب کرد.

محمد حسین صفار هرندی در این حکم خطاب به حمیدزاده آورده است: «نظرم به شایستگی و سوابق فرهنگی شما و بنا بر پیشنهاد محمدعلی شعاعی، معارف امور فرهنگی، به موجب این حکم به عنوان مدیرکل کتاب و کتابخوانی منصوب می‌شود.»

در بخش دیگری از این حکم آمده است: «امید است با همکاری کارشناسان و همچنین بهره‌گیری از دیدگاهها و نظریه‌های هیأت نظارت بر نشر کتاب، در برنامه‌ریزی، تقویت و ترویج کتابخوانی و همچنین در پایان‌یادافروزه‌از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نام آفاره کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به افاره کل کتاب و کتابخوانی تغییر یافته است.»

#### رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی منصوب شد

محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهور، با صدور حکمی، علی‌اکبر اشعری را به عنوان مشاور فرهنگی رئیس جمهور و رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ریاست کرد.

به گزارش دفتر امور رسانه‌های ریاست جمهوری، در این حکم آمده است: «نظرم به تعهد، شایستگی و سوابق مستد فرهنگی و تجارب ارزشمنده‌اجرائی، جنابعالی را به عنوان مشاور فرهنگی رئیس جمهور بر می‌گزینم. بر اساس تبصره ۲ ماده ۵۵ قانون اساسنامه سازمان اسناد و شورای عالی اداری و تأیید هیأت امنای سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، برای مدت چهار سال به سمت رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران» منصوب می‌شود.

توفیق شما را در اعتدالی فرهنگ نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و تحقّق اهداف چهارگانه دولت اسلامی - عدالت‌گستر، مهرورزی، خدمت‌رسانی و تعالی و پیشرفت‌دای و معنوی جامعه- از عبادتدندان مستلث دارم.»

## یک هفته با کتاب

گروه خیر کتاب هفته، عناوین روزهای سیزدهمین دوره هفته کتاب اعلام شد.

سیزدهمین دوره هفته کتاب از ۲۸ آبان تا هفتم آذرماه سال جاری در سراسر کشور برگزار می‌شود. به گزارش روابط عمومی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، عناوین این روزها به این شرح است:
کتاب و پدیدآورندگان، «کتاب صنعت و کارگر» و کتاب و دانش آموزان روزهای اول تا سوم این هفته اعلام شده است. چهارمین روز هفته کتاب با عنوان کتاب و دانشجو، پنجمین روز این هفته با عنوان کتاب، کتابدار و اطلاع‌رسانی، و ششمین روز این هفته با عنوان کتاب، خادم‌ان نشر و حامیان نسخ خطی معرفی شده است.

### دومین جشنواره

### نمایشنامه خوانی نیاوران

گروه خیر کتاب هفته دومین جشنواره نمایشنامه خوانی بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران، با هدف توجه به قابلیت‌های صحنه‌ای برای گسترش و بسط فرهنگ و هنر ایران اسلامی از طریق زبان نمایش برگزار می‌شود. این جشنواره با موضوع «نون ایرانی از ۳۰ آبان تا ۲۴ آذرماه در فرهنگ‌های نیاوران» برپا می‌شود.

مقتضای آراژده، از هر یک از نمایشنامه‌های ایرانی با متن ابیات فارسی که برای نمایشنامه‌خوانی تنظیم شده، استفاده کنند. همچنین متن مزبور برای شرکت در جشنواره چه از لحاظ تکنیکی و چه از لحاظ ارزشهای اسلامی، باید شان آلام داشته باشند.

آخرین مهلت ارسال آثار ۱۵ آبان‌ماه ۸۲ اعلام شده و بابینتی آثار تا تاریخ ۱۵۲۳/۱۵ آبان‌ماه انجمن خواهد شد. در نهایت حداکثر ۳ نمایش برای حضور در جشنواره، انتخاب می‌شود.

انجمن به دوگت است. هیأت داوران به آرایز برتر در گرایشهای متنوع نمایشی، کارگردانی، بازیگری و اجرا، جوایزی را اهدا خواهد کرد. در آراست نام دیر دومین جشنواره بزودی اعلام شود.

### جایزه «سعی مشکور»

### اعطای می شود

گروه خیر کتاب هفته، جایزه سعسی مشکور» به پرتلاش ترین پژوهشگر ایران شناسی اعطا می‌شود. به منظور تجلیل از مقام علمی مرحوم جواد مشکور، استاد دانشگاه تهران، خاندان آن مرحوم با همکاری مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی جایزه ای را به نام «سعسی مشکور» اختصاص داده‌اند که با ضوابط به پرتلاش ترین پژوهشگر ایران شناسی اهدا خواهد شد. کتابخانه اختصاصی مرحوم محمد جواد مشکور مدتی پیش از این، از سوی بازماندگان آن استاد، به کتابخانه مرکز دایرة المعارف اسلامی اهدا شده بود. این کتابخانه، در حال حاضر در بخش مجموعه های اهدایی، و به صورت جداگانه نگهداری می‌شود.

### نامزدهای نهایی جایزه ادبی گلشنبری

گروه خیر کتاب هفته، نامزدهای نهایی پنجمین دوره جایزه ادبی هوشنگ گلشنبری، در چهار بخش بهترین رمان، مجموعه داستان، رمان اول (اولین اثر نوسنده) و اولین مجموعه داستان، اعلام شد. برگزیدگان نهایی این دوره پس از بررسی آثار توسط هیأت داوران، آذرماه سال جاری طی مراسمی معرفی می‌شوند. علی‌اشرف درویشیان، لیلی گلستان، حسن بنی‌عمری، سپهریار مندنی‌پور، حسین سنابزور، موزه دوقلی، محمدعلی سیاللو، محمدحسین اخوت و اعضای هیأت داوران این دوره جایزه گلشنبری را تشکیل می‌دهند.

## وزارت ارشاد پیگیر مشکلات کتابداران است

وزارتخانه اعلام آمدم با مشکل کتابداران روبه‌رو بودم و اگر چه مسائل این قشر به طور مستقیم به وزارت اسناد کتابخانه‌های عمومی کشور که مجموعه‌های خارج از حیطه مستقیم این وزارتخانه است، مسئولیت بر طرف کردن مسائل را دارد ولی ما نقش خود را در این میان فراموش نکرده ایم»

مشکلات کتابداران لایحل نیست
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیگیرمسائل این قشر است.
هرتاری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن بیان این مطلب گفت: «از نخستین روزهای این وزارتخانه آمدم با مشکل کتابداران روبه‌رو بودم و اگر چه مسائل این قشر به طور مستقیم به وزارت اسناد کتابخانه‌های عمومی کشور که مجموعه‌های خارج از حیطه مستقیم این وزارتخانه است، مسئولیت بر طرف کردن مسائل را دارد ولی ما نقش خود را در این میان فراموش نکرده ایم»
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به رفع مشکلات کتابداران در کشور اشاره کرد و گفته: پیگیری موضوع از طریق ادارات کل این وزارتخانه در سطح استان نیز ادامه داده و وی افزود، در استان تهران این مشکل کتابکاران باقی است و طبق آخرین گزارش‌ها مذاکره با مسئولان هیأت امنا به این نتیجه رسیدیم که باید از طریق دستگاه‌هایی که به این حوزه مربوط می‌شوند، مشکل پرداختن کتابداران را بر طرف کنیم.
صفا هرفدای اشاره به مسئولیت شهرداری در این خصوص گفت: «به طور مثال، نیم درصدی که ناشی از درآمد شهرداری هاست باید به حساب هیأت امنا



ارایز شود که در این خصوص، به‌نامهای جواد فاده‌پوری با اشاره به اینکه هیأت امنا باید پیگیر این قضیه باشد، گفته: «به هر حال موضوع رفع‌شدنی است.»

لازم به ذکر است مشکلات کتابداران شامل مشخص نبودن وضعیت استخدام، پرداخت حقوق به صورت علی‌الحساب و گاهی به صورت ۶ ماه یکبار است.

## طرح حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان

طرح حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان در کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی تدوین و تکمیل می‌شود. به گزارش سرات خیر، جواد آریان‌منش، نایب‌رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی با اعلام این خبر گفت: طرح حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان بازویکرو جدید و تطبیق آن با شرایط روز در حال بررسی در کمیسیون فرهنگی است. وی با اشاره به پیوستن قریب‌الوقوع ایران به سازمان جهانی تجارت نیز افزود استفاده از قانون کپی‌رایت در دست‌ساخت فرهنگی داخلی و عوچی گفت: «اولویت ما حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان در داخل کشور

## ۱۵۰ جلد کتاب درباره نخبگان

گروه خیر کتاب هفته، ۳۰ جلد کتاب درباره اساتید و چهره‌های ماندگار و ۱۵۰ جلد کتاب نیز در خصوص زندگی و احوال این نخبگان منتشر خواهد شد.

محمود اسعدی، ریاست‌جمهوری‌های ماندگار، ضمن بیان

این خبر اعلام کرد: «پنجمین همایش بین‌المللی چهره‌های ماندگار ۱۳۲۳ آبان‌ماه اهداف تجلیل از دانشمندان عرصه علم و فرهنگ در رشته‌های مختلف، در مرکز همایشهای صدا و سیما برگزار می‌شود.»

وی خاطرنشان کرد: «در این مراسم از ۲۵ چهره ماندگار در رشته‌های علم انسانی، علوم پایه، کشاورزی، هنر، پزشکی و فنی‌مهندسی تجلیل و تقدیر خواهد شد و در

### گردمهایی «فرهنگ و کودک ویژه»

شورای کتاب کودک، گردمهایی فرهنگ و کودک ویژه را ۲۲ تا ۲۳ آبان ماه برگزار می‌کند.

دبیرخانه شورای کتاب کودک اعلام کرده از همه کسانی که در زمینه فعالیت‌های مختلف فرهنگی از جمله قصه‌گویی، کتابخوانی، نمایش و نقاشی برای کودکان و نوجوانان معلول و بستری در بیمارستان‌های دارای تجربه هستند، دعوت به همکاری می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند تجربه خود را در سامکرده خط تنظیم و تا ۱۰ آبان‌ماه به آدرس شورای کتاب کودک و اقع در خیابان انقلاب، خیابان اروپویجان، خیابان وحید نظری، شماره ۹۸ طبقه دوم ارسال کنند.

### ۳۱۰ عنوان کتاب در راه

۳۱۰ عنوان کتاب در هفته منتهی به بیست و هفتم مهرداد مجوز گرفتند.
آمار موضوعی این کتابها به شرح زیر است:
علوم اجتماعی (۲۵ عنوان)، ادبیات (۶۳ عنوان)، کمک‌درسی (۵۲ عنوان)، علوم دانشگاهی (۲۷ عنوان)، دین (۳۱ عنوان)، فلسفه (۱۹ عنوان)، تاریخ (۱۲ عنوان)، کلیات (۱۰ عنوان)، علوم سیاسی (۷ عنوان)، هنر (۶ عنوان)، همچنین در هفته مزبور، تعداد ۲۹۰ کتاب تمام اعم از چاپ اول یا چاپهای بعدی به دبیرخانه هیأت نظارت بر اجرای ضوابط نشر کتاب اعلام وصول شده است.



### رئیس «انجمن قلم ایران» استعفا داد

گروه خیر کتاب هفته، محمدرضا سرشار، رئیس هیأت مدیره انجمن قلم ایران از سمت خود استعفا داد.

وی دلیل کناره‌گیری خود از سمت رئیس هیأت مدیره انجمن قلم و سردهیبری فصلنامه قلم را، رسیدگی به کارهای نیمه‌تمام خود عنوان کرد و افزود: «از طرفی، چهره های جدید در بین نویسندگان و اهل قلم برای حضور در هیأت مدیره این انجمن وجود دارد و بهتر آن است با این گونه اقدامات به گونه‌گیری یا تبئلی افراد پایان داده شود و آنها هم به فرصت بیایند.»

وی پیشتر از عضویت در هیأت منصفه مطبوعات

و قصه‌گویی در برنامه قصه ظهر جمعه رادیو نیز کناره‌گیری کرده بود.

هیأت مدیره این انجمن به زودی بر طبق اساسنامه برای انتخاب رئیس هیأت امنا جدید اقدام خواهد کرد.

### قلم زرین، قلم طلایی شد

گروه خیر کتاب هفته، بخش قلم‌زرین دهمین جشنواره فیلم دفاع مقدس، به قلم طلایی تغییر نام یافت. به دنبال افزایش هیأت مدیره انجمن قلم ایران» به استفاده جشنواره فیلم دفاع مقدس از عنوان قلم‌زرین، عنوان بخش قلم‌زرین جشنواره به عنوان قلم طلایی تغییر یابد کرد.

انجمن قلم ایران با ارسال پایانه خود به دبیرخانه جشنواره فیلم دفاع مقدس، خواستار انتخاب عنوان دیگری برای بخش جشنی این خواستار شده بود. این انجمن معتقد است عنوان قلم‌زرین نسل انتخابی از طرف انجمن قلم ایران بوده که طی سه دوره برپیشانی این جشنواره نقش داشته است.

گفتنی است، بخش قلم طلایی جشنواره که قرار است در آن به ارزیابی و گزینش برترین فیلمنامه‌ها، خلاصه فیلمنامه‌ها و طرح‌ها پرداخته شود، امسال برای نخستین بار در ساختار جشنواره، طراحی و پیش‌بینی شده است.

### برگزیدگان دومین جشنواره

### کتاب سال قصه‌های قرآنی

گروه خیر کتاب هفته، برگزیدگان نهایی دومین جشنواره انتخاب کتاب سال قصه‌های قرآنی، پامیران، (ع) و صحنایه معرفی شدند.
در بخش تألیف داستان بلند و رمان، کتاب «آنگ آن» بنییم نظر کرده نوشته محمدرضا سرشار، رتبه اول را کسب کرد.
در بخش ترجمه داستان بلند و رمان، کتاب اسوار سزویزش آرزوهای ترجمه حسین سبیدی ساووی رتبه اول را به دست آورد.

در گروه کودک و نوجوان در بخش داستان تألیف و رمان رتبه اول به کتاب «فروغ آفتاب‌زده» نوشته محمود پوردهاب تعلق گرفت.
مجموعی قرآن ترجمه سیدمحمد راستگو و مسعود العسری، رتبه اول را از آن خود کرد.
در این برنامه به پاس یک عمر فعالیت‌های فرهنگی و نگارش داستانهای الهام‌گرفته از قرآن و زندگی پامیران (والتمه (ع)، برگزیدگانست محمدرضا سرشار نیز برگزار شد.



## دو کتاب کودک ایرانی در آثار برجسته جهانی

گروه خبر کتاب هفته، دو اثر حسنی-لمسی ایرانی که از سوی شورای کتاب کودک، به مرکز اسناد و کتاب کودکان معلول دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY) معرفی شده بود، در فهرست ۲۰ اثر برجسته جهان در سال ۲۰۰۵ قرار گرفت. شورای کتاب کودک، دو اثر پارچه‌ای-لمسی را در زمینه کتابهای ویژه کودکان نابینا، با عنوان «مجموعه نو که ماه بلند آسمونی» برگرفته از یک شعر عامیانه، نوشته فریبا کیهانی و «کدو قلقله زن» با تصویرگری کوکب طاهباز، در فهرست ۲۰ اثر برجسته جهان در سال ۲۰۰۵ ثبت کرد.

مرکز اسناد و کتاب برای کودکان و نوجوان معلول در سال ۱۹۸۵ در اسلو نورژ تأسیس شد. این مرکز که حاصل همکاری بین یونسکو، دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY) و مؤسسه آموزشی کودکان استثنایی است، در طی سالهای ۱۹۸۱، ۱۹۸۵، ۱۹۹۱، ۱۹۹۷، ۲۰۰۱، ۲۰۰۲، ۲۰۰۴ و در این زمینه به اجرا درآورده است.

## نمایشنامه نویسی انگلیسی برنده نوبل

گروه خبر کتاب هفته، یکصد و دومین جایزه ادبی نوبل، روز پنجشنبه ۱۳ اکتبر به «هارولد پینتر» نمایشنامه نویسی سرشناس انگلیسی تعلق گرفت. انتخاب پینتر حیرت محافل ادبی را برانگیخت زیرا نام او نه تنها در بین نامزدهای اصلی بلکه حتی در میان نوبل‌نگاران که ممکن بود شانس برای کسب جایزه ادبیات نوبل داشته باشند به چشم نمی‌خورد.

وی علاوه بر نمایشنامه نویسی به فعالیت‌های دیگر ادبی چون شعر و قصه‌نویسی نیز مشغول است. از آثار مشهور پینتر می‌توان به نمایشنامه‌های «چش توله»، «بیشخدمت»، «زیرزمین»، «همانی»، «مهابت»، «کودک خیالی‌الف»، «محاکنه» و... اشاره کرد.

این نمایشنامه نویسی سرشناس انگلیسی تاکنون موفق به دریافت جایزه نلم آلمان، جایزه ادبی وهران جهان، جایزه شکسپیر، جایزه پیراندلو و... جایزه ادبیات نوبل با یک جایزه نقدی معادل ده میلیون کرون سوئد، در روز ۱۰ دسامبر سالگرد درگذشت افررد نوبل- در استکهلم به وی اهدا خواهد شد.

## نمایشگاه فرانکفورت با حضور صد کشور

گروه خبر کتاب هفته، نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت از ۱۹ تا ۲۳ اکتبر ۲۰۰۵- ۲۷ مهر تا ۳۱ آبان ۱۳۸۴- در شهر فرانکفورت آلمان برپاست. در این نمایشگاه بیش از ۲۰۰۰ ناشر از بیش از صد کشور جهان گرد هم می‌آیند تا کتابهای خود را به نمایش بگذارند و حق کپی رایت کتابهای خود را



بفروشند. نمایشگاه اسامال سعی دارد ارتباط میان جهان کتاب و صنعت فیلم را گسترده‌تر کند. به همین منظور یکی از طرفهای اسامال نمایشگاه فرانکفورت، همکاری با جشنواره فیلم برلین است. همچنین برای اولین بار در این نمایشگاه مدیران کارخانه‌های ساخت اسباب‌بازی که بازیها و عروسکهای محبوب کتابهای کودکان را می‌سازند، شرکت می‌کنند. از برنامه‌های جالب نمایشگاه اسامال برگزاری جلسات مذاکره درباره وجود اشتراک فوتبال و ادبیات به مناسبت میزبانی آلمان در مسابقات جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ است.

اسامال تعداد شرکت‌کنندگان در این نمایشگاه شش درصد بیشتر از سال گذشته است. اکثر شرکت‌کنندگان جدید از خارج از آلمان و در حقیقت خارج از جهان انگلیسی‌زبان، در این نمایشگاه حضور می‌یابند.

رئیس نمایشگاه فرانکفورت نیز در نظر دارد که این نمایشگاه را به مرکز اصلی دیدار ناشران آسیایی تبدیل کند و مهمانان اصلی نمایشگاه اسامال، نویسندگان کره جنوبی هستند. در این نمایشگاه قرار است ۳۵۰ هزار ۶۱۹ عنوان کتاب عرضه شود که از این میان ۱۰۲ هزار و ۵۶۶ عنوان، جزو تازه‌ترین انتشارات ناشران شرکت‌کننده است. از ایران نیز ۱۲ ناشر و «خانه کتاب ایران» در این نمایشگاه حضور دارند. اما برخلاف افزایش تعداد ناشران شرکت‌کننده، فضای اختصاص یافته به ایران در نمایشگاه اسامال ده درصد کاهش یافته است.

انتشارات شبابور، ناشر کتابهای کودکان و یک ناشر به نمایندگی از جمع صنفی- فرهنگی زنان ناشر نیز، به دعوت نمایشگاه به فرانکفورت می‌روند. وضعیت نشر و تعداد کتابهای چاپ شده در سال ۱۳۸۳ ایران و فعالیت‌های اجتماعی زنان در ایران، عناوین موضوعات سخنرانی جمع صنفی- فرهنگی زنان ناشر، در نمایشگاه کتاب فرانکفورت است.

نشر حوض نقره نیز به نمایندگی از دیگر ناشران زن ایرانی در پنجاه و ششمین دوره نمایشگاه کتاب فرانکفورت آلمان حضور می‌یابد.

## آخرین تایتان صحنه تئاتر

گروه خبر کتاب هفته، دوشنبه ۱۷ اکتبر- ۲۵ مهر- سالروز تولد «آرتور میلر» یکی از بزرگترین روزنامه‌نگاران و نمایشنامه‌نویسان آمریکایی و خالق اثر برجسته «مرگ یک دستفروش» بود. آرتور میلر در ۱۷ اکتبر سال ۱۹۱۵ در نیویورک متولد و بعد از اتمام دوره دبیرستان وارد دانشگاه میشیگان شد، جایی که استعدادهایش به عنوان نمایشنامه‌نویس تحت نظر استاد Kenneth rowe شکوفا شد.

## بین المللی

بعد از به پایان رسیدن دوره دانشگاه، میلر به نیویورک بازگشت و نخستین نمایشنامه اش با عنوان «مردی که بخت بارش بوده سال ۱۹۴۴- به روی صحنه رفت؛ نمایشنامه‌ای که با انتقادهای شدیدی روبرو شد تا جایی که می‌توانست اولین و آخرین اثر وی باشد.

اما او این کار را ادامه داد و به یکی از بزرگترین نمایشنامه‌نویسان قرن بیستم تبدیل شد. دومین نمایشنامه وی «همه پسران من» نام داشت و در حقیقت اولین موفقیتش در عرصه تئاتر بود که برنده جایزه محفل منتقدان تئاتر نیویورک نیز شد. دو سال بعد، برجسته‌ترین اثر میلر و یکی از بهترین نمایشنامه‌های آمریکایی با عنوان «مرگ یک دستفروش» وی را مشهور و ترنمند کرد و همچنین جوایز پولیتزر، سه جایزه تونی و نیز جایزه منتقدان تئاتر نیویورک را به نویسنده اش هدیه کرد. این نمایش بارها و بارها در نقاط مختلف جهان به روی صحنه رفت و به چندین زبان زنده دنیا ترجمه شد.

میلر در سال ۱۹۶۵ به ریاست سازمان ادبی بین‌المللی پن «PEN»- انتخاب شد. جایزه «آرتور میلر» در سال ۱۹۸۵، جایزه متون نمایشی «آرتور میلر» در سال ۱۹۹۹ و تئاتر «آرتور میلر» در مرکز نمایشی والگرنین همه به افتخار او نامگذاری شده‌اند.

وی در دهه ۹۰ دو نمایشنامه نوشت که یکی از آنها «آخرین آمریکایی» نام داشت. در سال ۲۰۰۲، میلر اولین آمریکایی بود که «کفتصر به دریافت نشان افتخار ادبی اسپانیا شد. او بیش از ۶۰ سال شخصیت برجسته ادبیات و سینمای آمریکا بود و نمایشنامه‌های بسیاری نگاشت. از دیگر آثارش می‌توان این موارد را نام برد: راه‌های طلایی، پس از پاییز، قیمت، ساعت آمریکایی، خطر، حافظه، وصله‌های ناجور، دشمن مردم، بازی برای زمان و...

این نویسنده مشهور در دهه فوریه سال ۲۰۰۵ درگذشت.

## کنگره بین المللی آرشوها جهانی

گردهمایی متخصصان کتابداری و آرشیویست‌های جهان به منظور حمایت از مجموعه اسناد و دستیابی به آخرین راهکارهای تخصصی در زمینه حفظ و نگهداری از آرشیوهای عمومی و خصوصی جهان در سال ۲۰۰۸ میلادی در کوالالامپور مالزی برگزار می‌شود.

به گزارش سایت کتاب، شورای بین‌المللی آرشوها وابسته به یونسکو که متولی و طراح این پروژه جهانی است، اعلام کرد، کنگره بین‌المللی آرشوها در مجموعه برنامه‌های ادواری یونسکو دارای سنت دیرینه‌ای همانند بازی‌های المپیک است که هر چهار سال یکبار با شرکت صدها متخصص آرشیویست از سراسر جهان در یکی از کشورهای عضو، برگزار می‌شود. شرکت در این کنگره برای تمامی افراد فعال و متخصصان در زمینه

آرشوها و حفظ و نگهداری از اسناد با روشهای تخصصی آزاد است. مرکز ملی آرشوها در مالزی نیز به عنوان میراث کنگره بین‌المللی ۲۰۰۸ با دعوت از تمام کشورهای عضو ICA در تمام کشورهای جهان اعلام کرد شازدهمین کنگره بین‌المللی آرشوها با هدف تدارک و گسترش پیوند و ارتباطات حرفه‌ای میان اعضای دیگر کشورهای جهان در کوالالامپور به عنوان دومین کشور آسیایی پس از «بی‌جینگ» در کشور چین برگزار می‌شود.

این کنگره فرصتی منحصر به فرد در اختیار کشورهای متخصصان فن در زمینه آرشوها اسناد و مدارک کتابخانه‌ای است که در سال ۲۰۰۸ از سوی مرکز ملی آرشوها مالزی برگزار می‌شود. دوره قبلی این کنگره در سال ۲۰۰۲ در وین پایتخت اتریش برگزار شده بود.

## راهنمای جهانی مترجمان کتاب کودک

نمایشگاه کتاب بولونیا با همکاری دفتر تبادل متون وابسته به سازمان جهانی یونسکو از مترجمان و ناشران جهان دعوت کرد برای نام‌نویسی در راهنمای جهانی مترجمان کتاب کودک اقدام کنند.

به گزارش سایت کتاب، نمایشگاه کتاب کودک و نوجوان بولونیا در بخشی از اطلاعیه خود از مترجمان و ناشران کتاب کودک در سراسر جهان دعوت کرده است که در صورت تمایل به نام‌نویسی در فهرست این راهنمای جهانی ناشران فرمهای ارائه‌شده ویژه مترجمان و ناشران مراجعه کنند.

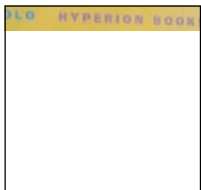
مرکز مترجمان در نمایشگاه کتاب نیز اعلام کرد، برنامه ویژه راهنمای جهانی مترجمان کتاب کودک در نمایشگاه ۲۰۰۶ بولونیا همچنان به طور برجسته‌ای مورد توجه قرار خواهد گرفت.

این برنامه با هدف ارائه نقشی مشخص در پیشبرد و انتشار ادبیات کودک در سطح جهانی طی چهار روز برگزاری این نمایشگاه اقدام به برگزاری همایش مترجمان کرده است.

مرکز مترجمان همچنین برنامه‌های ویژه‌ای را طی این گردهمایی‌ها طراحی و برنامه‌ریزی کرده است. این برنامه‌ها در زمینه ترجمه ادبیات کودکان، ترجمه آثار کمدی و نیز ارائه راهنمای جهانی مترجمان کتاب کودک است که با همکاری نمایشگاه کتاب کودک بولونیا و یونسکو تهیه شده است.

## برگزاری هفدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب دلهی

گروه خبر کتاب هفته، هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب دلهی با موضوع «بیمان فرهنگی در جامعه چندفرهنگی» از ۲۷ تا ۳۱ فوریه ۲۰۰۶ (۱۷ تا ۲۱ مهر ۱۳۸۴) در هند برگزار می‌شود. هند تنها کشوری است که به ۲۷ زبان مختلف، کتاب منتشر می‌کند و پس از کشورهای آمریکا و انگلیس از نظر چاپ کتاب به زبان انگلیسی در رتبه سوم قرار می‌گیرد. علاقه‌مندان به شرکت در نمایشگاه، برای کسب اطلاع بیشتر می‌توانند با شماره تلفن ۳۳۹۸۲۰۰۰۱ حوزه کارشناسی مربوطه در دفتر مجامع و فعالیت‌های فرهنگی، تماس بگیرند.



## تازه‌های نشر

**مهمبری**، اسدالله امیرایی، ترجمه‌ای تازه از داستان «ویموند کارور» و از سوی انتشارات نقش و نگار، به بازار کتاب عرضه کرده است.
**مهمبری**، حسن و ناقد که چند سال قبل فرهنگ کوچک لامگی- فارسی را با انتشارات معروف لامگی لانگن شایب منتشر کرده بود و در حال تدوین فرهنگ متوسط برای همین ناشر است، ویرایش جدید فرهنگ آلمانی- فارسی لانگن شایب را برای چاپ چهارم به پایان رسانده و امسال آن را در نمایشگاه کتاب فرانکفورت، عرضه می‌کند.
**مهمبری**، گزیده‌ای از تمام شعرهای منتشرشده م.آزاد، با عنوان «بهارزایی آهوه» و با دو مقدمه به قلم سیروس طاهباز و خود شاعر از سوی انتشارات دارپوش منتشر می‌شود.
**مهر**، «کتابشناسی نسخ خطی ایران» به کوش جعفر فروزان بزدامی از سوی نشر کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم، آماده چاپ است.

**مهر**، کتاب «مطالعه و شناخت بناها و محوطه‌های تاریخی» با هدف آشنایی و اطلاع‌رسانی به دانشجویان رشته مرمت آثار باستانی، منتشر شد. این کتاب توسط نشر آزاده به چاپ رسیده است.

**فارس**، کتاب «پیرامون ادبیات» نوشته جی. هیلپس میلر با ترجمه علی اصغر بهرامی، توسط نشر نی به چاپ می‌رسد. این کتاب به ادبیات، به‌ویژه به قصه و شعر نگاهی تازه دارد.

**فارس**، نشر نی، کتاب «تاریخ اندیشه اقتصادی» نوشته لائوپل رابینز را با ترجمه علان‌رضا آزاد (رامکی) منتشر می‌کند.

**مِه و وطن سلام**، به تازگی ویرایش نهایی رمان «پرونده ۳۲۱۲»، به زندگی‌نامه شهید آیت‌الله دستغیب به پایان رسیده است.

**مهر**، جمشید صیونت، پژوهشگر تاریخ ایران و مؤلف کتاب «مشروطه در آذربایجان» به تازگی کتاب جدیدی با عنوان «زندگی و تاریخ بایگ»-بررسی زندگی و فعالیت‌های این قهرمان آذربایجانی- به نگارش درآورده است.
**اسپنا**، «تیرستانو می میرده»، تازه‌ترین کتاب آنتونیو تابوکی، نویسنده ۶۲ساله معاصر ایتالیایی مقیم برنعل، در ایران ترجمه و منتشر شد.

**مهر**، کتاب «خاثرات بسیار مجرمانه» نوشته سعید فلاح فر، با نگاهی کودکانه به جهان پیرامون ما به وودی منتشر می‌شود.

**هنسکاری** محمدرضا درویشی و ارفع اطرابی منتشر خواهد شد.

**فرهنگ آشتی**، سه نمایشنامه انگلیسی از جان مورنیم، آن ایکنرن و ای.میلن با ترجمه سیروس ابراهیم زاده از سوی نشر فطره منتشر شد.

## بین الملل

**رساله**، «برن رکارده» نویسنده تازه مسلمان شده، فرانسوی، کتابی با محوریت داستان‌های رمضان، برای کودکان منتشر کرده تا کودکان مسلمان ضمن بهره بردن از داستان، با

ارزشهای معنوی روزه و آداب اسلامی آشنا شوند.

**فرهنگ آشتی**، «جشنواره ادبیات آسیا» از روزه شنبه تا دوشنبه آینده در ستول برگزار می‌شود، در این جشنواره جلوه‌های مختلف فرهنگ آسیایی، معرفی می‌شود.

**جام جم آنلاین**، کتابی درباره آدوینیس (احمد علی سعید) به قلم ۶۰ اندیشمند، شاعر و نویسنده جهانی، منتشر شد. در این کتاب آثار این شاعر بزرگ، اندیشمند، رمان‌نویس و ناوآر عرصه شعر معاصر عرب بررسی شده است. این کتاب «نور مشرقی»، آدوینیس آنگونه که اندیشمندان و شاعران جهانی دیده‌اند» نام دارد.

**جام‌جم آنلاین**، بزرگداشت قسطنطین کفانی- شاعر یونانی- که مدتی از عمرش را در اسکندریه مصر به سر برده است، در کتابخانه لاسکندریه برگزار شد.

**جام جم آنلاین**، جایزه ادبی ۵ فاره فرانکوفونی (فرانسه زبانان) ۲۰۰۵ به آلن مایاتکو، نویسنده کنکویی برای تالیف رمان

«لیوان شکسته» اهدا شد.
**ایرنا**، کتاب جدید «صفر مراد نیازاف» رئیس جمهوری ترکمنستان با عنوان «مهربانان من» روز یکشنبه ۲۲ مهر منتشر و در سطح این کشور توزیع شد.

**میراث خیره**، یان مارتل نویسنده کانادایی که با رمان «زندگی پای» در سال ۲۰۰۲ برنده جایزه بوکر شده بود، به علاقه‌مندان این رمان فرصت داده تا برای نسخه جدیدی از این رمان تصویرگری کنند.

**میراث خیره**، یک روز پس از اعلام برنده جایزه بوکر ۲۰۰۵، فروش در «دوران» ۳۰۰ درصد افزایش یافت.

**اسپنا**، این هفته بنیاد شعر، جایزه تازه خود را که ویژه نویسندگانی است که بیش از ۵۰سال کتابی منتشر نکرده‌اند، به اورسون- شاعر ۷۹ ساله آمریکایی- اعطا کرد. مبلغ این جایزه دو هزار دلار است.

**ایران**، تازه‌ترین اثر کورت شارف که ترجمه آلمانی گزیده‌ای از حدود صد شعر مدرن فارسی است، اخیراً با عنوان «باد ما را خواهد برده» در آلمان منتشر شد.

**ایران**، نمایشگاه هنرهای قرآنی با عنوان «قرآن در آینه هنر» در کنار برپایی هشتمین جشنواره هنرهای اسلامی در امیرتشرین شارجه امارات

متحده عربی، گشایش یافت.
**ایرنا**، نمایشگاه فرهنگ و هنر ایران، دوشنبه ۲۵ مهر در شهر «حجی نان» در شرق چین گشایش یافت. این نمایشگاه، پنج روز ادامه خواهد داشت.

**میراث خیره**، مجله نیوبروکر در جدیدترین شماره خود خلاصه‌ای از رمان منتشرشده ترومن کاپوته را با عنوان «عبور از تابستان»، منتشر کرد.

**اسپنا**، فتیوال «گلاویزه» بیست و نهم آبان با حضور شاعران و داستان‌نویسانی از ایران، به مدت یک هفته در کردستان عراق برگزار می‌شود.

**اسپنا**، فهرست افتخار دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان ۲۰۰۴ از سوی این مرکز منتشر شد. نام‌های احمد اکبریور به خاطر تالیف کتاب «امیراتور کلمات»، فرید شغمی به خاطر تصویرگری کتاب «هنرزاد» و بچه‌های

# خبرهای کوتاه

قصه گوّه و مریم واعظی و تسرین وکیلی برای ترجمه کتاب «دستیار ماما»، در این فهرست قرار دارد.

**ایرنا**، جلد پنجم فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه گنج بخش که به همت مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان چاپ شد، سه‌شنبه ۲۶ مهرماه منتشر شد.

### نشست

**آفتاب بزده**، نشست بررسی کتابشناسی‌های قرآنی در ایران و جهان عرب، روز پنجشنبه ۲۱ مهر در سرای قرآن و اندیشه سیزدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم برگزار شد. **ایرنا**، نشست «نگاه قرآن در هنر معاصر» در دومین جشنواره هنری قرآن، پنجشنبه ۲۸ مهر در نگارخانه فرهنگسرای نیاوران برگزار شد.

### باز هم خبر

**گروه خیر کتاب هفت**، فرهنگسرای خانواده، به مناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان و بهار قرآن، به برگزاری مسابقه کتابخوانی با عنوان حیافت نور اقدام کرده است.

**فارس**، نمایشگاه تصویرسازی کتاب کودک با تکتیک رنگ فرش و وایتکس تا ۲۷ مهرماه در گالری مات برپاست.

**ایرنا**، بیش از ۵۰ نفر از کتابداران کتابخانه‌های عمومی تهران روز یکشنبه مقابل ساختمان نهاد کتابخانه‌های عمومی واقع در خیابان فلسطین تجمع کردند.

**خبر**، نمایشگاه آثار هنر جوانان هنرستان بشارت با عنوان تصویرسازی کتاب کودک، ۲۶ مهر تا ۳ آبان ماه در گالری شماره یک فرهنگسرای هنر، دایر خواهد بود.

**مِه بستگی**، همزمان با روز بزرگداشت حافظ از چهل سال خدمات فرهنگی بهاء‌الدین خرمشاهی- حافظ شناس معاصر- تجلیل شد. **ایکنا**، نقرات برتر دومین جشنواره فرهنگی قرآنی سراج، که از سوی جهاد دانشگاهی دانشگاه خواجه نصیر طوسی برگزار شده بود، معرفی شدند.

**ایران**، یک جلد قرآن نگاشته شده با طلای ناب در بخش نسخ خطی نمایشگاه قرآن به نمایش گذاشته شده است. این قرآن در قرن ششم هجری به خط نسخ، کتابت شده است. **خبر**، همزمان با برگزاری مراسم بزرگداشت حافظ در شیراز، در چندین کشور دنیا از جمله آلمان، روسیه، تاجیکستان، ژاپن، فرانسه و ترکیه، مراسم ویژه‌ای با همین مناسبت برگزار شد. عمده‌ترین این برنامه‌ها، برنامه‌ای بود که در کاخ ورسای فرانسه با سخنرانی حافظ شناسان برگزار شد. این برنامه با همکاری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان فارس، استانداری فارس و سفارت ایران در پاریس برگزار شد.

**مهمبری**، کارگاه تخصصی آشنایی با مکاتب ادبی و شناخت عناصر داستانی با نقد و بررسی مکتب ادبی زنائیسم و شناخت عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی، از سوی اداره فعالیت‌های ادبی و هنری معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم تهران، روز یکشنبه ۲۴ مهر برگزار شد.



**آفتاب بزده**، کوچکترین کتاب دنیا که اسماء الهی در آن نوشته شده در سیزدهمین نمایشگاه قرآن کریم به نمایش گذاشته شده است.

**صدای عدالت**، دیوان اشعار حضرت علی(ع) با ترجمه فارسی، در بخش نسخه‌های خطی سیزدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن به نمایش درآمد. این دیوان در قرن دوازدهم هجری قمری توسط فرخ‌بن عبدالله کرمی نوشته شده و متعلق به موزه کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه است.

**آفتاب بزده**، امسال ۲۸ کشور اسلامی و اروپایی آثار و محصولات قرآنی خود را در بخش صنایع فرهنگی و هنری نمایشگاه قرآن به نمایش گذاشتند.

**جام جم**، هشتمین مسابقه بزرگ تالیف کتاب نماز، از سوی ستاد اقامه نماز کشور، دی‌ماه امسال برگزار می‌شود.

**ایرنا**، روز یکشنبه ۲۴ مهر نمایشگاه ارشاد الیکودرز، گشایش یافت. در این

نمایشگاه، قرآنهای نگارش شده توسط قرآن‌نویسان الیکودزری با قدمت بیش از یک قرن، و صد عنوان کتاب قرآنی و دینی و نرم افزارهای قرآنی، در معرض دید عموم قرار گرفته است.

**میراث خیره**، دومین جلسه رؤسای مراکز آرشیزی و کتابخانه‌ها، در مورد نحوه شرکت ایران در برنامه حافظه جهانی و تشکیل کمیته حافظه ملی با شرکت نمایندگان کتابخانه‌ها و رؤسای سازمان‌های مرتبط با مواد آرشیزی کشور، هفته آینده تشکیل می‌شود.

**اسپنا**، فرامون نخستین تکره هنر و ادبیات دینی کشور منتشر شد. آخرین مهلت ارسال مقالات ۸۲/۹/۹۵ و زمان و مکان برگزاری تکره روزهای ۲۷ و ۲۸ بهمن ۸۴ در اهواز خواهد بود.

**فارس**، رضا یوسف زاده در چهل و سومین دوسالانه تصویرگری بنگراه، قلم زرین این دوسالانه را برای تصویرگری کتاب «سرعت یعنی چه» دریافت کرد.

**فارس**، فرهنگسرای قرآن چهارمین مراسم تجلیل از پیشگسوتان قرآنی شهر تهران را ۲۶ مهرماه در سالن هدی و فرهنگسرای برگزار کرد.

گروه خیر کتاب هفت، ۶۰ درصد کتاب‌ها و مطبوعات

اسرائی به خارج از کشور، توسط اداره کل پست

قم صورت می‌گیرد.
کریاسیان، مدیر کل پست قم با اعلام این خبر گفت: استان قم در این زمینه مقام اول را در بین تمام استانهای کشور دارد. در ۶ماه اول امسال ۱۱۰ هزار محموله کتاب و مطبوعات از قم به خارج از کشور، ارسال شده است. وی مقصد این مرسوله‌ها را کشورهای اسلامی، شرق آسیا، آمریکای لاتین و مرکزی ذکر کرد. به گفته وی سرانه مرسولات پستی در قم ۱۷۵ مرسوله در سال و سرانه کشوری ۸ مرسوله است.

#### توضیح:

**مفاد مصاحبه‌ای** را که به نام «پنجاب شهلا اعتماد سجادی مسئول کتابخانه علامه امینی در تاریخ ۱۶ مهر در کتاب هفته صفحه ۸ در بخش «کتابخانه» روابط عمومی و تیروی تخصصی به چاپ رسیده تکذیب کرده و به اطلاع می‌رساند: در تاریخ انجام مصاحبه و تهیه گزارش اینجانب در فرمخص استحقاقی به سرمی‌بردم و این مصاحبه بدون اطلاع و هماهنگی با من صورت پذیرفته است.

# کتابخانه تخصصی امیرالمومنین (ع)

اعظم فرامانی



چند سالی است که در عرصه‌های مختلف دینی شاهد تأسیس کتابخانه‌های تخصصی به منظور ایجاد زمینه پژوهش و تحقیق و نیز ارائه کتابهای منتشر شده این حوزه در کشور هستیم که از آن جمله می‌توان به کتابخانه تخصصی امیرالمومنین علی(ع) در مشهد اشاره کرد.

این کتابخانه از سال ۱۳۹۸ در جوار بارگاه امام رضا(ع) به منظور متمرکز کردن تمام کتابها و مقالات پیرامون حضرت علی(ع) که به زبانهای مختلف منتشر شده‌اند، آغاز به کار کرده و تاکنون توانسته است بیش از ۷۰ هزار جلد کتاب را در این زمینه جمع‌آوری کرده و در دسترس علاقه‌مندان قرار دهد.

این کتابخانه که به صورت خصوصی اداره می‌شود، در ابتدا برای تحقیق و بررسی احادیث و مسأله‌های کتابهای چون «مفتاح الحق» اثر قاضی نورالله شوشتری (ره) و «ملحقات آن» اثر آیت الله مرعشی(ره)، «حقیقات الانوار» اثر میرحامد حسین(ره)، «الغدیر» اثر آیت الله میلانی(ره) و «فادتها» کیف تعریفه، اثر آیت الله میلانی(ره) تأسیس شد و به تدریج در سالهای بعد فعالیت‌های تحقیقاتی دیگری را در حوزه کاری خود قرار داد و بالاخره نتایج آن در سال ۹۹ به صورت متمرکز و سامان یافته در کتابخانه تخصصی امیرالمومنین علی(ع) در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. مرحوم ابوالقاسم مجتهدی باثباتی این کتابخانه بود و به دنبال آن افراد علاقه‌مند به گسترش فرهنگ علوی در جهت غنی‌سازی این کتابخانه همکاری کرده‌اند.

## منابع موجود

مجموعه کتابهای این کتابخانه پیرامون ۶ موضوع اصلی و کلی زندگانی حضرت علی(ع)، فضایل و مناقب حضرت علی(ع)، فرمایشات، امامت، غدیر و شیعه است و در کل، این کتابخانه کتابهایی را که به نوعی به زندگانی و وقایع مربوط به حیات امام علی(ره) پرداخته‌اند، متنها و ترجمه‌های گوناگون و شروح مختلف نهج البلاغه و فخرالحکم و درالکلمه، کتابهایی که به بخشهای استدلالی و منطقی و روایی شیعه و سنی در اثبات امامت حضرت علی(ع) مناظرات و بحثهای علمی ارائه شده در این زمینه پرداخته‌اند، کتابهای موجود در رابطه با واقع غدیر و شرح حدیث و خطبه آن و کتابهای حول محور شیعه را شامل می‌شود. در ارتباط با موضوعات اصلی و کلی و به منظور ایجاد تسهیلات در عرصه تحقیق و پژوهش، زیر مجموعه‌هایی نیز در کتابخانه ایجاد شده است. این زیرمجموعه‌ها، شامل ۱۳ موضوع است که عبارتند از: حضرت علی و اهل بیت علیهم السلام در قرآن، حضرت علی(ع) در کتب اهل سنت، مستبصرین (شیعه‌شدگان)، کتابهای به زبان خارجی،

کودک و نوجوان، علی(ع) و نویسندگان غیرمسلمان، شعر، ادبیه، عکس نسخ خطی، پایان نامه، تاریخ، همایشها و استخراجات اینترنتی.

## کتابهای خارجی

در این بخش کتابخانه علاوه بر ارائه کتابهای به زبان فارسی و عربی، کتابهای نیز به ۱۷ زبان زنده دنیا مانند اردو، انگلیسی، روسی، فرانسوی، آلمانی، ترکی استانبولی، ترکی آذری و... وجود دارند که بیشتر آنها مربوط به زبان اردو و انگلیسی است.

## مستبصرین

مراجعات و محققان می‌توانند در این بخش از کتابهای استفاده کنند که نویسندگان آنها از مذهب سنی به مذهب شیعه گرویده‌اند. این کتابها در موضوعات مختلفی چون امامت، نحوه شیعه شدن، مناظرات و رد مطالب نادرست دشمنان اهل بیت علیهم السلام و... نوشته شده‌اند.

## کتب اهل سنت

این بخش شامل کتابهای است که از منابع اهل سنت فراهم شده و اختصاصاً درباره حضرت علی(ع) است. این کتابها در دو گروه طبقه‌بندی شده‌اند، یکی کتابهایی که مؤلفان شیعه براساس مصادر اهل سنت تدوین کرده‌اند و دیگری کتابهایی است که اختصاصاً درباره مولای متقیان و توسط نویسندگان اهل سنت به رشته تحریر درآمده است. آثار تألیف شده توسط علمای زیدیه نیز در بخشی مجزا در اختیار محققان قرار دارد.

## شعر

در این قسمت نیز مجموعه شعرهای فارسی و عربی از شعرای مقدم و معاصر و همچنین چاهای مختلف دیوان امیرالمومنین(ع) برای استفاده دستیاران آن حضرت فراهم شده است.

## کودک و نوجوان

بخش کودک و نوجوان شامل موضوعاتی چون زندگی، غدیر، شعر کودکانه، فضایل، مسافه، جدول و رنگ آمیزی است.

## نویسندگان غیرمسلمان

در دوره اخیر شاهد کتابهای هستیم که نویسندگان آن به رغم تعلق به عقیده و دینی غیر از اسلام، به نگارش کتاب درباره حضرت علی(ع) اقدام کرده‌اند. در این قسمت از کتابخانه نیز مجموعه‌ای از این کتابها قرار دارد.

## عکس نسخ خطی و ادبیه

در این کتابخانه بخشی تزییه عکس نسخ خطی درباره حضرت علی(ع) اختصاص دارد. در این بخش

نسخه‌ها ابتدا شناسایی شده و سپس از کتابخانه فارسی که نسخه مورد نظر را در اختیار دارد یکی آن تهیه شده و در اختیار محقق قرار می‌گیرد.

همچنین دعای کمیل، دعای سیاح به همراه شرح، صحیفه علویه و مجموعه‌های مشهور ادبیه صافره از لسان مولا علی(ع) در این کتابخانه موجود است.

در بخش دیگری با نام حضرت علی و اهل بیت علیهم السلام، تفسیر و کتابهای معرفی و بررسی شده‌اند که به صورت مجموعه‌ای یا اختصاصی به آیات یا آیهای پرداخته‌اند که شأن نزول آن، حضرت علی(ع) باشد.

## پایان نامه ها و کتب تاریخ

پایان نامه‌های تحقیقی که توسط دانشجویان دانشگاه یا حوزه، درباره حضرت علی(ع) یا نهج البلاغه، تألیف و تحقیق می‌شود، در این بخش قرار دارد. بخش تاریخ نیز، بخشی مستقل است که کتب تاریخ اسلام و شیخ، از رحلت پیامبر اکرم(ص) تا شهادت حضرت علی(ع) و جریانهایی که در این فاصله به وقوع پیوسته، در آن جای گرفته است.

## گردمهای ما و استخراجات اینترنتی

مجموعه مقالات گردمهای‌های سالهای ۷۹ و ۸۰ درباره مولای متقیان، در زیر این عنوان قابل دسترسی است و به منظور دسترسی سریع به موضوع مربوط به این بخش از طریق اینترنت نیز، منابع استخراج و در این بخش جمع‌آوری شده است.

## انتشارات

یکی از فعالیت‌های کتابخانه تخصصی امیرالمومنین علی(ع)، تدوین و نشر آثاری درباره ولایت علوی و فضایل مرتضوی بر اساس منابع موجود در کتابخانه است که در این میان می‌توان به آثاری چون «چهل حدیث در فضایل حضرت (ع) از کنزالعمال (از کتب معتبر اهل سنت)، «چهل حدیث و اعتراف به فضایل حضرت علی(ع)، «استدلال به حدیث غدیر»، «به که ایمان»، «خوشبخت غدیر»، و «رخساره آفتاب» اشاره کرد.

## بخشهای جنئی

پژوهشهای مستند (اسناد الغدیر)، استخراج موضوعی احادیث، بررسی حرکتهای غیرعلمی، آثار هنری و سمعی-بصری از بخشهای جنئی این کتابخانه است. یکی از مهمترین و ارزشمندترین بخشهای این کتابخانه، بخش پژوهشهای مستند (اسناد الغدیر) است. این بخش به ثبت فضایل امیرالمومنین (ع)

براساس کتب اهل سنتن می‌پردازد. در حال حاضر در این بخش با مطالعه، بررسی و دقت، در حدود ۱۵۰۰ جلد کتابهای اهل سنتن گردآوری شده که پس از طی مراحل خاصی به صورت دانشنامه‌ای مستند، منتشر خواهد شد.

استخراج موضوعی احادیث از دیگر بخشهای جنئی است که در ابتدا استخراج بر روی حدیث غدیر صورت گرفته و به ترتیب تاریخ تألیف (یا فوت مؤلف) تنظیم شده است.

بخش دیگر بررسی تطبیقی چاهای گوناگون کتابهای اهل سنت است که در بی آن حرکتهای غیرعلمی در تغییر و حذف حقایق درباره امام علی(ع) توسط علمای اهل سنتن جمع‌آوری می‌شود.

در بخش هنری کتابخانه تخصصی امیرالمومنین علی(ع) نیز آثار هنری که نمایش دهنده جنبه‌های گوناگون زندگی و فضایل امیرالمومنین(ع) است، جمع‌آوری شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. این آثار شامل پوستر، کارت پستال، برجسته، اویز، کتابهای هنری، آشنایی تزئینی، تصاویر رایانه‌ای و... است.

بخش سمعی-بصری کتابخانه نیز از طریق نوارهای ویدئویی و کاستهای صوتی سعی در بهره‌رسانی به علاقه‌مندان و مراجعان دارد. در بخش نوارهای صوتی و ویدئویی نیز، سخنرانیهای مختلف، اشعار و سرودها، مدایح و مرثی حضرت علی(ع) و فیلم‌هایی از فعالیت‌های کتابخانه از آغاز تاکنون، ارائه می‌شود.

## پایگاه اینترنتی

به منظور دسترسی آسان به منابع موجود در کتابخانه، پایگاه اینترنتی آن به آدرس [www.imanetlib.com](http://www.imanetlib.com) راه‌اندازی شده است. علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به این پایگاه اینترنتی با بخشهای مختلف کتابخانه بیشتر آشنا شوند.

## برپایه‌ی نمایشگاه

یکی دیگر از فعالیت‌های کتابخانه تخصصی امیرالمومنین علی(ع) شرکت در نمایشگاههای مختلف به منظور آشنایی با تعداد عناوین کتابها و فضایل امیرالمومنین(ع) در کتب اهل سنت است که از میان این نمایشگاهها می‌توان به حضور در نمایشگاه «همراه با روان، همگام با مدافعان غدیر و فضایل حضرت علی(ع)، چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، چهارمین و پنجمین نمایشگاه کتاب خراسان و... اشاره کرد.

## شیعه‌شناسی

ابوعلی

مؤسسه شیعه‌شناسی از سال ۸۰ فعالیت خود را آغاز کرد.

شیعه‌شناسی به رشته‌ای اطلاق می‌شود که به مطالعه شیعه به عنوان یک کل واقعی، از نحوه شکل‌گیری آن در تاریخ تا وضعیت فعلی آن، می‌پردازد.

انتظار مدیر این مؤسسه فرهنگی، آموزشی و پژوهشی درباره ضرورت مطالعات در این زمینه می‌گوید: «علوم و معارف اسلامی شیعی از قبیل حدیث، رجال و درایه، تفسیر، فقه و… که در حوزه‌های علمیه و یا دانشگاه‌های کهنور کشور مورد تحقیق و تخصص قرار می‌گیرد، یا معرفت‌نظری و انتزاعی به دست می‌دهد که ارتباطی با واقعیت‌های روزمره و زندگی شیعیان ندارد و یا اگر تجربی و واقعی است، مربوط به شیعیان جامع‌گذاشته است.» وی در ادامه توضیح می‌دهد: «این دانش‌ها در هر صورت به وضعیت موجود جامع و گروه‌های شیعی دنیا کاری نداشته و ندارند، در شرایط فعلی، این تقیسه را تنها مستشرقین پر کرده‌اند و جامع اسلامی اجتماعات شیعی موجود را به دقت مورد تحقیق و بررسی قرار داده‌اند و هر سال کتب و مقالات متعددی در زمینه شیعیان ایران، عراق، بحرین و… منتشر می‌کنند.بنا بر این ماهم به عنوان یک محقق و عالم شیعی به ناچار به آمار و ارقام و تحقیقات آنها رجوع می‌کنیم.مطالعات آکادمیک در زمینه جامع و اجتماعات شیعی، فقدان مؤسسه یا مرکزی که متولی این امر باشد، علت شکل‌مندی مؤسسه شیعه‌شناسی بود.»

فعالیت‌های مؤسسه شیعه‌شناسی به بخش‌های پژوهش، چاپ و انتشار پژوهش‌های انجام‌شده، ارتباطات بین‌الملل، انتشار مجله، کنفرانس تخصصی، معارف و کتابخانه تقسیم می‌شود.

##### پژوهش

این مؤسسه تاکنون هفت پژوهش خود را در قالب کتاب منتشر کرده است. کتاب‌های «تصویر شیعه در دایره‌المعارف



آمریکایی، تاریخ سیاسی شیعیان اثنی عشری در ایران از ورود مسلمانان تا حکومت صفویه، «جهاد شیعه در دوره اول عباسی»، «تعطیل نابرابری‌های اجتماعی در دولت امام علی (ع)»، «شکل‌گیری سازمان روحانیت شیعه»، «جغرافیای سیاسی منطقه خلیج فارس» و «سنت عوادری و مکتب‌خوانی در تاریخ شیعه امامیه»، «عناوین این آثار هستند. همچنین ترجمه و نقد کتاب «شیعیان عرب، مسلمانان فراموش‌شده» اثر گرام فولر و «اعلمانی شیعه» دایره‌المعارف عالمان شیعه» کتاب‌های در حال چاپ این مؤسسه هستند.

بررسی جامعه‌شناختی شیعیان پاکستان و افغانستان، ترجمه و نقد و اراگان دوازده امام در دایره‌المعارف اسلام و پژوهش‌های مقالات چاپ‌شده درباره ناسوعا و عاشورا و نشریات ایران پس از پیروزی انقلاب، از دیگر پژوهش‌های در حال انجام مؤسسه شیعه‌شناسی است. «انتظار درباره انتشارات مؤسسه می‌گوید: «انتشارات مؤسسه هم پژوهش‌های خودمؤسسه و هم آثاری را که در رسالتی اهداف مؤسسه باشند به چاپ می‌رساند. البته شیعه‌شناسی تا سال ۸۳ منجر نشد، بنابراین دو کتاب «تصویر شیعه در دایره‌المعارف آمریکایی» و «تعطیل نابرابری‌های اجتماعی در دولت امام علی (ع)» را انتشارات امریکیر منتشر کرده است.»

در بخش ارتباطات بین‌المللی، اعضای مؤسسه با موضوع اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی در سایت دانشگاه‌های جهان جست‌وجو می‌کنند و نتایج را به صورت مجزوه در اختیار محققان قرار می‌دهند.

##### انتشار نشریه

این مؤسسه دو نشریه تخصصی به صورت فصلنامه و یک خبرنامه منتشر می‌کند. تاکنون ۱۰ شماره از فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی (ایمان، تاریخ و جامعه‌شناسی شیعیان جهان) و ۲ شماره از فصلنامه تخصصی بانوان شیعه (جنبش، فرهنگ و دین) منتشر شده است. همچنین از مهر امسال «اخبار شیعیان جهان»، هر ماه اخبار مربوط به شیعیان را به ثبت می‌رساند.

##### کتابخانه

این کتابخانه با سه هزار و ۵۰۰ جلد کتاب به زبان‌های انگلیسی، عربی و فارسی با الیوت آثار مستشرقین در زمینه اسلام و شیعه به فعالیت می‌پردازد. «انتظار درباره این بخش توضیح می‌دهد: «کتاب‌های مربوط به این حوزه عموماً با قیمت بالا و به سختی در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرند. کتابخانه‌ای که تاکنون گردآوری شده، بیشتر برای استفاده محققان خودمؤسسه است. البته دیگر محققان این عرصه با هماهنگی قبلی می‌توانند از کتاب‌ها استفاده کنند، اما در مجموع کتابخانه عمومی نیست.»

##### کنفرانس‌های تخصصی

به منظور گسترش حوزه مطالعات شیعی، اعم از کلامی، فلسفی، فقهی، تفسیری، جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی، برای علاقه‌مندان به این عرصه، از سوی مؤسسه، هر ماه جلسات تخصصی با حضور اساتید این حوزه برگزار می‌شود. «شیعه‌شناسی، ضرورت‌ها و رسالت‌ها» با حضور آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، «شیعیان در روند مسابقات بین‌المللی عصر حاضر» با حضور دکتر علی اکبر لایقی و… از جمله نشست‌های تخصصی است که تاکنون برگزار شده است.

### بررسی زندگی و آثار

## مرحوم دکتر عبدالعلی گویا



مرحله شده‌اند. افراد زیادی از شهرهای مختلف تماس می‌گیرند و از این کتاب‌ها اعلام رضایت می‌کنند.

کتابشناسی مجموعه شش جلدی «معارف و عرفان معصومین (ع) توسط انتشارات زواره منتشر شده است. در ادامه به معرفی این آثار می‌پردازیم:

جلد اول این مجموعه با عنوان «علی(ع) و فرج مقتضیه» علت تمام شدن چاپ اول آن بازآثار کتاب مجبور نیست. اما در مجلدات دیگر اشاره شده است که جلد اول «به معرفی و پیگیری زندگی رویدادگان و ساکنان در شاهه شیطان» می‌پردازد.

کتاب «علی(ع) و فرج قاضین» جلد دوم این کتاب است که در آن مجموعه بیانات حضرت علی(ع) در خطبه اشباح است در ۶۹۸ صفحه از سوی انتشارات حافظ نوین در سال ۷۶ منتشر شده است.

این کتاب در چهارده بخش، با عناوین و شرح زیر به چاپ رسیده است:

«خطبه غدیر»، «تقوی چیست و عقی کیست»، «ایام آل محمد»، «معرفت امام معصوم(ع) بلائکه»، «بیت مکتب قرآنی است»، «بیت مکتب آسمانی»، «وجه معجزان»، «ایمان و تکریم»، «اهل القوله»، «علم و علم زبانی»، «شهر رمضان»، «مکتوبت-حیروت-لاولته»، «علم-حیروت» و «شعاع و رمضان در عالم جانا».

«علی(ع) و انصاف» عنوان جلد سوم این مجموعه از کتاب‌های مرحوم گویاست. این کتاب در ۳۵۰ صفحه و هفت بخش گردآوری در سال ۷۹ منتشر شده است.

«معجزات و مناقب علی(ع)»، «اخبار و عقاید» امتحانات امیرالمؤمنین، «فضایل و مناقب حضرت فاطمه زهرا(س)»، «فضایل و مناقب و معارفی از امامان معصوم(ع) و معصومان ارثا در قدس امیر(ع)»، «عناوین مختلف این کتاب است. این کتاب به ذکر معجزات و فضایل و مناقب رسول خدا(ص) «علی(ع) فاطمه زهرا(س) و سایر ائمه می‌پردازد. چهارمین جلد از دوره کتاب‌های «معارف و عرفان معصومین(ع) تحت عنوان «علی(ع) و العوالم» در ۲۰۰ صفحه و هفت بخش تنظیم شده است که به سبزه ابری در مذهب شیعه می‌پردازد. «عالم، عالم مطلق، عالم علی، مذهب حدیث حلیه»، «احادیث مجموعه»، «غلات در شیعه» و شیعه و احادیث صحیح مصعبیه»، «عناوین بخش‌های مختلف این کتاب است. «علی(ع) و زیارت نامه گنبد کعبه» همچنین مجموعه است که در ۳۰۹ صفحه و پنج بخش به شرح زیارت نامه معصومین و سوره زیارت جامعه کبیره، «خطب حضرت علی(ع)»، «نامه الهی(ع)» و «تعلیق صلوات» است. «مقدمه زیارت جامعه کبیره» «مشرق صلوات» «سلام»، «شهادت»، «عرض ارادت» «فدویت» به ساخت قدسی نامه معصومین(ع)»، «دعا و نمازات»، «بخش‌های مختلف این کتاب است. «علی(ع) و خطبه عتقیه» عنوان آخرین کتاب این مجموعه است که در ۳۰۰ صفحه و ۱۸ بخش، تنظیم شده است. در این کتاب، نهایه یکی و تعلیق «تکریم حضرت علی(ع)» «بازگشته شده است و سعی شده که بدون ورود به بحث‌های فلسفی و جهان‌بینی، محله خطبه با دید توجه و تفصیل حدیث امری شرح شده شود.

فراریدین ماه رمضان و به ویژه ایام فربت خوردن و شهادت حضرت علی(ع) ما بر آن داشت تا دوباره به سراغ نویسندگانی برویم که درباره حضرت علی و زندگی ایشان تحقیق و پژوهش کرده‌اند و حاصل آن را به صورت کتاب در اختیار علاقه‌مندان قرار دادند.

مرحوم دکتر عبدالعلی گویا یکی از کسانی است که در این باره بسیار تحقیق و پژوهش کرده و حاصل تحقیق و پژوهش خود را در شش جلد کتاب درباره حضرت علی(ع) منتشر کرده است.

##### زندگی‌نامه مولف

دکتر عدالعلی گویا در سال ۱۳۰۰ شمسی در شهرستان قم متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر کرمانشاه به انجام رسانید. تحصیلات عالی را در رشته فیزیک و شیمی در دانشگاه علوم دانشگاه تهران گذراند.

وی در سال ۱۳۲۶ لیسانس حقوق رشته قضایی و ایزت‌کسب کرد. در سال‌های بین ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ عدای از طلاب حوزه‌های علمیه قم برای تحصیل علوم جدید به تهران آمدند و عدالعلی گویا که در کنار تحصیلات علم فیزیک با فرایند و متون عربی و تاریخ اسلام و کتب و احادیث شیعه آشنایی داشته، برای تدریس این طلاب انتخاب شد.

وی در دوره‌ای نیز به تدریس تاریخ ادیان (مطل و محل) مشغول شد و در همین دوران بود که با تاریخ ادیان آسمانی نظیر یهود و مسیحیت و فرق مختلف اسلام و آشنایی کامل پیدا کرد.

دکتر گویا مدتی به کشور فرانسه رفته و پس از اخذ درجه دکترا در رشته «ریاضیات-فیزیک» به تهران بازگشت و در دانشگاه شهید بهشتی به تدریس پرداخت. روش تدریس او در دانشگاه‌های به گویای بود که با نام «حده منظم» معوازه سخن به بحث درباره هادت و فیزیک گذاشته می‌شد. در سال ۵۰ ه از طرف دانشگاه شهید، برای تأسیس دانشگاه علوم و چند دانشگاه دیگر به کرمانشاه رفته، در واقع می‌بایست دکتر گویا را مؤسس دانشگاه راوی دانست. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، از طرف مقام تولیت آستان قدس رضوی به مدیریت کتابخانه و موزه ملی ملک در تهران برگزیده شد.

اقامت ۱۵ ساله دکتر گویا در کتابخانه و موزه ملی اهدیت زبانی در زندگی‌اش باعث و باعث شد تا در ادامه مطالعات فشرده و عمیق سنوات گذشته صورت یابد. دیگر کتاب‌های بسیاری را در زمینه احادیث و اخبار اهل بیت(ع) و مکتب شیعه و مکتب فلسفی، مورد مطالعه فقی قرار دهد. با توجه به اینکه به کتب خطی و نایب در این زمینه دسترسی نداشت، این امر از جهات بسیاری مکمل مطالعات گذشته و زمینه‌ای برای تألیفات آینده‌اش بود. تقریباً از سال ۶۰ به بعد دکتر گویا برای مکتوب کردن اطلاعات خود اقدام کرد.

وی ابتدا یک دوره کتاب را با عنوان «معارف و عرفان معصومین (ع)» در ۱۲ جلد نوشت و پس از تمام آن به تدریس آن سال ۶۳ کتاب‌های دیگری را که در اصل مکمل آن دوازده جلد اولیه بودند، به رشته تحریر درآورده. کتاب‌ها پرمون فضایل، مناقب و شایعات هر چه بیشتر اثر قدس الهی و بر بنیای مسئله علمی، تریه و گناشته شده‌اند. وی در روز نهم مهرماه سال ۷۲ چشم از جهان فرو بست.

##### کتابی یا ناشر

مجموعه شش جلدی که دکتر گویا درباره حضرت علی(ع) نوشته غیر از دو جلد اول، توسط انتشارات زواره منتشر شده است. در واقع انتشارات زواره، صاحب امتیاز این آثار است.

مصطفی فقهی، مدیر انتشارات زواره درباره شخصیت دکتر عدالعلی گویا می‌گوید: «دکتر گویا از دوران نوجوانی به دنبال حقایق دین و علاقه‌مند به فهم معارف دینی بود.است. او با علمای شهرهای مختلف دیدار کرد و معرفت دین را دریابد.»

فقهی درباره کتاب‌های مرحوم گویا توضیح می‌دهد: «او سعی کرده است در کتاب‌هایش به مطالب نو بپردازد، نه به این معنی که ایشان نوگرایی کرده باشد، نه منظور توجه به مطالبی است که پیشینیان به آن نپرداخته‌اند. از آنجا که ایشان با علم روز آشنا نبود و با توجه به حقیقی که از اهل بیت به جا مانده ناگهی نو نیست به زندگی و شخصیت امام علی(ع) پرداخت.»

وی در ادامه می‌گوید: «مجلدان اول این مجموعه برای تجدید چاپ آماده شده است. در مجموع کتاب‌ها استقبال خوبی







# بخت جوان دارد آنکه با تو قرین است

گزارشی از بخش جوان سیزدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم



درباره این کارگاه توضیح می دهد: کارگاه نقش برجسته در بخش آشنایی و آموزش و مسابقه فعالیت می کند. وی درباره مرابعان می گوید: «از مدارس برای بازدید زیاد می آید اما معمولاً علاوه به کار در آنها کم است. بیشتر نسل جوان علاقه مند به فعالیت در این حوزه هستند»

سقاها و تبلوهای که هر کدام به یکی از اسماء الهی یا اسماء انبیاء و معصومین مزین شده است، بروی میزی در انتهای کارگاه به نمایش گذاشته شده تا در پایان نمایشگاه پس از شرکت در مسابقه به مساجد این هنرها بازگردانده شود.

### کریفیت قرآنی

منظور از گرافیک قرآنی ترکیب دو هنر خط و نقاشی است. عیبه فرج زاده جلالی، مسئول این کارگاه می گوید: «ما در سه بخش فعالیت می کنیم؛ آموزش، مسابقه عدالت و مهرورزی و طراحی حروف. بیشتر کارها چون مربوط به قرآن است، باروش قدیمی سازی انجام می شود. خیلی وقتها طراحی ما با قیلا شکل قدیمی دارد. افراد پس از آشنایی عملی زیادی برای یاد گرفتن این هنر دارند. این آثار در پایان، در مسابقات شرکت داده خواهند شد.»

### کارگاههای خطاطی

است. قسمت زیادی از بخش جوان را به خود اختصاص داده، جوانان نیز به این بخش علاقه مندی زیادی نشان می دهند. بیشتر کارگاههای خطاطی به آموزش و معرفی خطهای قدیمی و قرآنی می پردازند؛ خطهایی چون کوفی، مقلی، نستعلیق و...

خط مقلی یا کوفی همان خطی است که در کاشی کاری مساجد به کار می رود. سید جواد میرحسینی، مسئول این بخش می گوید: «از آنجایی که این خط یک خط قدیمی و ناشناخت است، برای خیلی از بازدیدکنندگان جذابیت دارد. افرادی پس از آشنایی عملی زیادی برای یاد گرفتن این هنر دارند. این آثار در پایان، در مسابقات شرکت داده خواهند شد.»

زینب مهرآبادی مسئول کارگاه آموزش خط کوشه می گوید: «کوشه خطی است که در سال ۷۰ توسط استاد آرمانش ابداع شده است. به خاطر انحصاری زیبایی که در نگارش این خط به کاررفته به آن کوشه می گویند. وی درباره مرابعان می گوید: «روزانه ۵۰ تا ۶۰ نفر از غره دیدن می کنند که از این تعداد ۳۰ نفر برای آموزش اعلام آمادگی می کنند. خیلی از جوانان از روز اول ماه رمضان هر روز به این غره می روند.»

یک دانه برنج که تصویر ظفر عاشورا را بر دل دارد.

### نقش اسماء الهی پرستگ

کارگاه حجاری یکی از قسمتهای هنری سیزدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن است که روزانه مرابعان جوان فراوانی را به خود جذب می کند.

در این کارگاه به جوانان ۳۰ تا ۱۵۰ ساله، هنر سنگ تراشی، آموزش داده می شود و علاوه بر آن بعد از فرا گرفتن کار بر روی سنگ در مسابقه ای با موضوع طرحهایی از آیات قرآنی، اسماء الهی و نامه به روایت می پردازند.

افشین سعید نوران مسئول این کارگاه می گوید: «حجاری بر روی جنس خاصی از مصالح ساختمانی به نام اسپیرتس یا مهند بتن سبک انجام می شود. از مرابعان سمس می کنند هر روز سری به غره میزنند و چند ساعتی بر روی سنگ خود، فعالیت کنند تا بتوانند آن را در مسابقه شرکت دهند.»

کشف کارگاه پر است از قطعه های سنگ که طرحهایی تا نام دارند اما اسم نهی چون برای بروی آنها نوشته شده است تا بتوانند در روزهای آینده دوباره به سراغ آن بروند. نوران می گوید: «با توجه به اینکه، اسمال سوین تجرید کارگاه آموزشی حجاری است. مسابقاتی که به این بخش اختصاص داده شده با سهالی گذشته قابل قیاس نیست.»

وی درباره ساعات مراجعه افراد می گوید: «قبل افراد پس از افطار به نمایشگاه می آیند. روزانه تقریباً ۱۵ مراجعه کننده داریم که بر روی سنگها کار می کنند.»

### تذهیب

این هنر قرآنی نیز در نمایشگاه غره های مخصوص به خود دارد. سابق بناهی ژواد مسئول غره می گوید: «تذهیب، هنری است که برای تزئین قرآن از آن استفاده می شود. با توجه به طرافت این هنر می توان گفت یک یاد با وساعت فرصتی نیست که بتوان چیز زیادی از این هنر آموخت.»

وی ادامه می دهد: «اما آنچه در این کارگاه رخ می دهد، نوعی میک زدن هنر جوانان است. خیلی از مرابعان پس از آشنایی با این هنر، سعی می کنند آن را به صورت عملی اجرا کنند. کاهی منجره می شویم که بعضی از این افراد استعداد هنری و خورا دارند. در چنین مواقعی ما آنها را راهنمایی می کنیم تا در آینده نیز این هنر را ادامه دهند.»

### نقش برجسته

سعیده مشتاقی مسئول کارگاه آموزش نقش برجسته

این روزنامه های دیواری، تألیف دکتر محمد بیستونی و خلاصه ای است از کتابهای با عناوین مشابه. این کار برای جذاب کردن مفاهیم قرآنی و درک آن برای گروه های سنی مختلف است. این روزنامه ها با موضوعاتی مثل: شیطان شناسی از دیدگاه قرآن و روایات، عشق از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه و رفاقت و دوستی از دیدگاه قرآن، در اختیار بازدیدکنندگان قرار می گیرد.

درک آسان و بیان گویا از ویژگیهای این روزنامه های دیواری است که بنا بر نظر مؤلفان آن، در انتشار مسائل قرآنی کمتر مورد توجه واقع می شود. در این غره، قسمت دیگری با عنوان کارگاه آموزش تفسیر و روش تحقیق موضوعی قرآن قرار دارد. دکتر محمد بیستونی که مدیر این بخش نیز هست، می گوید: «بخش مسابقه این کارگاه به جوانان این امکان را می دهد تا از میان ۲۰ هزار موضوع مشخص شده به تحقیق و تفسیر یکی از آنها بپردازند و در مسابقه شرکت کنند. حاصل تحقیقات برتر حوزه قرآنی نمایشگاه در قالب کتابهایی جداگانه منتشر خواهد شد.»

کارگاه آموزش تفسیر و روش تحقیق موضوعی در قرآن یکی از قسمتهای شلوغ بخش جوان نمایشگاه است که روزانه مراجعه کنندگان زیادی پس از آموزش روشهای تحقیق موضوعی قرآن، در مسابقه این بخش نیز شرکت می کنند. برندگان این مسابقه به عنوان جایزه سکه طلای می گیرند.

بیستونی می گوید: «حاصل تحقیقات، به نام خود افراد، در قطع کوچک و با گرافیک و صفحه آرای جذاب و جوان پسند چاپ می شود.»

وی همچنین توضیح می دهد: «با حمایتهای وزارت



فرهنگ و ارشاد اسلامی تعداد تک منتشر شده در بخش تحقیق و تفسیر موضوعی قرآن از صد عنوان به پانصد عنوان افزایش خواهد یافت.»

### کوچکترین ها

غره دیگری که تقریباً هیچ گاه از جمعیت خالی نمی شود، بخش کوچکترین هنر آرای های قرآنی است. در این بخش موارد زیر توسط بزرگنمایی، به نمایش در آورده شده اند:

- کوچکترین قرآن جهان به ابعاد ۱۸×۱ میلی متر.
- یک نامروی سوره که بروی آن بسم الله الرحمن الرحیم درج شده است.
- یک دانه برنج که بر روی آن آیة الکرسی به همراه ۹ سوره دیگر قرآن نوشته شده است.
- یک دانه برنج که عکس امام (ره) و مقام معظم رهبری بر آن حک شده است.
- یک دانه برنج که ماکت برجسته حرم امام رضا (ع) بر روی آن کتیبه شده است.
- یک ذره شکر که کلمه الله بر روی آن حک شده است.

همه رنگ و نقش است: زیبایی و هنری که آیات و اسماء الهی بر آنها می نشینند. بخش جوان نمایشگاه قرآن، به جز یکی دو کارگاه آموزش تفسیر و تجوید قرآن، باقی همه به هنرهای مختلف اختصاص داده شده است؛ هنرهایی چون قالی بافی، حجاری، تذهیب، خطاطی و... طبق اعلام مدیر بخش جوان، بیش از ۶۰۰ تن از جوانان هنرمند و متخصص در خطوط، فنون، نگاره ها و نمایشهای قرآنی به عنوان مدیران کارگاهها فعالیت می کنند.

اسدالله اسدی گرمارودی، مدیر این بخش می گوید: «برنامه های اسال بخش جوان، دو قسمت است: یکی برنامه های برای جوانان که به صورت پرستی و پاسخ میزگرد با مسئولان مرتبط با نهاد های امور جوانان صورت می گیرد و تلاش می شود تا مسئولان هر دستگاه رویکرد، راهکارها و برنامه های خود را با توجه به چشم انداز بیست ساله برنامه چهارم توسعه و برنامه های سالانه هر دستگاه برای عموم شهروندان به ویژه جوانان، شرح و تبیین کنند و دیگری فعالیت های قرآنی جوانان در نمایشگاه که عبارت است از کارگاه آموزش خطوط قرآنی همچون نسخ، نستعلیق، نستعلیق شکسته، ثلث، معقلی، معلی، کوشه، کارگاه آموزش نگاره های قرآن کریم همچون گرافیک، تذهیب، نقاشی خط و کارگاه آموزش فنون قرآنی شامل حجاری، معرق کاری، سفالگری، نقوش برجسته و کاشیکاری.»

وی در ادامه می گوید: «کارگاه آموزش آشنایی با روش تفسیر قرآن کریم، کارگاه آموزش تصویری فیزیک منظومه هستی در قرآن کریم، جوانان و مشاوره درباره مفاهیم عدالت و مهرورزی، پاسخ به شبهات، برگزاری مسابقه کتبی معارف قرآنی در مفاهیم عدالت و مهرورزی، برگزاری نشست شاعران جوان و نشست نخبگان و مشاوران جوان درباره قرآن کریم، از جمله برنامه های این بخش است.»

مدیر کمیته جوانان نمایشگاه بین المللی قرآن کریم درباره اجرای نمایش نمایشهای قرآنی، توضیح می دهد: «هر شب نمایشهایی با موضوعات داستانی قرآنی در نمایشگاه سیزدهم اجرا می شود.»

وی کارگاه آموزش قرآن برای روشندان را از مهمترین بخشهای این مجموعه می داند و می گوید: «این کارگاه با هدف ارائه نمایش نمایشهای روشندان درباره قرآن کریم و بررسی و شناسایی نقصها و کاستیهای آنان به منظور پیگیری و حل آنها دایر شده است.»

اسدی گرمارودی درباره نهادهایی که با بخش جوان همکاری می کنند، بیان می کند: «در برنامه اسماء بخش جوان، سازمان فرهنگ و معارف اسلامی قم، مؤسسه تفسیر جوان، فرهنگسرای بهمن، سازمان هنل احقر، دانشکده علوم قرآنی و تعدادی از نهادها و دستگاههای مرتبط با امور جوانان همکاری دارند.»

مدیر کمیته جوانان درباره ویژگیهای این دوره بخش جوان می گوید: «از جمله ویژگیهای این دوره، آن است که کلیه مدیران کارگاهها از بین جوانان برگزیده در مسابقات سالهای گذشته انتخاب شده اند و در حقیقت کارها توسط خود جوانان برای جوانان صورت می پذیرد.»

آنچه در ادامه گزارش می آید، حاصل گفت و گو مدیران بخشهای مختلف «جوان» است.





## همراه با کودکان و نوجوانان

اسمال با انتقال نمایشگاه قرآن به مصلی، خیلی از بخشها، فضای بیشتر و مناسب‌تری برای فعالیت و پاسخگویی به مراجعان پیدا کرده‌اند.

یکی از آن بخشهایی که جنب و جوش در آن زیاد است و هر چه فضای آن بزرگ باشد باز هم جای فعالیت و جست و خیز کردن کودکان کم است، بخش کودک و نوجوان نمایشگاه است.

از اولین ساعات شروع نمایشگاه و حتی گاهی قبل از ساعت بازدید وقتی هنوز در سالنها باز نشده، بچه‌هایی بین ۱۲ تا ۱۵ ساله که از طرف مهد کودک، مدرسه یا به همراه دوستانشان برای بازدید از نمایشگاه آمده‌اند، پشت در اصلی سالن صف کشیده‌اند.

بچه‌هایی که انرژی صحنه‌ها و همراهی با دوستان، هیجان آنها را چند برابر کرده است و دائم از سر و دوش هم بالا می‌روند تا بتوانند داخل سالن را ببینند. وقتی هم که در باز می‌شود، درست مثل این است که رنگ مدرسه به صدا درآمده و همه عازم خانه هستند. می‌دوند و به سمت غرفه‌ها سرازیر می‌شوند. همه چیز برایشان جالب و نوخوان باورگراست، تنها به بخش کودک و نوجوان نفع نرسند و می‌خواهند به همه جا سوار کشند.

بخشی که برای آنها طراحی شده بر است از تصویب‌های رنگارنگ که هر روز توسط عده‌ای از همسن و سالان آنها نقاشی می‌شود. کارگاه‌های فرهنگی و هنری چون؛ رنگ، گواش، مداد شمع، مداد رنگی، نقاشی دیواری، سفالگری، نقوش برجسته و خوشنویسی با موضوعات قرآنی، از جمله کلاسهای آموزشی این بخش است.

از دیگر بخشهایی که برای کودکان جذابیت زیادی دارد، اجرای تئاتر سایه است. این تئاتر با عنوان نمایش خلاق و موضوع پیامبران بت شکن از ابراهیم خلیل الله تا محمد رسول الله در تمام ساعات روز با حضور کودکان پیش دبستانی و نوجوانان دبیرستانی برگزار می‌شود.

معلمان قصص قرآنی در بخشهای مختلف برای کودکان، قصه‌های قرآنی روایت می‌کنند تا آنها هر خود را بر این اساس اجرا کنند.

وجود بازیها، نرم افزارها و کتابهایی که بر اساس قصه‌های قرآنی است، جذابیت زیادی برای کودکان دارد. یکی از مجموعه‌های سرگرم کننده برای کودکان ۱۲ تا ۱۴ ساله مجموعه است با عنوان «۲۵ سرگرمی قرآنی». این مجموعه آخرین اختراع قرآنی است که در نمایشگاه GTX دومی نیز به نمایش گذاشته شده است. این اختراع دستگاهی است با یک مادون‌روی و محافظه ای یک کیبیت، به طوری که وقتی مداد توری بر روی هر یک از آیات قرآن کشیده شود، این محفظه شروع به خواندن آی می‌کند.



قرنیت ۳۰۰ نفر، کارپه، سالن سیمی بصری، محل فروش نشریات و تولیدات فرهنگی از دیگر بخشهای موزه است که هنوز به بهره‌برداری کامل نرسیده.

### زیبایی در صورت و سیرت

درست است که زیبایی قرآنها و تابلوهای مذهب‌کاری شده، انسان را به حیرت وامی‌دارد، اما در واقع علت حیرت و شگفتی بینندگان، اختصاص یافتن این زیبایی‌ها به آیات و اسامی الهی است. هر چند، ساعت بازدید از موزه ۱۹ تا ۱۷ زمانی است که از روشنائی روز خیزی نیست، اما ساختمان، نورگیری بر روی پام دارد که در طول روز امکان برخورداری از نور طبیعی را در پایین‌ترین سطح ساختمان نیز ایجاد می‌کند. استفاده از سیستمهای پیشرفته‌ی مطبوع و نیز تأمین روشنائی مصنوعی، شرایط مطلوبی برای این مجموعه که در زیر زمین واقع شده و قلمرو هم ارائه است. هنر اسنادکاران ایرانی در آجرکاری، کاشی‌کاری، نجاری، سنگ‌کاری و... زیبایی داخلی و نمای بیرونی ساختمان را چند برابر کرده است.

از ساختمان موزه بیرون می‌آیم، هوا تاریک است و ماه کامل چون چراغی روشن بر فراز موزه می‌درخشد.

## گزارشی از موزه ملی قرآن کریم موزه قرآن؛ چراغ دائمی معرفت

گلاب مذهب ایرانیان از نخستین ملت‌هایی بودند که دین اسلام را پذیرفتند و همه توان و همت خود را برای رشد فرهنگ و هنر اسلامی به کار بستند.

به راستی هیچ مدتی را نمی‌توان یافت که همانند ایرانیان به گستردگی فرهنگ و هنر اسلامی همت گمارده باشند. دبستگی ایرانیان به دین مبین اسلام، در قلمرو و کتابت، تذهیب، تشعیر و... موجب آفرینش شاهکارهای بی نظیری شده است. به لحاظ غنای هنرهای قرآنی، ایران جایگاه ویژه‌ای در میان مسلمین جهان دارد.

آنچه که از نظر گذراننده، تنها جلالی است که تاکنون در سایت موزه ملی قرآن کریم به آدرس Quranmuseum.com ثبت شده است.

موزه ملی قرآن کریم با حضور اکبر هاشمی رفسنجانی؛ رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، احمد مسجدجامعی؛ رئیس هیأت امنای موزه قرآن و جمعی از مسئولان، بیست و چهارم مهرماه افتتاح شد. بنابراین طبعی است که هنوز بخشهایی از آن به بهره‌برداری کامل نرسیده باشد، اما آثار است با پایان ماه رمضان همه چیز کامل شود.

یک روز پس از افتتاح موزه به سراغ آن رفته‌ام. ساعتی در مقابل خیابان پهلوی امام خمینی (ره) ساختمان موزه در سه طبقه با زیربنایی به وسعت ۱۰ هزار متر مربع در فضای به اندازه تقریبی ۶۰۰×۳۰ در عمق ۱۲ متری زمین، ساخته شده است. سرسرای اصلی موزه، ورودی مجموعه را تشکیل می‌دهد و فضایی انتظار آسفی تاتلر و طبقه سوم محل برگزاری نمایشگاههاست. در میان ماسه نمایشگاهی از مجموعه قرآنی‌های خطی آیه الله گلابگانی، مجموعه قرآنی‌های صادق خراسی، قرآنی‌های از قرآن چهارم تا دوازدهم قاجاریه، قرآنی‌های از موزه گستان و موزه ملی، به خط اساتیدی چون کاتب شیرازی، استادنجی، حسین شیرازی و کارزونی، در موزه به نمایش گذاشته شده است. این نمایشگاه به صورت ادواری مجموعه‌های خود را تغییر خواهد داد. ناصر کاروان پورنهرتی از مسئولان موزه ملی قرآن، در این باره می‌گوید: «قرآن است، با توجه

## کوتاه از نمایشگاه

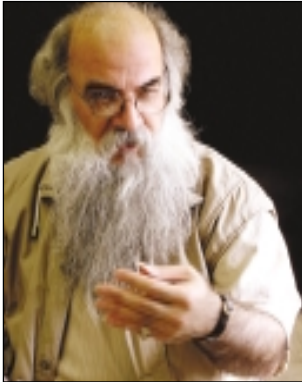
- یک هزار عنوان کتاب به زبان عربی در موضوعات علوم قرآنی، تفسیر، ترمیمی و کشف‌الایات، در بخش مکتوب سیزدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم، به نمایش گذاشته شده است.
- این کتاب‌های اولین بار در سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۶ میلادی در کشورها، لندن، مسکو، و عربستان چاپ شده‌اند. کتابت تخصصی مکرر فرهنگ و مآلف قرآن این کتابها را همه کرده است و در حال حاضر با بیست هزار عنوان کتاب، یکی از کتابخانه‌های تخصصی ایران در حوزه علوم قرآنی به شمار می‌رود.
- بیست شش کتاب قرآنی غیر دولتی و مؤسسه‌خبره در سیزدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم اسامی با هدف گسترش فعالیت‌های قرآنی نهادها و مراکز مردمی و غیردولتی شرکت کننده، بر روی ششگان اعلامیه‌های فرهنگی قرآنی کشور توسعه و روز ارتقا و فرهنگ و رشد اسلامی، اسامی بخش ویژه نهادها و دستگاهی‌های دولتی در نمایشگاه قرآن کریم رده‌بندی شده است.
- در این غرفه‌ها عملکرد مؤسسات، در قالب فعالیت‌های آموزشی، تحقیقی و رسانه‌ای در معرض دید عموم قرار گرفته است.
- مؤسسه فرهنگی و اطلاعاتی تبیان برای اولین بار، دایره‌المعارف قرآنی دستگاه‌ها را در سیزدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن ارائه کرده است.
- این ژم‌پلاز شاد شاد کل قرآن با سه ترجمه، سه تفسیر و سه

- قرانت از قریبانی چون شاطری، فطعلی و پرهیزگار است. تفسیر میزان، نمونه نور و نور به همراه ۲۰۰ ساعت تفسیر صوتی با کتاتر جمع‌الاسلام محسن قرانی از رویکیهای این ژم‌پلاز جدید قرآنی است.
- قرآن به مجید با ترجمه فارسی و انگلیسی در بخش نشران قرآنی به نمایش در آمد.
- اسامی انتشارات اسوه، ناشر کتابهای مذهبی، قرآن مجید را با ترجمه فارسی و انگلیسی، مکرر طاهره صفارزاده به خط احمد تیریزی، چاپ و در نمایشگاه قرآن عرضه کرده است.
- همچنین این انتشارات برای اولین بار تفسیر مجمع‌البیان، کار گروهی جمعی از پژوهشگران باقرالمعلوم را در ۱۰ جلد منتشر کرده و به نمایش گذاشته است.
- «بانیان، دانشوران و جلیانان اسلام برای سومین سال موفقی در نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم شرکت کرده‌اند.
- تفسیرهای قرآنی بانیان، شامل کار بارزانه و برجسته گلزار، ویژه نهادها و دستگاهی‌های دولتی در نمایشگاه قرآن کریم گویاست تذهیب قرآن و اصدیه قرآنی به خط بریل که برای اولین بار در ایران به قطع و حجم کوچک به همت مامنه بشریط و جمعی از نیکوکاران تهیه شده، از جمله فعالیت‌های ارائه شده در غرفه بانیان است.
- تفسیر قرآن چاپی ایران با نام «مصحف اوان» که مجموعه‌ای بدیع از صد و ششاد نسخه خطی قرآن مجید است، به نمایش گذاشته شد.
- این قرآن که طی هزار سال توسط هنرمندان و خطاطان ایرانی



## زان ملخ به پیشگاه سلیمان

گفت و گو با دکتر شهرام هدایت  
به بهانه چاپ مجدد «بررسی زبان شناختی واژه‌هایی از قرآن کریم»



از دکتر شهرام هدایت، دکترای فرهنگ و زبانهای باستان، تاکنون آثار بسیاری به چاپ رسیده که از آن جمله است: **سوروا** و **اشترا** در داستان چم و تندباد، **واژه‌های ایرانی** در نوشته‌های باستانی عبری آرامی کلدانی، **جمشید و موسی** (بسی در اسطوره‌شناسی تطبیقی)، **پرگردان** واژه به واژه قرآن مجید به بررسی بر پایه مبانی زبان‌شناسی و... از او **قرآنیسم** درباره آخرین کتابش بررسی‌های زبان‌شناختی واژه‌هایی از قرآن کریم و اینکه چرا در فاصله‌ای حدود دو ماه، به چاپ دوم رسیده است، با کتاب هفته گفت‌وگو کند. حاصل این گفت‌وگو پیش روی شماست.

در شماره‌های مختلف همین مجله و نشریات دیگری نیز، این مطالب به طور پراکنده چاپ می‌شد که در مجموع چه در آن زمان و چه حالا با استقبال اهل نظر رویه‌رو شده است چراکه با این کتاب تا حدودی مشکلات مربوط به بعضی از آیات قرآن، برطرف شده، البته من در مقدمه کتاب آورده‌ام و در اینجا هم تأکید می‌کنم که به هیچ وجه این اعتقاد را ندارم که این کار، کار کاملی است. به هیچ وجه اعتقاد ندارم که مشکلی را حل کرده‌ام و کاملاً به این تعبیر پیغمبر(ص) توجه دارم که فرموده‌اند: «برای جهلی یک انسان همین کافی است که درباره رای خود دچار شکفتگی شود»

نهایت آنچه من قصد داشته‌ام به آن دست

**باید به گذشته برگردیم و ببینیم قرائن زمانی و مکانی آیات و ریشه لغوی واژه‌ها چه بوده است. به کاربردهای واژگان در زمان نزول قرآن، پس از آن و در زبانهای هم‌ریشه با عربی دقت کنیم و از این طریق مفهوم درست واژگان قرآنی را بیابیم**

پیدا کنیم، این است که یک رای خرده‌پذیر و عالمانه و منطقی، ارائه کنیم. این دیگر به خود مفسران و خوانندگان کتاب بستگی دارد که نظرات مرا بپذیرند یا نه.

فرمودید این ترجمه را پیش از بیست سال پیش انجام داده‌اید. **نگاهی گذرا به فهرست این کتاب نشان می‌دهد که مطالب آن حاصل پژوهش و مطالعه‌ای جدی است. می‌خواهم پرسیم اگر با رویکردی که الان به ترجمه دارید، بعد از بیست و چند سال**

به سراغ ترجمه خودتان از قرآن بروید، هیچ تغییری در آن نخواهد داد؟ و دیگر اینکه بین مقالات این کتاب، با آنچه در پاورقی ترجمه قرآن یا مجله ترجمه به چاپ رسیده بود، چند تفاوت و فاصله وجود دارد؟

از نظر اصولی این مطالب همان است که در پاورقی ترجمه قرآن نکات و مواردی از آن را ذکر کرده بودم. درباره ترجمه هم باید بگویم شاید اگر الان قرار باشد آن ترجمه، تجدید چاپ شود، احیاناً بعضی واژه‌های آن را تغییر خواهم داد. اما در مباحث این کتاب هیچ تغییری را روا نمی‌دانم. چراکه این مباحث، موضوعاتی مربوط به بیست یا سی سال پیش نیست. اینها موضوعاتی است که در طول هزار و چند صد سال درباره قرآن مطرح بوده و هست. اگر مقدمه کتاب را دیده باشید، در آنجا اشاره کرده‌ام که در سخن از واژگان قرآن، مایه کار، متن قرآن، شان نزول آیات، کازرف و واژگان در حدیث یا منتهای کهن عربی و... است و این همه، پایه و مایه کار تفسیر است. ولی سخن ما در این بحثها، تفسیر گفتن و تفسیر نوشتن نیست. سخن از بحث‌های لغوی است. در این مقدمه توضیح داده‌ام که اگر در مواردی به تفسیر پرداخته‌ام، به خاطر روشن شدن موضوع بوده و گرنه کار من تفسیر گفتن نیست. هر مفسری مشربی دارد؛ مفسر عارف، فقیه و کلامی هر کدام تفسیری عارفانه، فقهی و کلامی از قرآن ارائه می‌دهند. یعنی هر مفسری بر اساس مشرب و مسلک خود، قرآن را تفسیر می‌کند. من فقط قصد دارم مفهوم آیه را بیان کنم. مسلماً هر مفسری می‌تواند بر اساس مشرب فکری خود این مفهوم را تفسیر کند.

**شرط نخست تفسیر، در دست داشتن یک متن معتبر است. متأسفانه وقتی ما از قرائنهای مختلف صحبت می‌کنیم، گاهی یک متن را غلط می‌خوانیم و می‌گوییم این قرائت درست است. در حالی که شرط اول این قرائت درست است.**

کاملاً درست است. اتفاقاً من به همین نکته هم در کتاب اشاره کرده‌ام. یک پرگردان درست باید به گونه‌ای باشد که بتواند هر نوع تفسیری را برباید. یعنی باید متنی را ارائه دهم

که یک مفسر همان برداشتی را که از متن قرآن دارد، از آن پرگردان هم داشته باشد. به همان معنا که **قدمای ما واژه «تاویل» را به کار می‌بردند.** یعنی برگرداندن به «مصدر».

دقیقاً من در دنباله مطلبی که از مقدمه کتاب برایتان خواندم، آورده‌ام؛ «بیداست که در گفتارها، گاه به برداشتهای تفسیر آیه‌ها نیز پرداخته شده است. ولی در این نوشتار از آوردن این برداشتهای چشم‌پوشی شده تا سخن، تنها مفهوم واژه و آیه را باز نماید و از هر گونه دیدگاه نظری و تفسیری دور بماند و مفسران بتوانند چنان که از متن، از این سخن نیز برداشتهای ویژه خویش را داشته باشند.»

باید بگویم که در این کتاب بعضی از نظریه‌های مفسران را نقل و نقد کرده‌ام، به همین دلیل بعضی معتقدند کار من مایه وهن و سبکی کار مفسران بوده است. درباره این موضوع در مجله مترجم که بخشی از این مباحث در آنجا چاپ شده بود، مطلبی نوشته بودم که در کتاب هم آمده و آن را عیناً نقل می‌کنم: «هنگام طرح این بحثها عزیزانی گفتند یا نوشتند که نقل و نقد سخن گذشتگان در این بحثها ارجح کار آنان می‌کاهد و چه خوب است که از این کار چشم‌پوشی کرده، وقتی مطرح می‌کردیم که فلان کس مطلبی را اقتضای تفهید یا تعبیر او نادرست است، می‌گفتند قصد داشته‌ای ارزش کار او را از بین ببری که من توضیح داده و در ادامه آورده‌ام؛ «اما راستی را که در طرح هر سخن تازه از روشن کردن زمینه بحث و آشناساختن مخاطبان سخن با آرای عرضه شده در این زمینه ولویه اجمال‌گویی نیست و نیز باید دانست که در مقوله علم سخن از من و ما نیست و چنین نیست که نقد سخن پژوهنده‌ای به معنای کوچک شمردن و کاستن از ارجح وی باشد، دانش و معرفت بشری یک زنجیره به هم پیوسته است و کار هر پژوهنده حلقه‌ای از این زنجیره. هیچ کار و سخن توبینی مگر بر کار و سخن گذشتگان استوار نتواند شد. پس اگر هر کار نور ارجحی باشد، همه گذشتگان در آن سهیمند و گوشه‌ها همواره ماحور خواهد

**کتاب «بررسی زبان‌شناختی واژه‌هایی از قرآن کریم» ظرف دو ماه به چاپ دوم رسید و این درباره کتابی تخصصی، آن هم در حوزه دین که بدون تعارف بگویم- مخاطبانی محدود دارد، هم تعجب‌برانگیز است و هم مایه خوشحالی. فکر می‌کنید علت استقبال خوانندگان از این کتاب چیست؟ یا بهتر بگویم، این کتاب چه ویژگی‌هایی داشت که باعث شد با این سرعت به چاپ دوم برسد؟**

من از به چاپ دوم رسیدن این کتاب خوشحالم چون نشان دهنده اقبال خوانندگان است. علت این امر را می‌توان در مباحثی که در این کتاب مطرح شده جست‌وجو کرد که هم برای اهل نظر و محققین در حوزه‌های علمی و هم برای دانشجویان طالب بوده است. استقبال به حدی بود که من نتوانستم به وعده خود در مقدمه فصل اول عمل کنم که افزودن مقدمه‌ای مفضّل بود بر چاپ دوم درباره زمینه کار و بررسی واژگان قرآن از صدر اسلام تاکنون.

دوستان ما در انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی گفتند که تقاضای زیاد است و فرصت این کار نیست. به ویژه که می‌خواستند کتاب را به نمایشگاه قرآن هم برسانند. به همین دلیل، این کار را به فرصت دیگری موکول کردم و کتاب به همان صورت پیشین، مجدداً چاپ شد.

مباحث این کتاب تازگی ندارد، چون حدود بیست و چند سال پیش، بر پایه قوانین زبان‌شناسی ترجمه‌ای از قرآن داشتیم با عنوان «پرگردان واژه به واژه قرآن مجید» به فارسی که بعضی از این بحثها را به صورت پانویس در آنجا آورده بودم و به مناسبت برگردان آیات به بعضی از این مباحث اشاره‌ای داشتم. در همان زمان نیز طرح این مباحث مورد استقبال قرار گرفت و کسانی به موضوع اظهار علاقه کردند.

به همین دلیل بعضی از این مباحث را به صورت کاملتری در برخی مجلات چاپ کردم. از جمله بخش عمده‌ای از این مطالب، در ویژه‌نامه ترجمه قرآن مجله «ترجمه» به چاپ رسید.

بود، پس شادی و آرامش و رحمت خداوند بر همه آنان نثار باد و بر آینه‌گان نیزه، باینکه این سخن را گفته‌ام و واقعاً هم روی کار نقد کنید، اما به‌طور طبیعی از امهات تفسیر شیعه و سنی به‌عنوان شاهد مثال مطالبی را نقل و نقد کرده‌ام. به همین خاطر یکی از فضلاء حوزه علمیه قم پیشنهاد کرد که عنوان کتاب را در چاپ جدید به نقد تفسیر فریقین تغییر دهم، اما من خدمت ایشان عرض کردم اولاً این عنوان بیشتر از حدبنده است ثانیاً در این کتاب نظم روی نقد تفسیر نیست، مقوله کار من بحث لغوی است.

**انتقادی بودن رویکردتان را در این کتاب در همان محدوده بحث لغوی می‌پندیرید؟**
بحث انتقادی به این معناست که بخواهم من یا نظریه‌ای را نقد و بررسی کنم و من در این کتاب واقعاً قصد این کار را نداشته‌ام، اما مباحثی وجود دارد که به‌عنوان مشکله در قرآن و تفسیر مطرح است و مفسران بسیاری از شیعه و سنی چه در گذشته و چه اکنون درباره آنها اظهار نظر کرده‌اند. مثلاً دربارهٔ آیه *فَعَذَّرَ بَعْضَ الْمُفْسِرِضُرْهُنَ* الیک *ثُمَّ اجْعَلِ عَلٰی كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَ جَبْرًا* (بقره/۲۶۰) بعضی واژه «فَضْرَهنَ» را «سیر بده» و «بیاور» ترجمه کرده‌اند و به همین دلیل بسیاری از مفسران گفته‌اند چون آیه درباره درخواست ابراهیم از خدا مبنی بر نشان دادن چگونگی زنده کردن مردگان است، پس باید واژه‌ای در آیه آمده باشد که معنای کشتن بدهد، در حالی که هیچ جای آیه صحبت از کشتن نشده.

و به همین دلیل مفسران در توضیح و توجیه «بیاور» مطلب فراوانی را در تفسیر خود، نوشته و گفته‌اند که آیه برای کامل شدن باید چنین و چنان می‌بود. در حالی که به نظر من مفهوم کشتن را باید در «اخذ جست وجو کرد، نه در دیگر افعال این آیه.

«اخذ» یعنی گرفتن، اما گرفتن مفاهیم زیادی دارد، یکی از اصلی ترین مفاهیم آن در تمام زبانهای کهنه و نو، گرفتار کردن و مجازات کردن است. این از مفاهیم قرآنی «اخذ» نیز هست، مثلاً «اخذ» در «رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا» (بقره/۲۸۶)، این مفهوم از فعل اخذ گاهی در قرآن تا مرز نابود کردن هم می‌رود، مثلاً در آیه *وَ اَخَذَ رِبْكَ الْعِذَّ الْقَبِيْظَ وَ هِيَ طَالِمَةٌ* (هود/۱۱۲).

بنابراین در زبان عربی، اخذ، معانی بسیاری دارد که گرفتن و کشتن نیز از آن جمله است. پس خیلی دور از ذهن نیست که خذ در «فَعَذَّرَ اَرْبَعَةً مِّنَ الظُّلُمِ» چهار پرنده بگیر و بکش معنا بدهد و در این صورت دیگر نیازی نیست که واژه‌ای دیگر را در دین آیه مقدر بدانیم یا برای فعل «اصار - صره» در جست وجوی معانی تازه باشیم.

با این ترجمه از فعل «خَذَ»، معنی آیه به روشنی و صراحت پیداست و نیازی به توجیه و تفسیر ندارد.

با توجه به حجم کم کتاب، تصور می‌کنم تمام مشکلاتی از این دست را که در

ترجمه قرآن با آنها برخورد کرده‌اید، نیابودید. معیار و اساس کار شما در این گزینش چه بوده است؟ بیشتر به مشکلات اساسی پرداخته‌اید؟

اولاً همه مشکله‌های قرآنی، اساسی هستند.

ثانیاً درباره مطالب این کتاب پیش از این مقاله نوشته و چاپ کرده بودم. البته نکات

دیگری هم در این کتاب هست که به مقاله‌ها اضافه شده نکاتی هم وجود دارد که آنها را در کتاب نیابوده‌ام. مثلاً در سوره مریم آمده که مریم از بارداری خود غمگین شد و با خود گفت با این وضع چگونه میان قوم خود بازگردم، در ادامه این مطلب در آیه ۲۴ سوره مریم «فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا اَلْاٰتِحْرٰی فَاذْجَعَلَ رَبُّك رِبْكَ نَحْمَكِ سَرِيًّا» واژه «سریه» را به «روده که یکی از معانی آن است، ترجمه کرده‌اند. خوب حالا جوشیدن چشمه یا رود چه ربطی به غمگینی مریم از بارداری دارد؟ اگر تحقیق کنید، می‌بینید یکی دیگر از معانی «سریه» ابرطرف شده است.

این معنای در زبانهای همخانواده با عربی کاربرد دارد و هم در احادیث صحیحی که از پیامبر از طریق آدمهایی که نزدیک به زمان او زندگی کرده‌اند، نقل شده است.

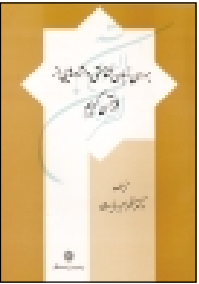
مثلاً روایت کرده‌اند وقتی وحی بر پیامبر نازل می‌شد، ایشان سرخ می‌شدند و عرق می‌کردند و بعد در آخر عبارت راوی می‌گوید «سریه» یا «سریه» یعنی این حالت برطرف یارفع شد. در سوره مریم هم، معانی می‌شود که پروردگارت اندوه تو را برطرف می‌کند. یا در سوره «الرحمن» آمده «مَتَكْتَبِينَ عَلٰی فَرْشٍ بَطْنَهٖنَا مِنْ اَسْتِزْقٰ»، مترجمان بطائن را به آستر معنی کرده و مفسران هم بر این اساس گفته‌اند اهل بهشت به بالشهایی تکیه می‌زنند که آسترش از ابریشم و حریر است، پس ببینید رویه‌اش از چه چیزی است؟ یا می‌گویند «استزق» حریر درشت بافت است، پس حتما رویه این بالشها حریر ریز بافت است و نظراتی از این قبیل در حالی که اصالتبرین مفهوم «بطن» در زبانهای سامی، «حقیقه‌الشیء» است، ما وقتی از باطن قرآن سخن می‌گوییم منظورمان حقیقت قرآن است. «حقیقه‌الشیء» مفهوم جنس و ذات هم دارد و خیلی جاها باطن به این دو معنا آمده است.

دوباره مشکلات بعضی از ترجمه‌های امروزی صحبت کنید. به نظر شما ریشه این مشکلات در همان ترجمه‌ها و تفسیرهای قدیمی است که شما منتقد آن هستید؟
در زمینه برگردان قرآن، نکاتی مطرح است که در ترجمه‌های جدید باید حل شود. این ترجمه‌ها بر اساس همان متون گذشته صورت می‌گیرد البته با تصحیحاتی زبانی، یعنی در این ترجمه‌ها زبان روز لحاظ

## چون از وفات پیامبر تا صد و نود یا دویست سال بعد، از ثبت احادیث، ممانعت شد و بین اصحاب پیامبر و راویان احادیث، چند نسل فاصله افتاد.

## مشکلاتی در زمینه واژگان قرآن به وجود آمد. خود ما در زبان فارسی، واژه‌هایی را که مثلاً در محاورات صدسال پیش کاربرد داشته، الان نمی‌توانیم درک کنیم

می‌شود به گونه‌ای که برای خوانندگان امروزی قابل فهم باشد. مشکلات قرآن بحث دیگری است که بالاخره صاحبزنان باید یک جایی جمع شوند و اینها را حل کنند. انتقاد من این است که متأسفانه هزینه‌هایی که در زمینه کار قرآن صرف می‌شود، همه روی کارهای روایتی است و به مسائل اساسی قرآن توجه نمی‌شود. اگر دقت کنید، می‌بینید بیشترین کارها در زمینه حفظ، تجوید و قرائت قرآن صورت می‌گیرد که البته همه در جای خود ارزشمند است اما هنوز ما ترجمه دقیق و کاملی از قرآن نداریم و اگر قرار باشد کاری



صورت بگیرد بهتر است در این زمینه باشد. روایات زیادی که از پیغمبر(ص) مبنی بر تأکید ایشان بر حفظ قرآن نقل شده، به این دلیل است که در آن زمان، فن کتابت وجود نداشته و تنها راه نگهداری قرآن، از بر کردن آن بوده است. بنابراین پیامبر برای بقای قرآن، مرتب سفارش می‌کردند که قرآن را از بر کنید. اما اگر به اصول کافی نگاه کنید، می‌بینید نظر امول صادق(ع) متفاوت است. در روایات اصول کافی آمده است که امام صادق(ع) تأکید می‌کند حتی اگر قرآن را از بر هستید، از رو بخوانید و وقتی از امام(ع) می‌پرسد که چرا وقتی آیات را از بر داریم باید از رو بخوانیم، می‌فرماید: از حفظ بودن آیه یک ثواب است و از رو خواندن آن یک ثواب دیگر. اصراز ایشان به از رو خواندن قرآن به دلیل است که در دوران امام، از بر کردن آیات، آن خاصیتی را که در زمان پیامبر داشته، از دست داده بود و دیگریم از بین رفتن قرآن وجود نداشت. بسیاری از قدمای ما هم اصراز داشتند حتی حمد و سوره را هم که تقریباً همه ما از حفظیم، از رو بخوانیم. اما الان بسیاری از مؤسسات قرآنی نهایت کارشان این است که مثلاً تفسیر المیزان یا تفسیر نمونه را به رایانه منتقل تا دسترس به اطلاعات این کتابها از طریق برنامه‌های نرم‌افزاری، آسانتر شود در حالی که طرفیت و امکان حل بسیاری از مشکلات اساسی را نیز در زمینه پژوهشهای قرآنی دارند.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کنم این است که زبان قرآن گفتاری است نه نوشتاری. کسانی که در زمینه قرآن پژوهش می‌کنند، باید توجه داشته باشند که دایره واژگانی و زبان قرآن با زبان نوشتاری متفاوت است و هر یک از این دو قرائین و ویژگیهای خاص خود را دارد. گذشته از این مسئله چون از وفات پیامبر تا صد و نود یا دویست سال بعد، از ثبت احادیث ممانعت شد و بین اصحاب پیامبر و



راویان احادیث، چند نسل فاصله افتاد، مشکلاتی در زمینه واژگان قرآن به وجود آمد. خود ما در زبان فارسی، واژه‌هایی را که مثلاً در محاورات صد سال پیش کاربرد داشته، الان نمی‌توانیم درک کنیم. در زبان محاوره اصطلاحاتی وجود دارد که مفهوم را می‌رسانند اما معلوم نیست که ترکیب واژه چگونه و بر چه اساسی شکل گرفته است. مثلاً اصطلاح قاسم کوری، به مفهوم دروغ گفتن می‌کار می‌رفته اما نه واژه قاسم و نه واژه کوری، هیچکدام این مفهوم را منتقل نمی‌کنند. اگر شما الان این اصطلاح را به کار ببرد، کسی متوجه مفهوم آن نمی‌شود. مثلاً این اصطلاحات از نظر زبان‌شناسی اهمیت نداشته‌اند، اما از آنجا که اصلی ترین نقش زبان تفهیم و تفاهم است، شما ناچارید مقصود گوینده را از این واژه‌ها بفهمید. بین کسانی اشکالی داشته از ایشان پرسیده‌اند، با کسانی که روایات و احادیث را نوشته‌اند، چند نسل فاصله افتاد. خوب بسیاری از مفاهیم واژگان از ریشه قرانت و ترجمه قرآن با مشکل مواجهیم. مثلاً قرآن می‌گوید که «دعوی روشن» است. یعنی زانلش قابل فهم است. پس علت این مشکلاتی که در طی هزار و چند صد سال به وجود آمده چیست؟ مشکل در فهم ما از قرآن است و برای حل آن باید به گذشته برگردیم و ببینیم قرائن زمانی مکانی آیات و روشی لغوی و واژه‌ها چه بوده است. به کاربردهای واژگانی در زمان نزول قرآن، پس از آن و در زبانهای هم‌ریشه با عربی دقت کنیم و از این طریق مفهوم درست واژگان قرآنی را بیابیم.

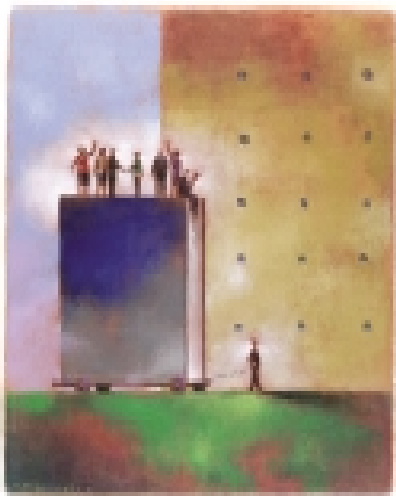
**کتاب را به علامه طباطبایی تقدیم کرده‌اید، دلیل خاصی برای این کار داشتید؟**
دلیل مهمش این است که من در دوره‌ای افتخار شاگردی ایشان را داشتم. همچنین زمانی که انتشار ترجمه قرآن من، به دلیل نکات تازه‌ای که در آن وجود داشته، سر و صدای زیادی ایجاد کرد. علامه طباطبایی تقریظی بر ترجمه من نوشتند و آن را تأیید کردند که در نتیجه، آن سر و صداها خوابید. در این کتاب حتی از تفسیر المیزان ایشان نیز نقل و نقل‌هایی شده است که همان موقعی که مقاله‌ها چاپ می‌شد، عده‌ای اعتراض کردند که من با نقد سخنان علامه به ایشان توهین کرده‌ام که البته خود ایشان چنین نظری نداشتند. ایشان در تفسیر المیزان، در توضیح مشکلاتی که به آن رسیده بودند، چیزی از خود نیابوده و سعی در توجیه مطلب نداشته‌اند بلکه آنجا که دیده‌اند در تفسیر آیه به نتیجه قطعی نمی‌رسند، به ذکر نظر دیگران بسنده کرده و خود، اظهار نظر نکرده‌اند.

به نظر من، علامه طباطبایی یکی از استثنای تاریخ اسلام است. در تاریخ اسلام علمای فرارانی داریم اما نمونه‌هایی که ذهنی علمی و منطقی داشته باشد، کم داریم و علاوه واقعاً این ویژگی را داشت. بنابراین کتابی که من به ایشان هدیه کرده‌ام، در حقیقت زان علمای نزد سلیمان برون است. من به ایشان اعتقاد دارم و امیدوارم روح بزرگشان این هدیه ناچیز را قبول کند.



# «مسافران حرفه‌ای» را پیاده کنید

## گزارشی از سفرهای فرهنگی نویسندگان کودک و نوجوان



نویسنده نیاز به دیدن دارد، نیاز به شنیدن! نیاز به خواندن و دانستن. و نیاز به رفتن و سفر کردن! هر ساله شاهد هستیم که برخی مراجع دولتی و نیز نهادهای غیر دولتی عده‌ای از امانی کتاب کودک و نوجوان را راهی سفرهای خارجی می‌کنند تا بتوانند آثار خود را در آنجا ارائه کنند و نیز با خانواده بزرگ نویسندگان کودک و نوجوان سراسر جهان آشنا شوند.

در بخشی از این سفرهای خارجی که اختصاص به تصویرگری یا صنعت نشر دارد، طبیعتاً نویسندگان، خود به خود از گروهی خارج می‌شوند و در معرود سفرهای باقی‌مانده نیز چندان شاهد اطلاع‌رسانی دقیق و به‌کارگیری ضوابط مشخص در انتخاب نویسندگان نیستیم. تا آنجا که انگار حضور برخی اشخاص در این سفرها دائمی شده و همیشه یک بلیت به نام ایشان رزرو می‌شود، کسانی که دیگران آنها را با عنوان «مسافران حرفه‌ای» می‌شناساند!

وقتی که در گرمای گرم نهمی این گزارش برده، سفره دره دل یکی از نویسندگان پراسفیه باز شده بود و می‌گفت: «هنرمندان ایرانی معمولاً آدمهای مأخوذ به جای هستند و این طور نیست که برای چنین مسائلی که جزو حقوق آنهاست خود را به این درون در بزنند. در چنین وضعیتی، فضای خالی به وجود می‌آید تا عده‌ای سوء استفاده کنند و همیشه از این امکانات بهره ببرند.»

به هر صورت اگر قواعد و اصول مشخصی وجود داشته باشد و «ضابطه» آفتاب پررنگ باشد که از پس «رابطه» بر بیاید، احتمالاً هم هنرمندان، همچنان مأخوذ به حیا خواهند بود و هم حق، نصیب آن کسی می‌شود که باید!

مانده، در هر صورت بدون هیچ گونه اطلاع‌رسانی، فرصت به این مهمی از دست می‌رود.

ظاهر آید هم درباره سفرهای خارجی نویسندگان کودک و نوجوان اطلاعات زیادی ندارد. برای همین وقتی به بعضی از سفرها اشاره می‌کنم، تعجب می‌کند و می‌گوید: «خیلی از

هم از جانب خودم صحبت می‌کنم، اگر تا حالا امکانی وجود داشته که ما از آن بی‌خبر بوده‌ایم، عده‌ای از دست‌اندرکاران و دوستان ادبیات کودک و نوجوان به سفرهایی رفته و ما از نبرده‌اند. احساس می‌کنم که ما هم می‌توانستیم جزو کسانی باشیم که برویم و نفع‌های آن‌ها به همراه بیابوریم و آثارمان را ارائه دهیم.»

**برای عادلانه‌تر شدن این سفرها چه پیشنهادی دارید؟**

کشاورز: همه نظم باید به سوابق کاری هنرمند نگاه کنند و سلاطینی می‌خواهند برای سفری ۱۲ نفر از نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان را بفرستند، بیست و چند تا کتاب داشته و چه جازهایی گرفته و... به هر حال نباید وضعیت طوری بشود که فقط آدمهای زرنگ و آنها که زرنگی می‌کنند، از فرصتهای موجود بهره‌مند باشند.»

چندان خاتیان نویسنده کودک و نوجوان نیز چندان اطلاعی از ملاکهای انتخاب اشخاص برای اعزام به سفرهای خارجی ندارند. «من نمی‌دانم چه ملاکی در این زمینه وجود داشته. این را باید از مسئولان وقت پرسید. ولی اینکه سفرهای متعدد می‌روند و بسیاری نویسندگان دیگر در ادبیات کودک و نوجوان از این امکان محروم هستند، شاید این دلیل بوده که زمانی ما آدمهای شناخته‌شده‌ای داشتیم که معرف ادبیات کودک و نوجوان بودند ولی فکر می‌کنم بر دهنه اخیر که ادبیات کودک و نوجوان و نویسندگان متعدد کودک و نوجوان در جامعه ادبی و کنجبران، مطرح شده‌اند، دیگر دلایل متعددی برای فرستادن این عده معرود به سفرهای متعدد نداریم.

**در نمایشگاههای بین‌المللی ضروری است، دیدگاههایی که به دست می‌آید، ارتباطی که با ناشران و نویسندگان کشورهای مختلف برقرار می‌کنند و... در ادبیات کودک و نوجوان ما هم اگر قرار بود این گروه بجز خود فکر می‌کنم از اولین سال برگزاری تا امروز کمتر نویسنده و شاعری را می‌توانستیم ببینیم که به یکی از این سفرها رفته باشد.**

**یعنی فکر می‌کنید ملاک مشخصی در این زمینه وجود نداشته؟**

آید: «به هر حال این امکان فقط برای عده خاصی هست و رابطه بیشتر از ضابطه حاکم است.»

**به نظر شما این سفرها در حیطه غیر شخصی چه نقشی می‌تواند برای ادبیات ما داشته باشد؟**

آید: بخشی از این مسئله مربوط می‌شود به سهولت‌نگاری نویسنده و بخشی نیز ممکن است ناشی از عدم تسلط به زبان باشد.

محمد کاظم اخوان راه حل دیگری به ذهنش می‌رسد: «من فکر می‌کنم بهترین راه، فعالیت‌های صنفی مربوط به نویسندگان باشد. نه فقط در این زمینه، اگر اینگونه نهادها فعالیت‌های صنفی‌شان را به صورت حرفه‌ای انجام دهند، این مشکلات حل می‌شود. متأسفانه امید ما تنها به نهادهای دولتی است و این، موضوع را پیچیده‌تر می‌کند. شاید اگر برطرف کردن بخش بزرگی از مشکلات

به عهده نهادهای صنفی باشد موفقتر باشیم. حالا اینکه در این نهادها چه اتفاقاتی افتاده یا می‌افتد، بی‌مانده... به همه مسائل پرداخته می‌شود جز مسائلی که مسئولیت و وظیفه چنین نهادهایی است! است! ناصر کشاورز: شاعر پراسفیه کودک و نوجوان حرفش را درباره این سفرها اینطور شروع می‌کند:

در نمایشگاههای بین‌المللی ضروری است، دیدگاههایی که به دست می‌آید، ارتباطی که با ناشران و نویسندگان کشورهای مختلف برقرار می‌کنند و... در ادبیات کودک و نوجوان ما هم اگر قرار بود این گروه بجز خود فکر می‌کنم از اولین سال برگزاری تا امروز کمتر نویسنده و شاعری را می‌توانستیم ببینیم که به یکی از این سفرها رفته باشد.

**یعنی فکر می‌کنید ملاک مشخصی در این زمینه وجود نداشته؟**

آید: «به هر حال این امکان فقط برای عده خاصی هست و رابطه بیشتر از ضابطه حاکم است.»

**به نظر شما این سفرها در حیطه غیر شخصی چه نقشی می‌تواند برای ادبیات ما داشته باشد؟**

آید: بخشی از این مسئله مربوط می‌شود به سهولت‌نگاری نویسنده و بخشی نیز ممکن است ناشی از عدم تسلط به زبان باشد.

محمد کاظم اخوان راه حل دیگری به ذهنش می‌رسد: «من فکر می‌کنم بهترین راه، فعالیت‌های صنفی مربوط به نویسندگان باشد. نه فقط در این زمینه، اگر اینگونه نهادها فعالیت‌های صنفی‌شان را به صورت حرفه‌ای انجام دهند، این مشکلات حل می‌شود. متأسفانه امید ما تنها به نهادهای دولتی است و این، موضوع را پیچیده‌تر می‌کند. شاید اگر برطرف کردن بخش بزرگی از مشکلات

به عهده نهادهای صنفی باشد موفقتر باشیم. حالا اینکه در این نهادها چه اتفاقاتی افتاده یا می‌افتد، بی‌مانده... به همه مسائل پرداخته می‌شود جز مسائلی که مسئولیت و وظیفه چنین نهادهایی است! است! ناصر کشاورز: شاعر پراسفیه کودک و نوجوان حرفش را درباره این سفرها اینطور شروع می‌کند:

**در داوری جشنواره‌ها هم اگر نگاه کنید چهار- پنج نفر نشسته‌اند که سلیقه‌های فردی خودشان را دارند و با ارتکاب به آن سلیقه‌هاست که درباره آثار قضاوت می‌کنند. مهم این است که ترکیب داوران، طوری انجام شود که نفوذ سلیقه‌های شخصی و فردی را به حداقل برسانند...**

جاهایی که اسم بریدم من تازه دارم می‌شنوم. ولی در بعضی سفرها که از وجودشان مطلعم، پیش از هر چیز رابطه حاکم است و تنها عده معدودی را به این سفرها می‌برند.

**اصلاً ضرورت این سفرها چیست و چقدر می‌توانند مفید باشند؟**

آید: «برای هر نویسنده‌ای حداقل یک بار حضور

اولین کسی که برای مصاحبه در خصوص سفرهای خارجی نویسندگان کودک و نوجوان به ذهنم رسید، محمد کاظم اخوان، بود. کسی که از سالها قبل در ادبیات کودک و نوجوان حضور داشته و در رسانه‌های غیر مکتوب نیز به طور قابل توجهی فعالیت کرده است. نظری را که درباره این سفرها می‌پرسم، می‌گوید: «حرف خاصی ندارم. من درگیر این جریان‌ها هستم و نمی‌خواهم که باشم این سفرها هم مثل صنعت نشر کتاب کودک و نوجوان متویان خاص خودش را دارد و تا مقوله کتاب کودک و نوجوان شناخته نشود و رسمیت پیدا نکند و نهایتاً مستقل نشود، مبتلا به این مسائل خواهیم بود.»

**چقدر از کم و کیف سفرهای مربوط به نویسندگان مطلعیم؟**

اخوان: «در این مورد اطلاع‌رسانی نمی‌شود. خود شما در توضیحات مقدماتی گفتید که از بعضی از سفرها به کمک این گزارش باخبر شده‌اید. این وقتی این سفرها چنین برده می‌ماند، قطعاً نمی‌توان به شرایطش پی برد و فهمید که این سفرها چه ماهیت و ماجرابی دارد. اگر در این باره اطلاع‌رسانی درستی انجام شود، ما می‌توانیم قضاوت کنیم که این سفرها درست انجام شده و به کسی که استحقاقش را داشته رسیده یا نه؟ ضمن اینکه متوجه می‌شویم سفر مذکور چه نوعی است و چه نتایجی از آن حاصل شده است. کسانی که به این سفرها رفته‌اند نیز می‌توانند از تجربه‌ها و سفرشان بگویند. من نمی‌دانم چرا همه این نکات به صورت راز باقی

سفرهای خارجی بوده‌نه به خاطر جایزه نقدی،نه اول و دوم شدن و نه چیزهایی از این قبیل. دلپش فقط آن بوده که می‌خواستم نویسم و نوشتم. مهمترین و بهترین جایزه دنیا برای من این بوده که می‌خواستم کلام را انجام بدهم و دادم.»

**از ملاکهای انتخاب بوینسداد انجمنی به این سفرها تا چه حد مطلقید؟**

مآذدین: انجمنی دائم چه کسانی بر اساس چه شایستگی‌هایی و از طرف چه جایی انتخاب می‌شوند و خیلی جالب است که من به‌عنوان یک نویسنده آنها را ندانم این سفرها اصلاً برای این گذاشته شده‌اند که نویسنده در خلق آثار خوب برای بچه‌ها انگیزه پیدا کنند. پس باید اطلاع‌رسانی مناسبی صورت بگیرد که مثلاً اگر فلان اثر خوب را نوشتی، این جایزه به تو تعلق خواهد گرفت.»

**و سرنوشته «سافران حرفه‌ای» این سفرها چه خواهد شد؟**

مآذدین: از قول من جایزه بگیرهای حرفه‌ای را به هم به مسافران حرفه‌ای اضافه کنید.»

**چه راه‌حلی برای خروج از این بن‌بست پیشنهاد می‌دهید؟**

مآذدین: باگرم مسلمان نابینیم هیچ مشکلی حل نخواهد شد. یک مسلمان، بین حق خودش و دیگری فرقی نمی‌گذارد.»

از نفی سلبدین نویسنده مطرح کودک و نوجوان رایج به سفرهای خارجی، ملاکهای موجود و تعیرات مورد نیاز در شیوه گزینش بوینسداد شاعران می‌برسم. جواب منفصلی می‌دهد.

«سفرهای خارجی مربوط به ادبیات کودک و نوجوان را باید ضابطه مند کرد. البته ضوابطی که در نهایت نفعی به ادبیات کودک و نوجوان برسد. در این زمینه ما دو دسته سفر داریم: یک نوع که ناشران می‌روند نوع دیگر سفرهای بوینسداد است. در مورد ناشران واقعاً سوالی مرا ازیست می‌کنند و آن این است که سفرین همه نشان که به کمک دولت به سفرهای خارجی فرستاده می‌شوند چه نفعی برای ادبیات کودک داشته است. آیا آنها به شیوه‌هایی دست یافته‌اند که فروش کتاب را بالا ببرد یا شیوه‌هایی که کیفیت کتاب را ارتقا بدهد. در این دو زمینه‌ها در ایران دچار مشکلات عدیده هستیم. ناشران آنجا رفته‌اند که دروش آموزه باشند و روشهای وطنی خود را در مقایسه با دیگر کشورها ببینند و بیینند. آنها در زمینه فروش کتاب واقعاً چه کرده‌اند که ما به بحران کتاب دچاریم. به هر حال عدم مطالعه کتاب در ایران را در مقایسه با کشورهای خارجی هم می‌شود تحلیل کرد.

سفرهای مربوط به بوینسداد معمولاً از طرف دو سازمان می‌شود یکی نهادهای دولتی و دیگری نهادهای غیردولتی که به کمک دولت نویسنده‌ها را به سفر می‌فرستند یکی نویسنده‌ها که به چنین سفری رفته بود، تعریف می‌کرد که چند نفر با او به خاطر او به این سفر فرستاده شده بودند که فکر می‌کرد بی مورد بوده است و حتی غریب و تعجب‌آور.

نهادهای غیردولتی هم کم و بیش دچار این مشکل هستند اما به نظر من مثلاً نتیجه کار برخی از کسانی را که فرستاده شده‌اند تا حدی در تحقیقاتشان دیده‌ام.

به طور کلی چیزی که همه ما دوست می‌داریم این است که دست کم ناشران اگر به سفرهای خارجی می‌روند حاصلش دروش آموزشی‌هایی باشد که فروش کتاب در ایران بالا ببرد و نویسنده‌گان را تصویرگران با تحقیق و بررسی بیشتر در آنجا، کیفیت کتابها را ارتقا دهند یا حفظ عمق فرهنگ ایرانی و اسلامی، دیدی همه جانبه و جهانی و امروزی به دست آورند. این سفرها، سفرهای تفریحی نیست و به نظرم باید در وهله اول با گزارش سفر یا سفرنامه‌ای همراه باشد و در وهله بعدی در آثار ناشران و نویسنده‌گان، به روشنی، تأثیرش را ببینیم.»

## (( به نشر )) تازه‌های کودک و نوجوان

**از این طرف لطفاً فقط هیس!**

شاعر:ناصرکشورز



کتاب از این طرف، لطفاً فقط هیس! یک مجموعه شعر نوجوان است که با شمارگان ۵۰۰۰ نسخه در قطع رقعن روانه بازار کتاب شده است. این مجموعه شامل ۱۲ قطعه شعر با نامهای سیب زمینی، موجها، ای دروغ از لجنه‌اند، آن اسکلت ما می... است.

تصاویر رنگی مجموعه «از این طرف، لطفاً فقط هیس» کار محمدعلی ابنی اسدی است. این کتاب ۲۰ صفحه دارد و قیمت آن ۶۵۰ تومان است.

هاین دل بی صبر، معمولاً کمی زودتر از من به چیزی می‌رسد! می‌شود بی تاب و مقل گوید؛ چنبند! او به هر چیزی عروزی می‌رسد! عمل من دریند فکر و مقل نیست؛ در شجاعت واقعاً افسانه است! بی مجادلی می‌زند خود را و به آب/یا به آتش، حتماً او دیوانه است...»

(بخشی از شعر پرتغ جاده)

**آی زنگوله آی زنگوله**

سورود افسانه شعیان نژاد

شاعر:فریدون مشیری

و ستاره‌ها را افکاشته بود کنارش اخوانیده بود هیچ کس کاری نداشت به کارش...»

کتاب آی زنگوله آی زنگوله اسمال، با شمارگان ۵۰۰۰ نسخه و در قطع خمشتی به چاپ رسیده است.

«کلاغه توی خویشتن امه و ستاره می‌دید! از آسمان آبی امه و ستاره می‌چید امه»

(بخشی از شعر کلاغ غصه دار)

**سرخ، زرد، سفید**

نوشته فرهادحسن زاده



کتاب سرخ، زرد، سفید حاوی سه داستان کودکانه است. تصویرگر این کتاب، هدا حدادی است که با استفاده از تکنیک کلژ، کار تصویرسازی داستانها را انجام داده است. کتاب سرخ، زرد، سفید در قطع خمشتی و با شمارگان ۵۰۰۰ نسخه به چاپ رسیده است. قیمت این کتاب ۳۶ صفحه‌ای، ۶۲۰ تومان است.

«د... مادر با ناراحتی گفت؛ باز هم که در بیخچال را باز کردی. تمام سرمایش بیرون رفت.» سوسن گفت: «می‌شود یک سیب سوراخ برام پیدا کنی؟» مادر

گفت: «آخر سیب سوراخ که به درد نمی‌خورد، تمام بچه‌ها دنبال سیب سالم می‌گردند. آن وقت تو سیب سوراخ می‌خواهی! عجب بچه‌ای هستی!» سوسن در بیخچال راست و رفت کنار پنجره آبیترخانه ایستاد و از آنجا بیرون را نگاه کرد. برف همه جا را سفیدپوش کرده بود. بالای درختی که وسط حیاط بود، کلاغی

به جوجه اش غذا می‌داد...»

**آنجی ندم و جچی من**

نوشته فاطمه شهنیدی رستم



«آنجی ندم و جچی من؟ سه داستان کودکانه دارد. «آنجی ندم و جچی من» و دو داستان دیگر به نام‌های «سرخخاله اونی» و «هاتن مامان ناژنین و آقاآباجان من». این کتاب برای نخستین بار، اسمال با شمارگان ۵۰۰۰ نسخه به چاپ رسیده است. تصاویر این کتاب کار فائزه عقی زاده و محمد ترکانوشند است. «آنجی ندم و جچی من» در قطع خمشتی با ۲۶ صفحه و به قیمت ۴۰۰ تومان به چاپ رسیده است.

«آنجی ندم و جچی من می‌شوم مادر و تو... خودم حرم تمام شده بود که آنجی ندم

گفت؛ پس که مامان نمی‌شود.

فکری کردم و گفتم؛ باشد. تو مادر، من هم بچه‌ام. حالا برویم آن بشقاب بلور آبی را که مادر گفت، بیآوریم تا با هم ببریم آبیترخانه. اما چون مادری، جلوی آبیترخانه که رسیده‌ام، باید تو طرف از آنهاش ببری. آی گل کشید و من پیش خودم فکر کردم؛ و آن وقت کاری می‌کنم که بشقاب از دستم بیفتد و بشکند...»

**داداش بی دندان**

سروده میری ماموتی



کتاب داداش بی دندان، مجموعه یازده قطعه شعر کودکانه است به نامهای آقای

درا، سو، ایران زید، چراغ راهمنی، بی آوازخوان، داداش دندان، عدی و...

این مجموعه سال جاری در قطع خمشتی و با شمارگان ۵۰۰۰ نسخه چاپ شده است. تصویرگر کتاب محمد ترکانوشند است. داداش بی دندان ۲۲ صفحه دارد و با قیمت ۵۰۰ تومان روانه بازار کتاب شده است. «چراغ راهمنی ام قشنگم اسبزم و زرد و قرمز هم رنگم قرمز من یعنی ترو ایست ای یعنی حالا نوبت تو نیست نیست! وقتی که زردم برو اما یواش! برو ولی مواظب خودت باش...»

(بخشی از شعر چراغ راهمنی)

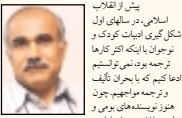


**یادداشت**

محمدرضا بیسنی

## امکانات دولتی

## خرج ترجمه نشود



پیش از انقلاب

اسلامی، در سایه‌های اول

شکل‌گیری ادبیات کودک و

نوجوان یا اینکه اکثر کارها

ترجمه بود، نمی‌توانستم

و ترجمه بجا می‌چون

هزود نویسنده‌های بومی و

ملی پیدا می‌شدند. ما باید

از انقلاب این مسئله شکل دیگری به خود گرفت.

در عده اخیر، شاهد گسترش بی حد و ترجمه در

حیطه ادبیات کودک و نوجوان بوده‌ام و نشان دادم

کرده‌اند که از طریق اینترنت با سفرهایی که به خارج از

کشور دارند، کتابهایی را همین‌جا می‌کنند و آن را در اختیار

مترجمان تازه‌کار و غیر حرفه‌ای نگذاشتند که عمدتاً

مترجمان درجه دو و سه هستند و سراج‌هاش را

برداشت مبلغ کمی، کتاب را چاپ می‌کنند!

این کار پیش از هر چیز، سوادفکری است. نه تکثرو

فرهنگی دارد، نه تکثرو، مطلقاً! کتابخوانی، بزرگترین

مسئمت ناشی از این اتفاق بحران تلقی است. باید قبول

کرد که در مقابل هجوم وفاق‌آوری چاپ نمی‌شود

نه نظیر که آثار نثرانی می‌گردند اثر ناگفته‌ای برای چاپ

نداشتند باینهم تا همه اینها حرف و بهانه است. این کتاب

یعنی از نثران نام‌های می‌نویسند خطاب به نویسندگان

با این مقصود که ما آثار ناگفته‌ای هم چاپ می‌کنیم و بعد

شاهد چاپ انبوه کارهایی ترجمه از سوی آنها هستیم. در

حالی که کار بسیاری از نویسنده‌های جوان و مستعدی روی

مستحقات منتهی است!

ما مشکل تلقی داریم. برای مثال یکی از نثران کودک،

میرچوان که به صورت فعل در این زمینه کتاب چاپ

می‌کند، در سال ۸۳ و نیمه اول سال ۸۴، به تنهایی ۱۲

کتاب ناگفته‌ای کودک و نوجوان چاپ کرده است.

در چنین وضعیتی است که اکثر نویسندگان جذب

رشته‌های دیگر مثل سینما، تئاترون و حتی راویو

می‌شوند؛ چون امکان نثر آثارشان را ندارند. ما باید آن را

به شکلی عرضه کنند. به هر حال همه که نمی‌توانند

آثارشان را گوشتی نگذاشتند تا بعداً یک روز چاپ شوند؛ در

این وضعیت اسمال، آنچه ضروری بیند و کمک

است؛ اگر کسی در کودکی با هوش و فرهنگ ملّی آشنا و

حیثی نشود؛ قطور در بزرگسالی می‌تواند از فرهنگ

کشورش دفاع نکند؛ من اخیراً جلدی است که اکنون

توسعه کتابخانه‌های ایران برگزار کرد، شرکت دانشم. در

این جلسه آنچه عنوان شد این بود که کتابخانه‌های

کتاب ناگفته‌ای خالی است مخصوص در شهرهاست که

گرایش به تلقی بیشتر است و مخاطبان می‌خواند؛ که

فرهنگ کشور خودشان را بیایند. در خیلی از نهادهای

هرینه می‌شود؛ کتاب چاپ می‌شود؛ در حالی که این کارها

جوابگو و معرف فرهنگ نیست؛ ادبیات افکار می‌کنند

که ما همه آثار پارلر گزیند؛ سبیلوس! استان، چاپ

کرده‌ام؛ البته اتفاق افتاد؛ فصلی یک ملکیت به آثار

ناگفته‌ای است. ما هنوز هم داریم کتاب عدلی و حافظ

خوام را می‌خوریم! این سنت ترجمه و تلقی در هیچ

جایی دنیا معمول نیست. مثلاً چند وقت پیش نماینده‌ای از

کشور اتریش که هشت میلیون جمعیت دارد در ایران آمد

بود. من از این فرد که دست بالای فرهنگی در کشورش

دارد؛ در مورد همین مسئله سوال کردم او در جواب گفت

که در اتریش همین‌که برای تلقی کتابخانه، مطلقاً برای

ترجمه کتاب نیست. و حتی اینکه زبانه‌های ادبیات از

زبان آلمانی است؛ حاضر نیست؛ که ترجمه‌های زبانی او

زبان آلمانی نشده باشند.

به نظر من راههای روشنی برای حل این مشکل وجود

دارد؛ نثر از بسیاری امکانات ادبیات شفاهی می‌کند که

تواند کنش از چاپ کند؛ بنابراین وزارت ارشاد تواند

به‌عنوان یک منبع و تفریحی، چاپ کتاب ناگفته‌ای

ترجمه را در دست بگیرد و بیند که متوسط تولید کتاب در

هر بخش، چه ناگفته‌ای فرهنگی به همراه خواهد داشت.



# مرثیه‌ای برای خویشان

**گفت وگو با ابوالقاسم رادفر در باره مناقب علوی در شعر فارسی**

**ابوالقاسم رادفر، متولد ۱۳۲۹ (فرض) اوکتبر ادبیات فارسی را در سال ۱۳۶۲ از دانشگاه تهران اخذ کرد. تخصص رادفر کتبشناسی است. آثار بسیاری از او به چاپ رسیده که از آن جمله است: حافظ پژوهی و حافظ پژوهان، کتبشناسی نظامی، فرهنگ تازه داستان و نمایش، گزیده اشعار اقبال، کتبشناسی ترجمه‌های قرآن، کتبشناسی تاریخ طبری، فرهنگ بلاغی ادیبی و…**

رادفر، هم‌اکنون علاوه بر کار تدریس در دانشگاه‌های مختلفی همچون، تربیت مدرس، الزهراء و… استاد پژوهشگاه علوم انسانی است و کار تدریس و پژوهش را به‌طور هم‌زمان در پژوهشگاه دنیال می‌کند. سال ۱۳۸۳ نشان امام علی (ع) بود. در این سال انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی، دو کتاب از رادفر به چاپ رسانده: مناقب علوی در آینهٔ شعر فارسی و مناقب علوی در شبه قاره هند. حضور این دو کتاب در کارنامه رادفر باعث شد تا دوباره باره‌جبههٔ منقبت و مرثیه‌سرایی در شعر فارسی با او به گفت‌وگو بنشینیم.

**پیشینهٔ منقبت‌سرایی در شعر فارسی به ویژه منقبت حضرت امیرالمؤمنین (ع) به چه دورانی برمی‌گردد؟**
منقبت‌سرایی نیز مثل سایر زحمه‌های شعر و نثر فارسی تاریخچه‌ای طولانی دارد. اگر چه ممکن است موثرن اولیه اسلام که آغاز ظهور شعر عربی است کبیر شاهد مداح و منقبت حضرت علی(ع) باشیم. با آغاز شعر عربی در قرن سوم هجری و نفوذ و رواج فرهنگ شیعه، کم‌کم کم شعرانه‌ای پیدا شدند که به مسئله منقبت توجه خاصی داشتند. از مهمترین و قدیمی‌ترین این اشعار می‌توانیم به کسبای مروزی، فردوسی وناصر خسرو اشاره کنیم. در دوره‌های بعد، ما شاهد گسترش منقبت‌سرایی در شعر فارسی هستیم. با گسترش اندیشه‌های شیعی در شعر، اشعاران سنی مذهب نیز به این مفرقه روی آوردند و حتی چند قرن پس از آن ما شاهد اشعاری نثر از اشعاران هندو در مدح ائمه اطهار هستیم.

به‌طور کلی می‌توان گفت در طول تاریخ ادبیات فارسی، شعر منقبت‌سیر صعودی داشته است و اگر در آغاز شعر دربی، منقبت‌سرایی به ابیاتی معدود برآمده ختم می‌شد، با گذشت زمان و به ویژه پیدایی عرفان و عرفان‌داری در میان ایرانیان، این گونه از شعر، رشد و گسترش خاصی یافت. بخش عمده‌ای از شعر عرفانی ما در خدمت منقبت‌سرایی بوده است و در این میان نام عطار بر تارک مناقب فارسی می‌درخشند. عطار در جای جای آثار و تألیفات و اشعارش با مدح یا مرثیه از ائمه اطهار یاد کرده است.

شاعرانی مانند عطار و در دوره‌های پس از او، کسانی چون خواجه و سلمان یا توحه به عقاید و باورهای دینی خود و گرایش به فضیلت‌ها و مذهبیم به شعر منقبت روی آوردند. در قرن نهم نیز اشعار شاه نعمت‌الله ولی، مثالی جدا برای شعر منقبت است. به هر روی این روند در طول قرون اولیه پیدا کرد و تا به دوران صفویه رسید. در این دوره با رسمیت یافتن مذهب شیعه در ایران، مدح و منقبت اطهار (ع) نیز رسمیت یافت و در اوج رسیده و در کنار مدح و منقبت، مرثیه‌سرایی نیز همگامی و همه‌گیر شد. البته این بدان معنا نیست که ما قبل از آن مرثیه نداشته‌ایم. ما حتی پیش از ظهور اسلام نیز اولین سوگ سیاوش‌نما داشته‌ایم که در واقع مراسم سوگ و عزای سالگرد کشته شدن

سیاوش به دست افراسیاب است و آیین عزاداری برای سیاوش خودنوعی مرثیه است. پس از اسلام نیز از همان آغاز شعر دربی با انواع و نمونه‌های مختلف مرثیه مواجه می‌شویم. برای مثال می‌توان از شعر رودکی در نثای همرای یاد کرد که از اولین نمونه‌های مرثیه در شعر دربی است. حتی شاید شعری را که رودکی با این مطلع سروده: مرا بسود و فرور بخت هر چه دندان بود نبود دندان لا لب چراغ تابان بود…

بتوان مرثیه‌ای برای خویشان دانست. این نکته را یادآور می‌شویم که مرثیه انواع و اقسامی دارد، چه در نثر چه در شعر. دکتر نصرالله امامی، استاد دانشگاه شهید چمران اهواز، در کتاب مرثیه‌سرایی در ایران، انواع مختلف مرثیه را با مثال و توضیح پرشمرده است.
به‌طور کلی اشعاری که در سوگ عزیز یا امیر یا پادشاهی سروده‌شوند نیز جزو مرثیه به‌شمار می‌روند که از آن جمله است: مرثیه خانانی برای فرزندش، مرثیه عنصری و فرخی در مرگ محمود غزنوی یا شعر مشهور ایوان مدائن که می‌توان آن را مرثیه‌ای دانست بر بربریان یک شهر و….

در شعر فارسی می‌توان نمونه‌های فراوانی از همین دست مرثی را مثال زد. به هر حال چه منقبت و چه مرثیه -به معنای مرثیه ائمه اطهار و شهدای کربلا- در دوره صفوی به رسمیت رسید.

رسمیت یافتن مذهب شیعه در دوره صفویه دو پیامد داشت: یکی اینکه شاهان صفوی با حمایت نکردن از شعر درباری باعث شدند اشعاران به مرثیه روی آورند و اشعار بی نظیری مثل ترکیب‌بند مشهور محمتمدن در ادب فارسی ظهور و بروز پیدا می‌کنند و دیگر اینکه با در پیش گرفتن این روند در دربار صفوی، عده



بسیاری از اشعاران به هند کوچ کردند و در آنجا به تکمیل و تنمیم بنای عظیم شعر پارسی در هند پرداختند.

البته عده زیادی از همین اشعاران مهاجر به هند نیز، شعر منقبت و مرثیه سروده‌اند و شاید بهترین آنها در سرایش این نوع شعر «اهلی شیرازی» است که مرثیه در دیوان او از جایگاه خاصی برخوردار است. این روند در دوره با گذشت ادیب و تاجار نیز ادامه داشته است. به گونه‌ای که می‌تیم حتی ناصرالدین شاه قاجار نیز مرثیه‌ای به می‌نیم حتی ناصرالدین شاه مرثیه‌سرایی کرده‌اند.
مسئله اشعاری قدیم مورد تقلید اشعارن بسیاری قرار می‌گیرد. بجمالی چندقی از مرثیه‌سرایان صاحب‌نام دوره بازگشت ادیبی است. اگر چه چغما شعاری جید و هزل‌سراست، اما مرثیه‌های بسیار زیبایی نیز سروده است. در دوره مشروطه هم مرثیه‌سرایی ادامه دارد البته



این مرثیه‌ها صرفاً مرثیه مذهبی نیست. اخیراً شنیده‌ام که از عارف ذوقین مجموعه‌ای پیدا شده که حاوی مرثیه‌های بسیار زیبایی است از جمله مرثیه‌های مذهبی که متأسفانه هنوز این کتاب به چاپ نرسیده است.

سرایش مرثیه‌های سیاسی نیز از دوره مشروطه به بعد رایج شد. از مشهورترین این نمونه‌ها می‌توان به شعر علی اکبر همدانی در سوگ جهانگیرخان سوسر سابق اشاره کرد. با مطلع مشهوری این‌مغ سر چو این شب تار گذشت ز سر سیاه‌کاری و…

**در تاریخ ادبیات درهای گزینش اشعار منقبتی را نا کجا می‌توان دنبال کرد؟**

ما در گذشته‌های دور کمتر گزینش و گزیده شعر ماوراجیم. صاحب اولین اشعاری است که خود دست به گزیده کردن دیوان اشعارش زده است. در دوره‌های مثل تیموری یا صفوی که اینکار توأروی زیاد بوده، مؤلفان، بیشتر به شرح نویسی و خلاصه‌نویسی و امثال آن روی آورده‌اند.

اما کار گزیده اشعار یک شعر یا گلچین شعر اشعاران مختلف، به این شکل و سبامالی امروزی که ما می‌بینیم از دوره پهلوی به بعد رواج یافت.

**تلی از «مناقب علوی در آینهٔ شعر فارسی» به کتاب یا اثری نظیر آن به چاپ رسیده بود؟**

در این زمینه من دو اثر را به یاد دارم: یکی کلام‌الله مصطفوی است و دیگری گزیده احمد احمدی بیرجندی که البته آقای بیرجندی مجموعه‌هایی را به صورت موضوعی گزیده کرده‌اند. مثلاً برگزیده‌ای از اشعار فارسی در منقبت حضرت زهرا(س) امام حسین(ع) و…

**تفاوت کار شما با این دو اثر چیست؟**
البته این درست نیست که من درباره کار خود نظریه‌دم. اما بدون تعصب و پاشکاری می‌گویم. شاید اولین تفاوت «مناقب علوی» جامعیت آن باشد و دیگر، رعایت سیر تاریخی اشعار، که این ویژگی دوم، می‌تواند برای کسانی که در این زمینه در حال تحقیق و پژوهش هستند، راهگشا باشد.

**به نظر شما شعر منقبت در این چند دهه اخیر، چه روزگاری را گذرانده است؟**

انقلاب ایران یک انقلاب دینی و اسلامی بود و مسلمانان چنین تحولی در جامعه بستر مناسبی را برای سرایش اشعار مذهبی فراهم می‌کرد. اشعاران در این سه دهه اخیر، فراخ بل و آسایش بیشتری توانسته‌اند. به مرثیه و منقبت بپردازند.

بعد از انقلاب، زبان و سبک و شیوه بیان اشعاران این حوزه دچار تحول و دگرگونی شد. و اشعاران با لحن و زبانی ساده‌تر و خودمانی‌تر به سراغ مرثی و مناقب ائمه اطهار علیهم‌السلام رفتند.

البته کسانی همچون مظهر صفارزاده و علی موسوی گرمارودی، هم در دوران پیش از انقلاب و هم پس از آن، مناقب و مرثی بسیار خوبی سروده‌اند. در میان اشعارانی که این دو دوره را درک کرده‌اند، شاید بهترین و باارزشترین آنها شهریار باشد. شهریار مناقب خود را در اوج زیبایی، فصاحت و شیوایی سروده است و به نظر من بی‌نظیرترین شعری که تاکنون در مدح حضرت امیر(ع) سروده شده شعر مشهور شهریار است. با مطلع «علی ای همای رحمت تو چه ایی خدا را».

**مدح و منقبت ویژه شعر است یا در متون نثر فارسی هم می‌توان نمونه‌هایی از آن یافت؟**

ما در نثر نیز با مدح و منقبت و مرثیه مواجهیم. اما چون ادبیات فارسی با نظم و شعر، پیوند عمیق‌تری دارد به‌طور طبیعی منقبت و مرثیه نیز در شعر جایگاه ویژه‌تری داشته‌است. دکتر عظیمی در کتاب «فن نثر»، متون نثر منقبت و مرثیه را نیز مورد شرح و بررسی قرار داده‌اند.

**بخشی از اشعار مناقب علوی در شبه قاره هند را شاعرانی هندو سروده‌اند. دربارهٔ عقیده و نوع نگاه این اشعاران به حضرت امیر (ع) توضیح دهید.**

به خاطر نفوذ چندصدساله زبان فارسی در هند، هندوها و پیروان دیگر فرق و آیینهای هند نیز در کنار مسلمانان، زبان فارسی را آموختند و آن را رابط برقرار کردند. در دورانی که هند زیر سلطه استعمار بود، استعمارگران انگلیسی تلاش کردند که زبان فارسی را در شبه قاره از بین ببرند و با تحریک هندیان به یادگیری زبانهای پشتو واردود، علاقه آنها را به زبان فارسی کمربند کنند.

حملهٔ نادر به هند نیز روابط سیاسی و فرهنگی میان هند و ایران را ضعیف کرده بود.

در چنین دورانی بود که هندوهای پارسی آموخته که از مدنهای قلم دست به‌نگارده نویسی، تاریخ‌نویسی، و اشعارنویسی و فرهنگ نثری زده و کتابها و دیوانهای شعر بسیاری از خود بر جای گذاشته بودند، در حفظ و حرمت زبان فارسی پیش از پیش همت کردند. از بهترین فرهنگهای برجای مانده از این دوره می‌توان بهار عجم و بحر رانام برد که مؤلفان هر دو اثر هندو بوده‌اند.

نکته جالب توجه اینکه هندوان مناقب و مرثی بسیاری نیز از خود بر جای گذاشته‌اند که نمونه‌هایی از آن را در «مناقب علوی در شبه قاره» گرد آورده‌ام. **علت اصلی گرایش آنها به مرثیه و منقبت‌سرایی چه بود؟**

هندوها در میان مسلمانان و ایرانیان سفر کرده به هند، زندگی می‌کردند. آشنایی با آداب و رسوم مسلمانان و شناخت ابعاد فرایر و اثر بخش شخصیت ائمه اطهار علیهم‌السلام باعث شد تا هندوان که آیین و کیش دیگری جز مسلمانان دارند، در ارادت و خاندان عصمت و طهارت با مسلمانان شریک و هم‌راه شوند. هندوها در روز شوعا و عاشورا یا به زبان مسلمانان عزاداری می‌کنند. نثری می‌دهند. از زوی اعتقاد و ارادت قلبی در روز اربعین از زوی آتش رد می‌شوند بدون اینکه آسیبی به آنها برسد. اینها همه نشانه تأثیر شگفت شخصیت ائمه اطهار است که تنها شامل مسلمانان و شیعه نیست، بلکه پیروان هر آیین، دین و فرقه‌ای، در شناخت و مواجهه با شخصیت این افراد، ناخودآگاه تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

شخصی به نام سرکش پراشک یا هندو بوده به مقام حیدر اعظمی مسلمانان هند رسید. او متنی‌ای سروده به نام «آینه وحدت» در آنجا چنان به ستایش امام حسین(ع) پرداخته است که اشک خواننده را سرازیر می‌کند.





معرفی کتاب

## نشان های آن بی نشان

در ادبیات امروز ما انتشار مجموعه ای موضوعی از یک شاعر یا نویسنده، امری تقریباً نادر است و برای این مسئله خیلی شاهد مثال نداریم که یک شاعر یا نویسنده در یک کتاب، فقط آثاری را که حول یک موضوع خلق کرده، منتشر کند.

«نشان های آن بی نشان» نمونه ای از همین نوادر آثار و مجموعه ای است از سروده های شاعر این آشنای معاصر یوسفعلی میرشاکا. این سروده ها در قالبهای مختلف شعری و در ۹۸ صفحه شعرهایی هستند که میرشاکا همه آنها را در مدح و مفیّت حضرت امیرالمؤمنین(ع) سروده است و انتشارات سروش در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه آن را چاپ و منتشر کرده است. میرشاکا در مثنی شاعری اش هم قالبها و شیوه های



مختلف را امتحان کرده است و در هر کدام، آثار قابل توجهی را پدید آورده است. کتاب حاضر نیز بر همین اساس قالبهای مختلف را در بر گرفته که از ویرای تمامی آنها، زبان فخیم و درشت و طبع حماسی شاعر نمودار است. یکی از شعرهای این کتاب را که اولین غزل بخش غزلیات است، می خوانیم؛

**ای هستی تو بود و نمود خدا علی**
**بالاترین دلیل وجود خدا علی**

**مستور کرده آینه ذات خود به خود**
**وانگه نهاده سر به سجود خدا علی**

**یا مصطفی معاشر خاموش بنده وار**
**یا چیرنیل گفت و شنود خدا علی**

**در هر چه دیده کرد نظر، جلوه تو بود**
**ای منظر تو غیب و شهود خدا علی**

**مهر تو پیش گیر خروج از حریم دین**
**قهر تو پاسدار حدود خدا علی**

**مغفور نیست آن که برستند تو نیست**
**ای درگه تو خانه جود خدا علی**

**میقات پندگان خدا زادگاه نوست**
**ای پر فراز خاک فرود خدا علی**

**از آفریدگار جهان و جیهانیان**
**یعنی هم از تو بر تو درود خدا علی**

# طعم انجیرهای سرخ

**حاشیه ای بر مجموعه داستان «انجیرهای سرخ مزار» نوشته محمدحسین محمدی سیدخیا، فاسی**

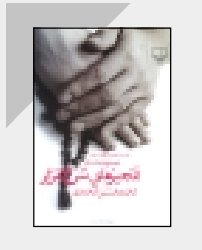


است: «چشم به کلکینچه افتاد. از جایم برخاستم، اما کلکینچه نزدیک سقف بود و نمی شد از آن بیرون را دید. چشم هایم را به اطراف گشتاندم تا چیز کار آمدی شاید پیدا کنم. فقط تنگ شکاری پدر کلان در کف پسخانه خودنمای کرد.»

(ما را هم می کشند، ص ۵۷)
«انجیرهای سرخ مزار» داستان آدمهای گرفتار جنگ است، با همه نگرشها و احساسهایشان، با همه موقعیتهایی که این آدمها تجربه می کنند و می توانند آن نگرشها و احساسها را در موقعیتی خاص تبدیل به عمل کنند. داستانهای این مجموعه، گستره ای از عملها و عکس العملهای داستانی است که شخصیتها با احساس و ذننیت طبیعی شان در موقعیت، انجام می دهند.

«همه جا پر شد که صاحبان جنازه ها آمده اند. می آمدند و از بچه های خردسال پسران می کردند. می دانستند بچه های خردسال حتی، ندیده بودند.شان شنیده بودند که بچه فلاشی سه نفر را کشته و بین جاه انداخت. نمی گفتند بچه ها هم، می دانستند آنها هم که نباید بگویند.»

(مردگان، ص ۱۳)
جنگ پدیده ای مدموم است که در آن همانگونه که جان انسانها از دست می رود، بر اثر شیوع بی رحمی، خصایل انسانی و عواطف بشری هم می میرد و کسانی را بر جای می گذارد که به دلیل عدم برخورداری از این خصایل و عواطف، همه و همه امردگان اند. مردگانی که فقط زنده اند



بی آنکه زندگی کنند. روایت جنگ و آدمهای درگیر در آن روایت مردگان است؛ عده ای در بین «جاه» و «بین سیل برده» با «جنازه های بو گرفته» و «صورتهای پوست کنده شده» و عده ای هم به ظاهر زنده اما «حالا» به هر حالی که می رویم، بیم داریم که مبادا یکی جلومان را بگیرد.....

(مردگان، ص ۱۶)
فضاسازی های دقیق در کنار این کنشهای طبیعی در موقعیت، نوعی مستندگونگی و روایت مبتنی بر تجربه را در داستانهای این مجموعه نشان می دهد. محمدی در این باره می گوید: «از بسیاری از این داستانها تجربه مستقیم داشتم.ام فکر می کنم انتقال این تجربیات شاید تأثیر بیشتری داشته باشد. شاید خوب نباشد که این را بگویم، من داستان مردگان را هر وقت که می خوانم به یادپسرخالام می افتم که طالبان او را از کنار من گرفتند و بردند و بعد جنازه اش به همان نحوی که در داستان آمده به زحمت شناسایی شد. در واقع یکی از شخصیتهای این داستان پسرخاله خود من است

سه چهار سالی می شود که ادبیات داستانی افغانستان با معرفی چند اثر، توجه و نگاههای محافل و علاقه مندان فرهنگ و ادبیات را به خود جلب کرده است. داستان نویسان افغان با بهره گرفتن از موقعیتهای داستانی که حوادث چند سال اخیر کشورشان در اختیار آنها قرار می دهد و با اقبالی که از توجه جهانی به دانستن درباره افغانستان بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر برخاسته است، صاحب جایگاه قابل توجهی در ادبیات امروز شده اند که این اتفاق خسته ای برای زبان و ادبیات فارسی است.

«انجیرهای سرخ مزار» مجموعه داستانی است از داستان نویس جوان افغان، محمدحسین محمدی که اخیراً از سوی جایزه ادبی مهرگان مورد تقدیر قرار گرفت و نام آن در فهرست کاندیداهای بعضی از جوایز دیگر نیز به چشم می خورد.

این مجموعه از ۱۳ داستان کوتاه تشکیل شده است

که همراه یک واژه نامه در ۳۵ صفحه از سوی نشر چشمه منتشر شده است. پیش از اینکه این مجموعه چاپ شود، محمدی با جوایزی که تک داستانهایش از چندین مسابقه و جشنواره ادبی کسب کرده بود، برای تعداد زیادی از علاقه مندان ادبیات داستانی، نامی شناخته شده بود و خوانندگان حرفه ای ادبیات داستانی در انتظار انتشار مجموعه او بودند. خود او در این زمینه می گوید: «من در سال ۸۳ سه جایزه ادبی گرفتم و این تا حدی باعث شد که مرا بشناسند. این شناخته شدن برای نویسنده ای که بنا است کتاب اولش چاپ شود خیلی مهم است چون از طرفی یک تعدادی منتظر انتشار این کتاب هستند و از طرفی ناشران، با رغبت بیشتری انتشار کتاب را قبول می کنند.»

محمدی این قضا را درباره کتاب خودش هم صادق می داند و می گوید: «در سال ۱۳۸۱ این مجموعه تقریباً آماده بود. آن را به یکی از ناشران دادم که بعد از بررسی، چاپ و انتشار آن را مشروط به این اعلام کردند که من نثر دربی معمول در افغانستان را که به آن می نویسم به نثر معمول در ایران تبدیل کنم که من این شرط را نپذیرفتم. بعد در سال ۸۳ که جایزه های ادبی اصفهان و بهرام صادقی را گرفتم، تعدادی از ناشران به من پیشنهاد انتشار مجموعه را دادند که در نهایت با مشورت دوستان، نثر فعلی ام را انتخاب کردم.»

در حالی که به گفته نویسنده، اولین ناشری که این مجموعه را بررسی می کند، پیشنهاد می دهد نثر داستانها از لحن و لهجه افغانی به ایرانی تغییر کند، یکی از دلایل توفیق این مجموعه و داستانهایش نثر آن است که در قدهایی که بر این کتاب نوشته شده، مستفاد از آن به عنوان یکی از نقاط قوت داستانهای این مجموعه یاد کرده اند. در کل، نثر

این مجموعه با دقت و هویشاری که در آن به کار برده شده از کلمات و جملات اضافی به دور و دارای ایجازی در خور استفاده ای بهینه از کلمات است. کلمات در این داستانها با توجه و تأمل انتخاب شده اند. به گونه ای که با تناسبات لفظی و معنایی، نوعی هارمونی موسیقی پنهان به متن داده اند. این هارمونی هم باعث روان و آسان بودن نثر و هم باعث اوج و فرودها و قطع و وصلهای حساب شده و به موقع آن شده که در نهایت به زنده و متحرک بودن نثر انجامیده است. اما برجستگی خاص این کتاب، همان استفاده از نثر فارسی معمول در افغانستان و کاربرد درست آن



● **سید علیرضا میرعلینقی**

**جهانگیر نصری اشرفی** متولد اسفند ۱۳۳۶، مازندران، پشهر دانش‌موخته علوم سیاسی و امور اجتماعی تهران بی شک طی دو دهه گذشته جهانگیر نصری اشرفی از پرولاثرترین و تأثیرگذارترین پژوهشگران میدانی کشور در عرصه تاریخ و فرهنگ، فولکلور و به‌ویژه موسیقی بومی مناطق ایران بوده است. انتشار آثار او یکصد کتاب، نوار، CD و مقاله طی ده سال گذشته و برپایی چندین همایش و کنفره در زمینه مبانی فرهنگ ملی و کهن ایران، تنها بخشی از دستاوردهای اوست. آثار او حاکی از اشرف و این محقق در مباحث تاریخ فرهنگ و جنبه‌های مختلفی از فرهنگ و هنر فولکلور ایران و از دیگر سو، مبین مطالعات سازمان‌یافته میدانی و کتابخانه‌ای این پژوهشگر است. برخی از آثار منتشر شده او در زمینه موسیقی عبارتند از:

«گنج» بررسی موسیقی نواحی ایران، «فوتوس» پیش‌خوانی‌ها، گروه‌ها و مرانی در نمره ایران، مجموعه خیاگران پارسی، «سیرسی» بررسی و ارائه نمونه‌هایی از موسیقی و تلهفلی موسیقایی نقشیده به خراسان، استاد نورمحمد درپور، «موسیقی آیینی و مذهبی دسوی اتریز»، «موسیقی گوش» «موسیقی مازندران»، «آوازهای زار» (نمونه‌هایی از موسیقی مراسم آیینی - درمانی زار در جنوب کشور).

آنچه در پی می‌آید قسمتی است از گفت‌وگوی مفصلی که با انجام داده‌ام.

من معمولاً برای مصاحبه‌هایم، سؤالاتی از پیش تهیه شده ندارم. الان هم می‌خواهم سؤالی عادی را مطرح کنم تا پس از آن جریان طبیعی گفت‌وگو پیش برود. کاری که الان در دست دارید در چه موضوعی است، تخصصاتش چیست و برای چه بروی آن کار می‌کنید؟

آخرین کارم پیرامون موسیقی فرّی و نخل در ایران است. به دلیل اینکه طی این سالها احساس کردم که بخشی از دانشه‌ها و اندوخته‌های تاریخی ما به‌ویژه در زمینه دیدگاه‌های هستی‌شناسی، دینی و مذهبی از طریق فرقی و نخل انتشار پیدا کرده، البته همیشه جرح و تعدیلی از طریق این فرقی در طول تاریخ انجام شده‌ولی این جرح و تعدیل در بسیاری از مواقع مثبت بوده و تلفیق شده و منظرها، درجه‌ها و چشم‌اندازهای جدیدی را در برابر چشممان افروم کند. بنابراین موسیقی فرقی و نخل برای من از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. نه به‌صرف ابتراع و تجرید موسیقی‌اش، بلکه علاوه بر ساختار موسیقایی آن که عمدتاً متکی بر میراث فرمی فولکلور است و می‌توان گفت یک ساختار تغییر شکل یافته ولی درست از موسیقی بومی است، از نظر دیدگاهی هم برای من جذاب توجه بوده، برای مثال فرقه نقشبندیه آثار بسیار گسترده‌ای در نواحی مختلف به‌ویژه شرق ایران داشته است، مخصوصاً از دوران احمد آت‌سوی که گمان می‌کنم در قرن ششم یا هفتم هجری قمری می‌زیسته. تفرکی جدید در عرصه مذاهب اسلامی ایجاد شد که می‌بینم رفته رفته خراسان را

تحت تأثیر قرار داد ای بسا حکومتها و فرمانده‌ها و والیان که تحت تأثیر این مکتبه، روشهای جدیدی را در نحوه حکومت کردن برگزیدند. حتماً شما می‌دانید که خاندان تیمور در هند تحت تأثیر و تحت نفوذ هیران این فرقه قرار داشتند.

بنابراین برای کشف واقعی این دیدگاهها و اینکه چه روندی را طی کرده و چه تغییراتی را در دل داشته‌اند، ما مجبوریم تحقیق کنیم. الان یکی از اسناد ما تاریخ و از معتبرترین این اسناد، تاریخ موسیقی ما است. در واقع می‌خواستم تمام ذکرها و تلهفلی موسیقایی که مربوط به سرکاشت اولیاو سرکاشت اولیای این فرقه و محیط‌گرد دیدگاههاو آرای آنها را به‌ویژه در خراسان بزرگ، ضبط کنم. در اولین مجموعه‌از این کار که با کتابچه نسبتاً مفصلی منتشر شده، تاریخ فرقه نقشبندیه، چگونگی سر درآوردن این فرقه، همینطور گنست و ریزش آنها و دیدگاه‌هایشان را بررسی کرده‌ام که با سه‌سی‌دی (اگر اشتباه نکنم) شامل شازده قطعه از ذکرها و تلهفلی این موسیقی همراه است. این کار تحت عنوان اسمیرغ در دست انتشار است و فکر کنم به‌زودی منتشر شود.

ایده این کار را از چه موقع در ذهن داشتید؟ یعنی این کار سابقه‌اش در ذهن شما به چه وقت برمی‌گردد؟
من سفرهای زیادی به غرب ایران داشته‌ام دوستان به‌ویژه دستاران و همکاران محترم، در سفرهای تقریباً یک‌ساله در منطقه «کنشین» نورآباد لرستان یا من همراه بودند. در آنجا با همکاری آقایان مشعشعی‌های آن منطقه که خیلی هم آدمهای خالص و مؤمن هستند و با همین عنوان خلودرگی زندگی می‌کنند در مغرب شرق کشور و در منطقه زارآباد، کار کردم. البته آنها دیدل نگاه‌های فرقه آئین یکی هستند.

آیا شما از آغاز، هیچ فرضی در ذهن نداشتید یا اینکه یک پیش‌فرضی داشتید که برای آنبانش

**آن بخش از موسیقی‌هایی که از نظر من قدمت بیشتری داشتند و از اصالت تاریخی بیشتری برخوردار بودند، طبیعتاً آنها را بیشتر مورد توجه قرار می‌دادم. چرا؟ به دلیل اینکه فکر می‌کردم پشت این قدمت ساختاری، یک قدمت فرقی هم وجود دارد. این نکته‌ای است که مرا جلب می‌کرد.**

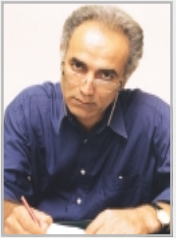
**اقدام می‌کردید؟**

به هر منطقه‌ای از ایران می‌رفتم، اگر متوجه می‌شدم در آنجا موسیقی متروکی وجود دارد و احساس می‌کردم از آن دسته موسیقی‌هایی‌است که بیشتر در معرض فراموشی و نابودی است، آن را مورد توجه قرار می‌دادم.

در جریان همیند که ما حالا هیچ‌سندنی از موسیقی کوشی در ایران نداشته‌ایم، ولی من همراه با یک دخترچه، شش ساعت موسیقی از آن منطقه، منتشر کرده‌ام و الان هم در حال آماده کردن مجموعه‌ای از موسیقی کوشم هستیم.

دلیل علاقه‌مندی من به این بخش این بوده که موسیقی کوشم موسیقی‌ای بوده که اصلاً هیچ‌اسمی در ایران نداشته و واقعاً فراموش شده بود و از

روایان و یازماندگانش هیچ نامی باقی نمانده بود. از روایان و نقالان موسیقی آنها مازندران، گلان، خراسان، آذربایجان و… نمانهی دیده با شنیده‌ایم ولی در جشنواره‌ها هیچ نامی از کوشن نبود و کاری از آنها ضبط و ثبت نشده بود. وقتی در حوزه لرستان و غرب کار می‌کردم، به منطقه نورآباد که رسیده به سلسله ساختارهای دیگر، برخورد کردم و دیدم یک سری ساختارهای دیگری هم هست که نسبت به هوره و



بیش متأخر بوده و در موسیقی آن منطقه از قدمت بسیاری برخوردارند.

البته اول کار، دنبال نتیجه خاصی نبودم، بلکه هدفم این بود که این موسیقی‌ها را بشناسیم. به این تعریف رسیده بودم که بخشی از فرهنگ و سنت شفاهی ما از طریق موسیقی انتقال پیدا می‌کند. در طول تاریخ، و تعهدات اصلی برای انتقال این فرهنگ بوده‌این یک موضوع بدیع برای من و بسیاری افراد دیگر است. بنابراین وقتی کار می‌کردم، این بخش از موسیقی‌هایی که از نظر من قدمت بیشتری داشتند و از اصالت تاریخی بیشتری برخوردار بودند، طبیعتاً آنها را بیشتر مورد توجه قرار می‌دادم. چرا؟ به دلیل اینکه فکر می‌کردم پشت این قدمت ساختاری، یک قدمت فرقی هم وجود دارد. این نکته‌ای است که مرا جلب می‌کرد.

بنابراین وقتی که به لرستان رسیده و نظم به منطقه نورآباد جلب شد، اول قرار بود شش ماه در منطقه لرستان کار کنیم ولی کل منطقه لرستان را هرگز قدم و در منطقه نورآباد حواشی آن، که کنکشین است و اعتقادات فرقه حواشی آن، که کنکشین است، ساکن شدم. در آنجا دوستان زیادی پیدا کردم و نکته‌های شایانی به‌من شد و تعدادی از اطبا و هنرمندان و متخصصان و پیران فرقه‌ای، خیلی محبت کردند (از همان خانواده مشعشعی‌ها) کار گسترده‌ای انجام شد. شاید آن‌ها حالا هفتاد یا هشتاد ساعت از موسیقی آنها را ضبط کرده‌ام، اما به نتیجه‌ای نرسیده‌ام آن هم به دلیل پیچیدگی‌های مفهومی و محتوایی فوق‌العاده این موسیقی، به این نعلمت رami‌شده‌براحتی منتشر کردولی من هرگز دوست ندارم به عنوان یک یک‌گراورنده، یک سلسله نوار و کتاب ارائه کنم بلکه علاقه‌مدم هویت تاریخی و فلسفی و کاربرد اجتماعی این نعمات را روشن کنم. مثل کاری که در «گومان» صورت گرفت و نتیجه آن با دو جلد کتاب همراه شد. ما بازنده حلقه به مناسبت «گومان» منتشر کردیم، در زمینه موسیقی گوسانی و خیاگر می‌هم دو جلد کتاب ارائه شد که این موضوع در آنها تحلیل

و

و

شده. امروز لازم است که ما تمام حواشی و جزئیات اطراف موسیقی را هم در مناطق ثبت و ضبط و طبقه‌بندی کنیم.

**می‌توانید توضیح بدهید این حواشی و جزئیات چه چیزهایی هستند؟**

بله، مثلاً ما می‌توانیم صرفاً یک نغمه‌ای را ضبط کنیم و بیایم اسم نغمه و مجری آن را در پرورشوری کنیم اما من فکر می‌کنم درستش این است که از دیدگاه اتنوموزیکولوژی با قفسیه برخورد شود. یعنی نشان نغمه‌ها را پیدا کنیم، کار بردش را بداییم و مراسم و آیینهای اصلی و فرعی را که این نغمات در آن استفاده می‌شود بشناسیم. حرمت نغمه از نغمه، اعتبار آن نسبت به نغمات دیگر، میزان کاربرد دیدگاه هستی‌شناسی، فلسفی یا اجتماعی، جایگاه نغمه، اعتبار آن نسبت به نغمات دیگر، میزان کاربرد و سطح استفاده کنمی این نغمه‌ها در منطقه و… موضوعاتی است که باید گردآوری و تنظیم شوند اگر در آینده کسی به عنوان محقق خواهد به این نغمه‌ها مراجعه کند، در فهم و شناخت آنها دچار مشکل نشود.

**می‌خواستم سؤال را روشنتر مطرح کنم؛ شما از دیدگاه‌های مختلفی صحبت کردید. می‌گویید موسیقی را از منظر آنها بررسی می‌کنید، این دیدگاهها هر کدام باید بر پایه سیستمی باشد و باید موضوعات در چارچوب آن سیستمها از فرقه و چه از منغ مکتوب» این سیستمها را می‌گرد یابینک بر حسب مقضایی که در میدان کار می‌بینید، یک سیستم شخصی برای خودتان وجود می‌آورد؟**

مادر روشهای تحقیق در زمینه موسیقی یک تعریف و قاعده‌مندی داریم که همان اتنوموزیکولوژی است که تعاریف و معنهای آکادمیکی مشخصی را در اختیار همه محققان قرار می‌دهد. با مطالعه و

**من هرگز دوست ندارم به عنوان یک گردآورنده، یک سلسله نوار و کتاب ارائه کنم بلکه علاقه‌مندم هویت تاریخی و فلسفی و کاربرد اجتماعی این نغمات را روشن کنم. مثل کاری که در «گومان» صورت گرفت و نتیجه آن با دو جلد کتاب همراه شد.**

شناخت نسبت به این شیوه‌ها و نگارش‌های می‌توانیم یک راهکار آنباشی داشته باشیم اما آنچه من فکر می‌کنم این است که ما امروز شاید در دنیا صدها اتنوموزیکولوگ داریم ولی همه آنها اجباراً با الزاماً صاحب تحقیقات ارزشمندی نیستند. فقط تحصیلات دارند و شاید تا آخر عمرشان بتوانند در دانشگاه تدریس کنند. ولی وقتی شما در حوزه تحقیق و حوزه پراکنک قرار می‌گیرید، یک سلسله «اندوخته‌های ذهنی» دارید، مثلاً من اطلاعاتی در روشند و طبقه‌بندی شده‌ای‌است که آن را از راهفلی ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ شروع کرده و در سال ۷۱ به پایان رسانده‌ام. شاید نزدیک به دهها هزار فیل استخراج کرده‌ام و وقتی که در میدانهای کار یعنی در عرصه

پرایتک و عمل فرار می‌گیریم، داده‌ها و مطالعاتمان را با هم مقایسه می‌کنم. یعنی دو موضوع وجود دارد؛ یکی چگونگی شناخت موضوعات به عنوان مبانی سنتی با فرهنگ فولکلور، دیگری مسئله تطابق و مقایسه اینها با فرهنگ گذشته. مثلاً شما در «مروج الذهب» نوشته مسعودی، با یک بازی به نام «کروچ» ابر خورد می‌کنید که با تمام ریزه کاریها و ویژگیهایش در آن کتاب شرح شده است. می‌دانید این کتاب مربوط به قرن سوم هجری است. می‌خواهم نکته‌ای را عرض کنم؛ بخشی از بازیهای ما عنوان غلط «فرض» رواج پیدا کرده، از زمانی که اعراب به ایران آمدند، واژه «فرض» در دریاها و مراسم خاص معمول شده ولی در مناطق مختلف ایران فرهنگهای مناطق ایران هیچ وقت از واژه فرض استفاده نشده و بیشتر واژه بازی راه کار می‌برند. همین الان هم از واژه درست «بازی استفاده می‌کنند چون آن لغت فرض» که از زبان عربی گرفته شده معنای خاصی دارد که بسیار محدودتر از بازی است.

بعد از حکومت اعراب، از بازیهای ریشه دار تاریخی در ایران، یک سلسله از حرکات را استخراج کردند و به یک سلسله حرکات که می‌توانسته زمینه‌های وجود و سرور و خوشبختی را به وجود بیاورد تجزیه کردند و در طول تاریخ به آن شکل و شمایلی دادند و به صورت فرض، عرضه کردند. آنچه مدنظر دریاها و مراکز قدرت بوده، همین بوده است، حالا مؤلف این کتاب از بازی‌ای به نام «کروچ» اسم می‌برد و در پایان، چند جا به عنوان فرض، هم از آن یاد می‌کند. امروز می‌بینم که فقهار اسم اسب چوبی همان چیزی است که مسعودی در قرن سوم گفته، بنابراین من ایده می‌گیرم و خوشحال می‌شوم و نشاط بیشتری می‌گیرم که نتوانسم موضوع و نکته خاصی را بیابم. نقابهای تاریخی‌اش را بر اساس آن تعاریف پیدا کنم و آن را تبیین کنم. چون مسعودی این موضوع را تحلیل کرده است.

اسماً این «اسب چوبی» در بیشتر مناطق ایران در جریان است. در جنوب ایران، در ترکستان، مازندران، خراسان و در تاجیکستان هم هست. بعدها که روی بر اساس این تصمیم‌گیری جلورفت، یکی از مؤلفه‌های مهم و قابل بررسی این دسته‌بندی، موسیقی آشنی است که در نزد ایرانیان پیدا کردم. فهمیدم که برخلاف آنچه متأسفانه محققان گفته‌اند، اسب چوبی نوعی مازره یا موعولها و بیگانگان ... نیست و اصلاً چنین نامی در این باره صدق نمی‌کند. بلکه اسب یک توتم حیات بخش در زندگی انسان ایرانی است.

**یعنی می‌توانید که شما در این تحقیق از دیدگاه بزرگ هم به سلسله نگاه کرده‌اید؟**

دقیقاً آثار بزرگ و ایده تأثیر زیادی بر من داشته و با مطالعه آنها نتوانستم نگاه را به موضوعات جدیدتر کنم و گرفتار بازیهای سطحی شوم. بنابراین به این نتیجه رسیدم که اسب یک توتم است و در ادامه به این سؤال رسیدم که فرض «باذالجاح موجودی نامی در مرز بین حیوان و انسان فرض شده‌اند.

فراخوان

## طراحی جلد

**مدیریت هنری «کتاب هفته» از تمام گرافیست‌های کشور، دعوت می‌کند تا در طراحی جلد «کتاب هفته» همکاری و مشارکت جدی داشته باشند.**

**دست‌انبرود هنرمند آثار خود را با موضوع کتاب در قطع ۱۸×۲۳ بر روی لوح شش‌رنگ (یا فرمت TIFF) به ضمیمه آدرس و شماره تلفن، به نشانی دفتر کتاب هفته ارسال کنند. لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۹۱۲۲۵۷۹۷۲ تماس بگیرید.**



**«موسیقی رمضان در ایران» باب تازه‌ای است در عرصه پژوهش موسیقی که هوشنگ جاوید برای نخستین بار، به آن پرداخته است. این کتاب اواخر سال ۸۳ چاپ رسید و پس از انتشار در همین هفته نامه معرفی شد.**

**فرارسیدن ماه مبارک رمضان، فرصتی فراهم آورد تا درباره کتاب و محتوای آن، با مؤلف، به گفت‌وگویی - هر چند کوتاه- بنشینیم.**

**پوچنه اولیه کتاب «موسیقی رمضان در ایران» چگونه شکل گرفت. ایده این کار از خودتان بود؟**

بله. طرح از آن من بود. من دسته‌بندی خاصی برای موسیقی بومی ایران قائم‌ویرای تعیین مطالب این کتاب بر اساس این تصمیم‌گیری جلورفت، یکی از مؤلفه‌های مهم و قابل بررسی این دسته‌بندی، موسیقی آشنی است که در اسلام این موضوع را برای اولین بار، من در ایران مطرح کردم. طرح و اجرای اولین جشنواره موسیقی آشنی هم که سال ۸۰ برگزار شد، از من بود. سال ۸۱ نیز برگزاری این جشنواره برعهده من گذاشته شد.

**تدوین مطالب این کتاب چقدر زمان بود؟**

از وقتی طرح ابتدایی گردآوری چنین کتابی در ذهن من شکل گرفت، تقریباً در تمام سفرهایم به سرلغ کتابی می‌رفتم که از موسیقی رمضان، چیزی به خاطر داشتند. اشعار می‌را که می‌خواندند یا داشتند یا امکانات خیلی کم صدایان را نیز ضبط می‌کردم. خوب متأسفانه من برای ضبط آوازه‌آمالکات چندانی در اختیار نداشتم. به قصد گردآوری کامل مطالب این کتاب به سفرهای زیادی رفتم. اگر به طور متواتر حساب کنیم، تهیه مطالب کتاب به صورت خاتم حدود دو سال به طول انجامید. برای دسته‌بندی و تنظیم آن نیز تقریباً یک سال

زمان صرف کردم.

**در مقدمه اشاره کرده‌اید که شیوه پژوهش شما در این کتاب، «تزیینی» بوده است. در این باره بیشتر توضیح دهید.**

عجب، من بخشی از مطالب را با مطالعه در متون و آثار مختلف، استخراج کردم. اما بیشتر مطالب را با رفتن به مناطق مختلف ایران و صحبت با کسانی که در این کار دستن داشتند، تهیه کردم. برای این کار تقریباً به تمام استانهای کشور سفر کردم و در هر سفر با شخصی یا اختصاصی که هنوز آشنیهای موسیقی رمضان را در محل زندگی خود برپا می‌داشتند یا کسانی که دیگر خانه‌نشین شده بودند و جای صدا و حنجرددشان را رادیو گرفته بود، به صحبت می‌نشستم و هر آنچه را که از موسیقی رمضان می‌دانستند و می‌شناختند به دقت ضبط می‌نوشت می‌کردم. تا چه حد به جامعیت مطالب کتابتان اعتقاد دارید؟

هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که اثر پژوهشی‌اش، کاری بی‌کم و کاست، و کامل است. اما در مورد این کتاب باید بگویم متأسفانه موسیقی رمضان در کشور ما به فراموشی

سپرده شده. از طرفی تعداد افرادی که در این زمینه هنوز چیزی به خاطر دارند، بسیار اندک است. من تا آنجا که در توالم بودم تا آنجا که از آوازه‌های رمضان چیزی باقی مانده بود، همه را گردآوری کردم و فکر می‌کنم حدود ۹۵ درصد از هر آنچه را که در این باره می‌مانده بوده به ثبت رسانده‌ام.

**چه مقدار از مطالبی که در این کتاب گردآورده‌اید باقی مانده و چه مقدار از آن، فراموش شده و دیگر اجرائی‌شود؟**

حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد از آنچه من در «موسیقی رمضان» به ثبت رسانده‌ام، فراموش شده و دیگر اجرائی‌شود. الان دیگر به ندرت کسی در ماه مبارک منقبت خوانی می‌کند. سحر خوانیها، گلدهنده خوانیها و... همگی به فراموشی سپرده شده‌اند. جای آنها را رادیو و تلویزیون در زندگی مردم پر کرده است. امروزه حتی بر گلدهنده‌های مساجد نیز، آذان از رادیو پخش می‌شود.

یکی از معضلات دستنگاههای فرهنگی ما این است که نگرش درستی به مقله موسیقی آشنی این‌ها ندارند. این از بزرگترین شعبه‌های هنر موسیقی آشنی، مذهب مناسبت، فکر می‌کنید انتشار چنین آثاری چه تأثیری بر جامعه مجدد اهل موسیقی و حتی خود مردم به این توأما و اینها داشته باشد؟

خیلی مؤثر است. خیلی، برای مثال کتاب «موسیقی رمضان» و ثبت فرهنگ و موسیقی که در حال احیاء است و جلوگیری از نابودی کامل آن، کاری بود که شوقین و تحسین بسیاری از محققان پژوهشگران و فعالان عرصه موسیقی را برانگیخت. گریه معارف شیعه چهار صدوا و سیمه، از آغاز رمضان اسماً، ضبط سریالی و آغاز کرده با عنوان «آوای صیام». تهیه‌کننده این برنامه



عطفی اکبر فرجاده است و فرات است. این سربان تاریخان سال آینده آماده بخش شود. کار شناسی و مشاور این برنامه من هستم. در این سربان، نام نمونه‌هایی که در موسیقی رمضان گردآوری کرده‌ام، چه نمونه‌هایی که هنوز در بعضی مناطق اجرا می‌شوند و چه آنهاهی که دیگر اجرا نمی‌شوند و تنها در خاطره برخی مردان کهنسال باقی مانده‌اند، با حضور منقبت خوانان و سحر خوانان ... ضبط خواهد شد.

در واقع در این برنامه، مطالب کتاب «موسیقی رمضان» از جامه واژه‌ها، به در آمده و به تصویر کشیده می‌شوند. پایه عنوان مثال، رمضان سال گذشته وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از من خواست که در طول ده روز، با دعوت از گروهها و افراد مناطق مختلف، برنامه‌های چاپوش خوانی، نقاره و دهل زنی، منقبت خوانی و ... را اجرا کنم.

مرکز موسیقی حوزه هنری هم، در سال گذشته، همایش اصنقبت خوانی را برای اولین بار برگزار کرد که مدیریت این همایش برعهده من بود.

**برای چاپ کتابتان، قبل از اینکه مطالب کامل شود،**



فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

فرمان

**با ناشر یا مؤسسه‌ای، قرارداد بسته بودید؟**
خب، به هیچ وجه. من تمام سفرهایم را برای تهیه این مطالب با هزینه خود انجام دادم و البته پیشینام هم مهم بود. بعد از اینکه کتاب کامل شد، به همت انتشارات سوره مهر، به چاپ رسید.

**یک سی‌دی صوتی به کتاب ضمیمه شده و با آن چه فروش می‌رسد. اگر ممکن است درباره آن صحبت کنید.**

حاصل سفرهای متعدد من، یک نمونه صوتی ۳ ساعته بود از آوازه و نوایهای موسیقی رمضان در مناطق مختلف ایران. البته عدم دسترسی من به امکانات پیشرفته صوتی، باعث شده بود، بعضی از این صداها کیفیت مطلوب را نداشته باشند. مرکز موسیقی حوزه هنری در این مرحله لطف و همراهی‌اش را از من دریغ نکرد. با این حال، این امکان وجود نداشت که برای ضبط یک نمونه‌های موجود در کتاب، از افراد مختلف دعوت کرده و صدایشان را در استودیو ضبط کنیم. بنابراین همراه با آقای «محمدصادق‌درویشی» به بعضی از مناطق مسخوفا صند منطقه کوربی- رفین و صداها را با امکاناتی که مرکز موسیقی حوزه هنری در اختیار ما گذاشته بود، ضبط کردیم. پس از آن ضبط جدید و قدیم را نیز با تلاش و همت آقای حسن عسکری پلایش کردیم که حاصل آن همین سی‌دی یک‌ساعته‌ای است که همراه با کتاب، منتشر شده است.

**تدوین و انتشار این کتاب، باعث گشایش‌های تازه‌ای از همین موضوع در ذهن شما شد؟**
چرا. اتفاقات این کتاب مرا با موضوعات و مطالب بسیاری آشنا کرد. میحث صلوات خواننده درام رمضان، یکی از این موضوعات است که پیونده آن را گوشه‌ام و به تحقیق درباره آن مشغولم. صلوات خوانی یکی از هنرهای عبادی مذهبی مناسبت، ما چیزی در حدود ۳۰۰ نوع صلوات خوانی داریم که معرفی، جمع‌آوری و تحقیق در اینها می‌تواند کتابچه‌ای مستقل باشد. احتمالاً میحث صلوات خوانی را در کتاب بعدی «موسیقی رمضان» اگر به چاپ دوم رسید- به عنوان فصلی تازه، به این کتاب خواهم افزود.

در پایان، اگر نکته خاصی برای گفتن دارید، بفرمایید. **برای ثبت آشنیهای رو به زوال و فراموش شده‌ای از این دست، باید همتی برزانه به خرج داد هر چقدر دیرتر بجنبیم، از این آشنیها سند کمتری در دست خواهیم داشت.**

در طول همین یک سال اخیر، یکی از بهترین منقبت خوانان ما، برائعلی زابلستانی، که در همایش منقبت خوانان سال گذشته نیز حضور داشتند، درگذشت. منقبت خوانان ما نیز وخیم است و در میبادستان به سر می‌زنند. بنابراین بر محققان پژوهشگران ما فرض است که پیش از آنکه دیر شود، اطلاعات و دانش این افراد رایبه ثبت برسانند.

نکته دیگر پیشینداز من درباره همایش منقبت خوانی است؛ شاید بهتر باشد که به جای تکرار هر ساله این همایش در ایران، آن را در سطح کشورهای اسلامی به اجرا گذازیم که البته لازم چنین کاری این است که با توجه و همت آن موافقت شود. مسئله دیگر، بی توجهی به چندسانی است که در عرصه پژوهش موسیقی شارل‌لتانیم رواج یافته. یک عده در حمت واقعی تحقیق پژوهش‌نامه جهان می‌خرند اما سوز آن نصیب عده‌ای دیگر می‌شود. باید یاد داشت متأسفانه الان در این زمینه آشنی که نتیجه پژوهشهای سطحی و بی‌معتقد، به چاپ می‌رسند. باید پیش از انتشار هر کتاب و تحقیقی، پشتوانه پژوهشی مؤلف آن اثر، مورد تحقیق و ارزیابی قرار بگیرد.



## باب العلم

**اولین کتابخانه تخصصی دیجیتالِ امام علی(ع)**

با آنکه در طول تاریخ اسلام حضرت امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع) همواره جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند،

ترسیم سیمای درباری حضرتش در حدی که سزوار آن بزرگمرد تاریخ باشد،امکان‌پذیر نشده است.می‌توان گفت معرفی ایجاد کتابتون تخصصی آن بزرگوار کاری بس دشوار به نظر می‌رسد که عثمان بن مین در این راه، گام‌های بزرگی برداشته.

به تازگی مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اسفهان که از مؤسسات زیر نظر آیت‌الله طاهری است کتابخانه دیجیتالی تخصصی حضرت علی(ع) را با عنوان باب‌العلم تهیه و منتشر نموده است.

به گفته حجت الاسلام سیداحمد سجادی، مدیر این کتابخانه، این کار به دلیل حجم بالای کتابها و مقالات موجود در باره امام علی(ع) در دنیای فشرده با عنوان دفتر اول و دوم ارائه شده است.

دفتر اول به سخنان حضرت پرداخته و شامل بخشهای زیر است:

**کتابنامه اختصاصی سخنان**

این بخش شامل ۲۰ جلد کتاب است که به احادیث، خطبه‌ها، وصایا، ادعیه و دیگر سخنان حضرت علی(ع) پرداخته است.

**کتابنامه عمومی سخنان**

این بخش شامل دو قسمت کتاب و مقاله است و در هر یک، کتابها و مقالاتی را در درباره سخنان حضرت نوشته شده گردآوری کرده‌اند. این بخش شامل ۸۲

جلد کتاب و ۹۱ عنوان مقاله است.

**کتابنامه موضوعی**

در این بخش دانشنامه جامع حضرت علی(ع) با ساختار درختی، ثنار، زندگی، مجاهدتها، کرامات و دیگر موضوعات مطرح شده درباره حضرت، گردآوری شده است. این بخش با کمک دانشنامه امیرالمومنین(ع) که پیشتر توسط مؤسسه دارالحیثین به صورت مجموعه‌های ۱۲ جلدی و با ساختار موضوعی تدوین شده بود تنظیم شده است.

**کتابنامه شیخ ابوالقاسم**

در این بخش متن نهج البلاغه و ۲۲ ترجمه و ۷۷ شرح تطبیقی آن با عناوین منجد، ارائه شده است. علاوه بر این، در این بخش موضوعات و اشعار مرتبط با سخنان حضرت علی(ع) در نهج البلاغه ارائه شده است. کتابها ارائه شده در بخش کتابنامه نهج البلاغه ۲۳۳ جلد است. بخش پایانی این دفتر، نگاه‌خانه است که برخی از قسمتهای آن عبارتند از: اشعار، تصاویر، جلوه‌های تصویری، دهامای حضرت علی(ع) شامل متن و صوت ادعیه وارده از حضرت و نغمه و مبالغ و مرثی‌های حضرت و در مجموع کتابها و مقاله‌های دفتر اول ۲۲۰ جلد است که با رنگ متفاوت، متن فارسی و عربی از یکدیگر متمایز شده است.

دفتر دوم مجموعه «باب‌العلم» به فضائل، سیره و تاریخ زندگی حضرت علی(ع) اختصاص یافته و شامل بخشهای ذیل است:

## امام علی(ع) بر نگین نشر



این بخش شامل دو قسمت کتاب و مقاله است که هر یک از این دو بخش کتاب و مقاله‌های را پیرامون تاریخ زندگی حضرت در بر می‌گیرد. مجموع کتابهای این بخش ۱۲۵ جلد و مقاله‌ها ۲۲ عنوان است.

**کتابنامه سیره**

این بخش نیز همانند بخش تاریخ به دو قسمت کتاب و مقاله تقسیم شده و در آن بعضی از کتابها و مقالات با محوریت سیره و روش و مرام آن امام همام جمع آوری و ارائه شده است. کتابهای این بخش ۷۷ جلد و مقالات آن ۷۹ عنوان است.

**کتابنامه فضائل**

در این بخش سعی بر آن بوده که اهم کتابها و مقاله‌هایی که پیرامون فضائل و مناقب حضرت امیرالمومنین نوشته شده در دو قسمت کتابها و مقاله‌ها ارائه شود که

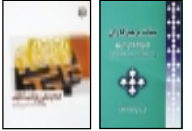
تربیت دینی پرداخته، آنگاه به تفصیل، ابی‌عزیز تربیت دینی را مورد مطالعه قرار داده است. او با تحلیل بسیاری از خطبه‌ها، کلمات و نامه‌های علی (ع) در نهج البلاغه، اصول و مبانی تربیت صحیح اسلامی را شناسایی کرده است. در فصل پنجمی کتاب، براساس آیه‌الله امام علی (ع) دوازده ستاوردآمده اصلی برای تربیت دینی ذکر شده است. مهدی ابوظابی نگارنده کتاب و مؤسسه آموزشی

و پژوهشی امام حسین، ناشر آن است.

**امام علی(ع) بندداری پژوهشی در**

**آسیب‌شناسی بندداری**

نویسنده این کتاب تلاش کرده است ضمن توصیف سبک ایمانی و چگونگی فراز و فرود آن، آسیبهای احتمالی را شناسایی و معرفی کند. وی هدف خود را از این پژوهش، ارائه تحقیقی مستند در «آسیب‌شناسی بندداری» به صرفا براساس «احادیث امام علی(ع)» بیان کرده است. کتاب در سه بخش «مبانی ایمان»، «تیین مفهوم بندداری» و «اثرات و



کاهش بایوری آن، بررسی عوامل فردی تضعیف بندداری ، بررسی عوامل جمعی تضعیف بندداری، منبع اصلی نویسنده، نهج البلاغه و سخنان امیرمؤمنان است. نویسنده این اثر علیرضا اسعدی است و انتشارات آیت عشق آن را روانه بازار کتاب کرده است.

**امام علی علیه السلام(ع)**

این نوشته حاصل مطالعه‌ای مختصر و نو در فضائل و اوسیه سیاسی، اجتماعی و اخلاقی امام علی(ع) است که با زبانی روان به رشته تحریر درآمده. نویسنده در این اثر محور قرار دادن امام علی (ع) به عنوان الگویی قضیلتها و جهتها، به رویای مختلف سیره اجتماعی، فردی، اقتصادی و عقائد فطریه آن حضرت اشاره کرده است. عقائد و سادوسنی شیخ امام علی (ع) او دیگر معضلات دنیایگه و روش سیاسی آن حضرت و سیاست فردی و اجتماعی آن حضرت، چگونگی حکومت و اخلاقی حکومتش آن امام ولایت علی(ع) از دیدگاه قرآن و پیامبر و ویژگیهای اخلاقی امام علی(ع) اوسمه شخصیت، از مباحث اصلی اثر پژوهشی است. نویسنده کتاب، مهدی یک‌خو، و ناشر آن دارالفقین است.

**نامه سرکشانه امام علی(ع) به عثمان بن**

**حنیف استانداری پسر»**

این کتاب ترجمه برنامه امام علی(ع) به عثمان بن حنیف، استانداری پسر، در تازگی پادشاه ساسانی اقتصادی و روحیت موازین اسلامی است. کتاب در سه بخش «عهدنامه تربیت زندگی عثمان بن حنیف، نامه تحفه امام علی(ع) و ویژگیهای حکومت علی(ع) است». در این نامه، چهره درخشان علی(ع) در اهمیت دادن به فضایی چون «عقائد»، «احسان، صیفت نوازی، دشمنی با ظلم و تبعیض، حفظ بیت‌المال و اقتصاد اسلامی نشان داده شده است. کتاب را محمد محمدی اشهرزادی تألیف کرده و نشر اخلاق آن را در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه منتشر کرده است.

**حاکمان و مردمان جسناری بر حقوق مردم و**

**سیره علوی**

نویسنده در این کتاب، به شرح تکامل حکومت پر مردم می‌گردد. از چگونگی اصلی حقوق است پرداخته و منظر و نگاه امام علی(ع) را در این مهم، روشن کرده است. نویسنده با هدف ارائه سیره عملی امام علی (ع) در حکومت و حقوق مردم در حکومت اسلامی، مطالب خود آن «مردم آزما» (ع) است.

**نقش و حقوق کارکنان در سازمانها از دیدگاه**

**امام علی(ع)**

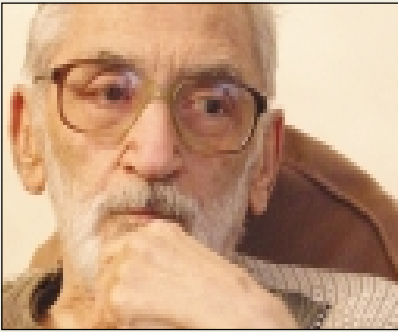
مطلب این کتاب از نهج البلاغه و دیگر منابع روایی گردآوری شده است. و اختصاصاً نویسنده، شیوه رفتار و نوع عملکرد کارکنان و معیاران در دستگاههای اجرایی و سازمانهای حکومت اسلامی، به‌صنای مقاومتی نظام است

و هر چه تعامل زیورها و عوامل حکومتی در روابط بین مردم به امروزه‌های دینی نزدیکتر باشد، موفقیت و پیشرفت نظام، بهتر و بیشتر خواهد بود. فرمانهای علی(ع) به کارگزارانش، بهترین منبع و مرجع نویسنده در تألیف این مطالب است.

کتاب در دو فصل حقوق کارکنان و نقش کارکنان سلمان یافته علی است.خطوطارن طوسی نویسنده و یوسنان کتاب قم ناشر این کتاب است.



# چو ایران نباشد تن من مباد



«سرزمین اهورایی ایران از کناره‌های سیحون تا فرات و از دریای خزر تا دریای فارس برای هر ایرانی پاک‌نواد، مقدس و گرامی است. من همان قدر که به آذربایجان همیشه سربلند و مردم سختکوش و دلاور آن بستگی دارم به بلوچستان پهناور و زرخیز و مردم منع الطبع و دل‌ران سامان نیز علاقه‌مندم و همچنین مازندران که زادگاه من است و فارسی و دیگر مناطق ایران عشق می‌وروزم زیرا همه این سرزمینها جزئی از سرزمین پهناور و مقدس ایران است و قسمتی از یک پدر و مادر وطن و هرگز در میان اجزای بدن نمی‌توان چشم را بر دهان یا دست را بر پا ترجیح داد و این چشم و خط و خال و ابرو هر کدام به جای خویش نیکوست و دوست‌داشتنی.»

این عبارات نوشته‌های یکی از مورخان بزرگ ایران‌زمین، دکتر عبدالحسین نوایی چهره ماندگار تاریخ این مرز و بوم است که عمری با عشق به ایران و ایرانی زیست. «تاریخ ایران و جهان» که در ۳ جلد در رشته تحریر درآمده، «تاریخ روابط سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ایران در دوره صفویه» و... از جمله آثار گرانبهائی است که از دکتر نوایی باقی مانده است.

الهام ملک زاده

فرزندم، اکنون که این یادداشت را می‌نویسم و شاید وصیت و آرزوی آخرین من باشد، از شما توقع دارم که پانته‌یا با همکاران دوستان و عزیزان و به‌خصوص شاگردان من، به واپسین آرزوهای من جامه عمل بپوشانید چون هیچ کدام جنبه شخصی ندارند و من هرگز در طول زندگی به امور شخصی پرداخته‌ام. یک آرزوی من این بود که خبری کاملاً علمی و به دور از هرگونه غرض و مرضی در مزارات ایران داشته باشد. در طول روزگارها کشور ایران هر چند گاه، مهد اندیشه‌ای و چاقو لنگه فکری یا ظهور نبی و درویشگری بوده و در تناقض و تقابل اندیشه‌ها، هر از چندگاهی اندیشه‌ای غالب می‌شده و دیگر اندیشه‌ها را در محاق می‌انگاشته ولی در هر حال از آن اندیشه‌ها و از آن مردم صاحب‌اندیشه و از آن اقوامی که با آن اندیشه‌ها پرورده شده و با همان اندیشه‌ها به خاک ریخته‌اند آزاری کم و بیش باقی مانده که جوهر بخشی از حرمت دیرین را حفظ کرده‌اند و هنوز مردم بر آن گوشه چشمی دارند و به عنوان مزارات بدان احترام می‌کنند و گاه توسل می‌جویند و در هر

**آرزوی نهایی من چاپ ۶ جلد کتاب الف لیل و لیله یعنی هزار و یکشب است، نسخه موجود در کاخ گلستان که با خطوط بهترین خوشنویسان عصر مرقوم و با آثار نقاشی برجسته‌ترین هنرمندان عصر ناصری تصویر و تزئین و تذهیب و تجلید شده. انتشار این کتاب که سرمایه‌ای عظیم و همتی عظیمتر را می‌طلبد، هنر ایرانی را چنان که هست و شایسته تحسین است، نشان خواهد داد.**

حالا خاک آن را نوتیای چشم می‌کنند و در دیوار آن را می‌بوسند. از این آثار در کشور ما بسیار فراوان است و در هر قسمتی با عنوان مساجد و مقابر و قدمگاهها و نکدرختها و چشمه‌ها و کوهها و معبدها تحت عنوان امامزاده، شاهزاده، پیر، بابا، شاه، سلطان و بی بی و عاتون و ام حکیمه و ام سکینه و امثال آن و خلاصه خانقاهها و لنگرها وجود دارد که مطالعه درباره آن، هم به کشف اصالت مقبره‌سادات و بایزماندگان آل‌عترت کمک می‌کند، هم به شناخت نوع اندیشه و گستره آن در خاک ایران و خاصه در خارج که خود می‌تواند فصل مشترکی در روابط فکری و اعتقادی تمدنهای مختلف قرار گیرد. برای این کار البته برنامه‌ای دقیق و نظری همسوز لازم است که طرح کلی آن را ریخته‌ام ولی همواره می‌ترسم که کار به دست سودجویان و فرصت‌طلبان و چاپلوسان و زورپرستان بیفتد تا هم مجالی برای

## اقبال و تاریخ نگاری

درباره عباس اقبال آشتیانی

تألیف حسن شایگان

ناشر: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشاری‌زوی

اقبال و تاریخ نگاری کتابی است درباره عباس آشتیانی و شیوه‌های تاریخ نگاری این مورخ صاحب‌نام که از خود آثاری در خود بی‌نظیر بر جای گذاشته است.

اقبال آشتیانی راه حق می‌توان از پیشگامان تاریخ نگاری جدید ایران دانست که به شیوه‌های تاریخ نگاری مدرن و امروزی جهان در زمانه خود مسلط بود.

نویسنده در مقدمه کتاب «اقبال و تاریخ نگاری» به آشتیانی خود با نام عباس اقبال در دوره دانشجویی اشاره می‌کند و مختصر معرفی کوتاهی از او به دست می‌دهد و در پایان مقدمه چنین می‌افزاید: «برای مستحجان اقبال در زمان عصری که وی را پرورد و همراه نسلی که با او بار آمد، دوری می‌کنم و در این فرآیند، سه موضوع را به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم: شناخت اقبال، شناخت عصر و نسل مشروطه، شیوه تاریخ نگاری و تاریخ نگاری سنتی که پیش از شیوه نوین رایج بوده»

در فصل اول که «سکونت و سیرت‌نامه» نام دارد، به اظهار نظرهای برخی افراد از جمله شاگردان و دوستان اقبال درباره وی اشاره



می‌ورد. کسانی چون علامه قزوینی، علامه رضا ریشی‌لمسی، دکتر زرین کوب، دکتر نوایی و... «نگاهی به آثار و افکار اقبال» عنوان فصل دوم است، که نویسنده در این فصل ذیل اقبال مثل آیس العسقلانی، جعفر ایقایی اقتصادی، کاتبات تاریخ تمدن

جدید و... توضیحات مختصری کرده و در پایان درباره اثر اقبال توضیحاتی می‌دهد و دست آخربه آثار اقبال در واپسین سالهای زندگی اش می‌پردازد. فصل سوم به «تعاریف تاریخ نگاری تحلیلی» اختصاص دارد که البته چندان ربطی به عباس اقبال ندارد و بیشتر مباحث تحلیلی است.

در «تاریخ پشینه» که عنوان فصل چهارم است، درباره تاریخ نگاری چند تن از مورخان کلاسیک ایران، کسانی چون بیهقی، بلغمی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله سخن گفته می‌شود. فصل پنجم به «انقلاب مشروطه و تاریخ نگاری کهن» می‌پردازد و فصل ششم که شاید مهم‌ترین بخش کتاب به شمار می‌رود «مغول‌شناسی اقبال با تکرش تطبیقی» نام دارد. در این فصل نویسنده به مهم‌ترین وجه علمی اقبال می‌پردازد که همانا مغول‌شناسی و اثر ماندگار وی «تاریخ مغول» است و دیدگاه و منش علمی او را با دیگر مغول‌شناسان چون انبیلور، تطبیق می‌دهد و مقایسه می‌کند.

موضوع فصل هفتم، «مجموعه یادگار و جهان بینی ماندگار» است که سالیانی را مورد توجه قرار داده است. اقبال، به روزنامه نگاری پرداخته و همت خود را مصروف انتشار مجله یادگار کرده است. کتاب، دو پوست نیز دارد یکی مقاله‌ای از محمد گلین» درباره شعرهای عباس اقبال آشتیانی و دیگر، مقاله‌ای از استاد ایرج افشار با عنوان «فهرست تألیفات و آثار عباس اقبال» علاوه بر کتابشناسی آثار عباس اقبال، فهرست اعلام و منابع نیز، ضمیمه کتاب است.

## آثار در حال چاپ دکتر عبدالحسین نوایی

می‌پردازد و توسط سازمان اسناد به زودی منتشر خواهد شد. انتشارات اساطیر قرار است علاوه بر مجموعه عظیم کتاب «القباب چهار» که برای نخستین بار منتشر می‌شود، «فتح تهران» و «دولتهای ایران از مشروطه تا اولتیماتوم» را نیز تجدید چاپ کند.

کتاب دیگر ادامه «مرآت الواقع» است که به تصحیح و تعلیق دکتر نوایی رسیده و میراث مکتوب به زودی آن را روانه بازار خواهد کرد. همچنین در پایان مطلع شدیم تصحیح منظومه سام و بهرام که توسط استاد نوایی انجام گرفته، به گوش الهام ملک زاده و به همت انتشارات لوح محفوظ منتشر می‌شود. این کتاب یک نسخه خطی جانب با جنبه‌ای فنیستی در دوره صفوی است.

سالگرد درگذشت دکتر عبدالحسین نوایی بهانه‌ای شد تا از حاتم الهام ملک زاده استاد تاریخ و شاگرد دکتر نوایی درباره کتب و آثار دکتر نوایی که هنوز به دست چاپ سیده نشده‌اند، پرس و جو کنیم. خوشبختانه ایشان نیز خبر از تألیف و تصحیحهایی از اسناد دادند که قرار است به زودی روانه بازار کتاب شود.

«تاریخ روابط ایران و ونیز» نام کتابی از دکتر نوایی است که به گوش الهام ملک زاده، به همت دانشگاه آزاد واحد شهرری، مراحل پایانی چاپ را سپری می‌کند. این کتاب اولین اثر تحقیقی درباره روابط خارجی ایران و ونیز است.

روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه با تصحیح دکتر نوایی و گوش الهام ملک زاده نیز کتاب دیگری است که به شرح خاطرات سال ۱۲۰۶، ق. ناصرالدین شاه



# به موقع زندگی کن ۶ به موقع بمیر

**اشاره، محمدعلی علومی، ناصر فیض و عرفان نظر‌آهاری** اگرچه هر سه به نوهی ادیبانی محسوب می‌شوند اما از این سه تن، دو نفر در حوزه طنز قلم می‌زنند و دیگری به عوالم عرفانی تعلق خاطر بیشتری دارد پس اتفاقی نیست که علومی از ویلیام سارویان، نویسنده طنز روز ارمنی سخن بگوید و فیض از طنز روز مشهور ترک «مظفر ایزگو» به عرفان نظر‌آهاری هم که هر چه درباره یک رمان سخن گفت و نگاه او به نویسنده رمان، «اروین یائو» و **شخصیهای داستان**، بی‌ارتباط با تعلقات او نبود.

علومی، جدای پیش، از یک دست فروش در خیابان انقلاب، کتابی خرید به نام «یکی از شاعران آینده»، از انتشارات برگ، نوشته ویلیام سارویان؛ به ترجمه حسین بیدارمغزه. این کتاب مجموعه‌ای است از ۷ داستان کوتاه طنز.

به بهانه طنز سارویان می‌خواهم مختصر و مفید وارد مغزله طنز شوم. طنز چطور به وجود می‌آید؟ دکتر شفیعی کدکنی معتقد است که تناقضات عالم هستی، باعث ایجاد طنز می‌شود. اما به نظر من، این تعریف، جامع و مانع نیست و صرف تناقض باعث ایجاد طنز نمی‌شود.

مثلاً شخصیت دراکولا که بر اساس آن فیلم‌های ترسناک زیادی ساخته شده، بین دو شخصیت خوب و بد (بیرونی و درونی) در تناقض است اما هیچ کس از دیدن دراکولا خنده‌اش نمی‌گیرد. پس صرف تناقض، باعث ایجاد طنز نمی‌شود. اگرچه در طنز هم تضاد و تناقض وجود دارد. فیض، دکتر شفیعی این بحث را ادامه می‌دهد و می‌رسد به اجتماع تقیضین یعنی از بحث تناقض خارج شده و پایه و اساس طنز را اجتماع تقیضین می‌داند.

علومی، بله. شما این نکته را کاملتر کنید. من فراموش کرده بودم که دکتر دقیقاً چه اصطلاحی را به کار برده. اما سخن من این است که همیشه اجتماع تقیضین باعث خنده نمی‌شود و ممکن است ترازوی با تریس هم ایجاد کند یعنی چیزی کاملاً مغفوت یا کارگرد و هدف طنز. عامل ایجادکننده طنز همین تضاد و تناقض است. اما هر تضاد و اجتماع تقیضینی باعث خنده نمی‌شود. انگار طنز را نمی‌توان تعریف کرد. شاید یک دلیلش این است که در طنز انواع خنده وجود دارد. مثلاً وقتی خیم می‌گویند: در کارگه کوزه‌گری رفتم دوشم آبدیدم دوهزار کوزه گویا خشویش! هر یک به زبان راز با من می‌گفت! کوزه‌سز و کوزه‌گر و کوزه‌فروش. این ریاضی ایجاد خنده می‌کند. خیم بازاری بر از کوزه‌خران در نهایت آنچه از حیاهوی این بازار بر جای می‌ماند، سیاه است که به ترازوی منجر می‌شود.

خیم با نگاهی هستی‌شناسانه به طنز، ناگهان ما را با نیستی و عدم، مواجه می‌کند. اما متأسفانه آنچه امروزه به عنوان طنز بین مردم ماریج است، طنز اجتماعی بسیار سطحی و سطحی است که مرجع آن رسانه‌های فزاکر و رسمی است. برخلاف گفته نیکلای گوگل که می‌گوید «به

رفقار کج باید خندید نه به دماغ کج». مردم مایاد گرفته‌اند که به دماغ کج بخندند. نوع دیگری از طنز که این روزها رایج است، طنز ژورنالیستی است که متأسفانه از طریق گرایشهای سیاسی رواج پیدا کرده. می‌گویم متأسفانه، آن هم به این دلیل که فرهنگ ما اقتدر قوی و غنی هست که مسائل گندرای سیاسی را اصل قرار ندهیم. یک آدم فرهنگی لزوماً قرار نیست سیاسی باشد. اما این سیاست زدگی بین قشر فرهیخته و عوام باعث رواج دو نوع طنز شده است: یکی طنز ژورنالیستی یا گرایش سیاسی و دیگر طنزی که بالودگی پهلو می‌زند و چیزی نیست جز خندیدن



**علومی: متأسفانه آنچه امروزه به عنوان طنز بین مردم ماریج است، طنز اجتماعی بسیار سطحی و سطحی است که مرجع آن رسانه‌های فزاکر و رسمی است. برخلاف گفته «نیکلای گوگل» که می‌گوید «به رفقار کج باید خندید نه به دماغ کج». مردم مایاد گرفته‌اند که به دماغ کج بخندند.**

به لهجه‌ها و قیافه‌ها و… البته تاریخ مصرف طنز ژورنالیستی خیلی کوتاهتر است. حالا لودگی ممکن است بیشتر دوام بیاورد. حتی ممکن است به تکیه کلام مردم تبدیل شود و آنها را مدتی سرگرم کند. اما طنز سیاسی، بعد از یک هفته کارایی‌اش را از دست می‌دهد.

کافی است به مولانا نگاه کنیم و از او الگو بگیریم. طنز مولانا، طنزی است ماندگار است چراکه به نحوه رفتار و منش طنز انسان در موقعیتهای پیچیده‌ای مثل مقابله با مرگ، عشق و زندگی توجه می‌کند. مولانا انسان را آنچنان که هست با آنچه ادعا می‌کند، مقایسه کرده و از این راه طنزی عجیب و شگفتی‌آور، می‌آفریند. حالا در رسیم به اینکه چرا می‌ویلیام سارویان را انتخاب کرده‌ام. سارویان یک شرقی است و از ارمنی‌های مهاجر آمریکا، قوم ارمن، قدمتی طولانی دارند و از اصالتی کهن برخوردارند. فرهنگ این قوم با طبیعت کره خورده است و

سارویان نیز اگرچه عمر خود را در آمریکا گذراند، خواجه ناخواه تحت تأثیر طبیعت است. داستانهای او پر است از عناصری چون: اسب، زمین، موسیقی و… در یکی از این داستانها، راوی قصه عمویی دارد به نام ملک.

راوی داستان می‌گوید: «عمو ملک بدترین کشاورزی بود که من تا به حال دیده‌ام». ملک در این داستان شخصیتی نیمه دیوانه است. او نسانای رویایی و دستدار زیبایی است. دوست دارد چیزی بکارزد و مراحل رشد آن را ببیند. به همین دلیل در بیابانی خشک که پر از مار زنگی است، درختکاری می‌کند. اگرچه نتیجه کار او از آغاز، پیداست. درختها رشد نمی‌کنند. اما این برای عمو ملک مهم نیست، او فقط می‌خواهد در آن بیابان پر از مار، باغی رویایی بسازد. اما کار او از آغاز محکوم به شکست است.

روایت روزیهای شاعرانه در زندگی خشن آمریکایی که مبنای آن تولید و مصرف است، در بیشتر داستانهای سارویان، موقعیتی طنزآمیز، ایجاد می‌کند.

یا مثلاً در داستان مسابقه دو سنجار که قرار است در نیویورک برگزار شود- نیویورک در اینجا مظهر پیچیدگی دنیای مدرن و آمریکایی است- شخصیتی وجود دارد به نام دایمی‌جیکو. دایمی‌جیکو که مجذوب به گاست در این داستان دنیای شرق را تداعی می‌کند.

دایمی‌جیکو در مسابقه شرکت می‌کند و بازننده می‌شود. اما در پایان داستان به راوی می‌گوید: ما فامیل بزرگی هستیم و هر کاری را که اراده کنیم، می‌توانیم انجام دهیم. حال آنکه خواننده، می‌داند چنین نیست و این خانواده بزرگ معمولاً در همه کارهایشان، با شکست مواجه می‌شوند.

آثار سارویان، شباهتهای فرهنگی زیادی با ما دارد. مادر طنز فارسی نیز، از این قیل و دیوکوبه‌های بومی به طنز، بسیار داریم. مثلاً در یکی از داستانهای سپین داشنور، زن نازایی پیش کولها می‌رود و برای درمان نازایی‌اش، از آنها تخم ماز می‌گیرد و بعد این زن ماز می‌زاید. فضای این داستان در عین حال که فضایی طنزآمیز را تداعی می‌کند، بسیار هولناک است.

به هر حال گمان من بر این بود که یکی از شاعران آینده، اگرچه کتابی است که سال ۱۳۷۳ منتشر شده، اما به دلیل اندیشه قوی و قلم شیرین نویسنده‌اش، شایستگی این را دارد که در گپ کتاب، معرفی شود.

فیض: من هم می‌خواهم درباره یک طنزنویس صحبت کنم. نویسنده‌ای ترک که مرا به شدت تحت تأثیر قرار داده است؛ «مظفر ایزگو». اما نمی‌دانم صحبت درباره ایزگو را چگونه باید شروع کنم. اخیراً با آثار او خیلی مشغولم. نزدیک به سی جلد از آثارش را تهیه کرده‌ام و هر کجا که فرصتی باشد- حتی در اتوبوس- قصه‌های او را که معمولاً از شش هفت صفحه تجاوز نمی‌کند، می‌خوانم. اگرچه این داستانها را به زبان اصلی می‌خوانم اما گاهی چنان در فضای قصه فرقی می‌شوم که گویی داستان را به زبان فارسی می‌خوانم. وقتی در اتوبوس نشستم ام قصه‌ای از ایزگو را که واقعاً در اتوبوس اتفاق افتاده،

می‌خوانم. حسن می‌کشم این اتفاق پیش چشم من در حال وقوع است. من به ششخطه به آثار ایزگو بسیار علاقه‌مندم. البته طنز پردازهای دیگری هم مثل حسن حسینی یا خیلی‌های دیگر هستند که دنیاهو رسک عزیز ترسین هستند. اما من به چند دلیل ایزگو را بر دیگران ترجیح می‌دهم و شاید مهمترین این دلایل این باشد که وقتی فهردان داستان به شدت همدات بنداری می‌کند و حسن می‌کند که اصلاً داستان سرگذشت خود اوست.

شاید یکی از دلایلی که با عزیزتین رابطه برقرار می‌کردیم، همین شباهتهایی است که فضای داستانهای او با فضای زندگی ابرانی دارد. در مقایسه با آثار عزیزتین، به جرأت می‌توان گفت که فضای نوشته‌ها و آثار ایزگو، بسیار ابرانی‌تر است.

فضای داستان اقتدر ابرانی است که با عوض کردن اسمها، می‌توان آن را به قصه‌ای ابرانی تبدیل کرد.

علاوه بر قصه‌هایی که تاکنون از ایزگو ترجمه کرده و به چاپ رسانده‌ام، قصد دارم درباره آثار و زندگی او و ویژگیهای طنزش، کتابی مستقل نیز بنویسم.

علومی: به عنوان کسی که دستي در طنز دارد، این اتفاق بسیار حسیته‌ای می‌دانم که آثار یک طنزپرداز برجسته را بیک ادیب و طنزپرداز ابرانی، ترجمه می‌کند. متأسفانه، حجم وسیعی از آثار عزیزتین را- جز ترجمه‌های معدم پهرنگی، نمین باغچه‌بان و شاملو- کسانی ترجمه کردند که با ادبیات و به ویژه ادبیات طنز هیچ سنجستی نداشتند.

فیض: من دو بار به ترکیه رفتم اما موفق نشدم ایزگو را ببینم. دلم می‌خواست پیدایش کنم و با او صحبت کنم و ببینم اصلاً چه جور آدمی است. همین قدر می‌دانم که این آدم بسیار محبوب است و آثارش در شمارگان بالا منتشر می‌شود. مثلاً چاپ دوازدهم یا شمارگان ده هزار تا ایزگو آثار بسیاری دارد و بیشتر این آثار با شمارگان ده هزار تا به چاپ هشتم تا دهم رسیده‌اند. الا آن حدود هفده داستان از ایزگو را ترجمه کرده و آماده چاپ دارم.

این نکته را هم بگویم که مشوق و محرک من برای معرفی بیشتر این نویسنده ترک، آقای عموئی قدرمی‌دانم که این آدم بسیارمحبوب است کمونیست بیاده را نیز که گزیده‌ای از داستانهای ایزگوست، مدیون آقای موسوی هشتم.

عرفان نظر‌آهاری: بعد از این همه صحبت درباره طنز و نویسنده‌های طنز، بحث از کتابی وولتاگوانه و فلسفی کمی سخت است. او نتیجه کرده بوده عنوان کتابی است که اخیراً خوانده‌ام. نویسنده کتاب، «اروین یائو» و نقش آفرینی «مهشید میرمعزی» و ناشر آن انتشاراتی نی است. ماجرای این کتاب چیزی بین تخیل و واقعیت است و در آن چندین شخصیت مهم تاریخی به مدد تخیل مقابل هم قرار می‌گیرند و نقش آفرینی می‌کنند. مهمترین شخصیت این رمان خود «نیچه» است. نیچه واقعی، و شخصیتهای دیگر، اوید و دکتر یوزف بروگر هستند. بروگر پزشکی اتریشی



است در سالهای حیات نیچه یکی از معروفترین و موفقترین پزشکان دوران درمانی بوده. در کنار اینهازی به نام «لوسالومه» که واقعاتمدت کوتاهی مشغول نیچه بوده و زین دیگری به نام ابرتا که شخصیتی واقعی بوده و در اندامیه زنان تلاشهای زیادی کرده نیز در داستان حضور دارند. دکتر بروگر و همسرش نیز شخصیتهای واقعی بوده‌اند. اما درباره اینکه آیا مجموعه این شخصیتها ملاقاتهایی با هم داشته‌اند،نویسنده در انتهای کتاب ذکر می‌کند که نیچه هیچ وقت با دکتر بروگر ملاقات نداشته و او نامه‌هایی از فریود و بروگر با خواهر نیچه و همچنین دست نوشته‌های لوسالومه را دستمایه این رمان قرار داده است. شکی نیست که شخصیتهای داستان آنگونه که در کتاب روایت شده،می‌اندیشیده ورفتار می‌کرده‌اند و این اتفاقات در زندگی‌شان وجود داشته، اما رویارویی آنها با هم مسئله‌ای است که نویسنده در جای جای رمان، برای پیشبرد داستان، با کمک تخیل خود را آن بهره برده است. البته لوسالومه و ابرتا که مدتی بیمار دکتر بروگر بوده‌اند، شخصیتهای واقعی هستند که در واقعیت هم با نیچه و بروگر در ارتباط بوده‌اند.ماجرا در چهل و دو سالگی نیچه اتفاق می‌افتد. یعنی زمان کوتاهی



**فیض : من به چند دلیل ایزکو را بر دیگران ترجیح می‌دهم و شاید مهمترین این دلایل این باشد که وقتی مخاطب ایرانی داستانهای ایزکو را می‌خواند، با قهرمان داستان به‌شدت همذات‌پنداری می‌کند و حس می‌کند که اصلاً داستان سرگذشت خود اوست. شاید یکی از دلایلی که با عزیز نسین رابطه یوقرار می‌گیرد، همین شباهتهایی است که فضای داستانهایی او با فضای زندگی ایرانی دارد.**

که با لوسالومه ارتباط داشته و با او درگیر عشقی افراطی می‌شود و حتی به او پیشنهاد ازدواج می‌دهد. اما خیلی زود همه این ماجراها تمام می‌شود و نیچه که هم میگردن داشته و هم بیماریهای دیگری، دچار نوعی افسردگی می‌شود تا آنجا که به فکر خودکشی می‌افتد. لوسالمه سرانجام دکتر بروگر که پوشکی حاذق بود، می‌رود و او خواشلی می‌کند.برای نجات فلسفه، آلمان بزرگترین فیلسوف معاصر کاری یکند. دکتر بروگر آن موقع نه نیچه را شناخت و نه علاقه‌ای به این کار داشت. اما رفتار منتقدانه آن دختر که مهاجرتی روس بود، توجه او را به این دختر جلب می‌کند. باعث می‌شود به خاطر او بیمار را ببپذیرد. داستان از رویارویی نیچه با بروگر آغاز می‌شود. رابطه برقرار کردن با این بیمار جموش که در مقابل هر گونه درمانی سرکنشی می‌کند باعث می‌شود ما با داستان همراه شویم. از اینجا به بعد این داستان حول محور دو شخصیت قوی

می‌گردد. شرط‌باز بازیهای بزرگی که هر کدام مهم‌هایشان را طوری می‌چینند که شما هر لحظه به پیروزی یکی از آن دو گمان می‌برید. اما سرانجام می‌بینید که هر دوی آنها به یک اندازه مقتدرند.و همین ویژگی است که حتی برای مخاطب معمولی هم کشش ایجاد می‌کند. تا جایی که حتی اگر مخاطب نه از فلسفه چیزی بداند نه نیچه را به‌درستی بشناسد و نه از روانکاوی سر در بیاورد، باز هم داستان را به‌عنوان یک رمان پرکشش دنبال می‌کند تا ببیند در نهایت چه بر سر این شخصیتها می‌آید. از سوی دیگر، اگر شما در جایگاه مخاطب فرهیخته هم قرار بگیرید،لذتی که از این کتاب می‌برید چندین برابر می‌شود. شخصیت دکتر بروگر در این داستان ظاهراً یک انسان موفق است، انسانی خوشبخت که ازدواج کرده، بچه دارد، موقعیت اجتماعی و محبوبیت دارد اما اتفاقاًفسرده‌ترین فرد این کتاب که احتیاج به نجات و درمان دارد، خود اوست. اینجاست که درمی‌یابیم، پوشگی که تا این حد نیاز به کمک دارد، چگونه می‌خواهد یک ابر انسان را درمان کند. نیچه هیچ کمکی را نمی‌پذیرد. او از بیماری خودسپاسگزار است چون به او کمک کرده از مسئولیتهای دانشگاهی زها شود و به چیزهای دیگر برسد. دکتر بروگر با او وارد معامله می‌شود و می‌گوید:من به تو کمک می‌کنم، تو هم به من کمک کن و اینجاست که بیمار و پزشک بیوسته جایشان با هم عوض می‌شود.

زمانی که در این داستان حضور دارند، همگی جزو زنان خاص و خارق‌العاده‌اند و در این داستان حضوری متفاوت دارند.یکی از این زنها بیمار بروگر است که دکتر برای درمان او، برای اولین بار از روش بیان درمانی استفاده می‌کند. در این داستان ما به گونه‌ای با آغاز تاریخ روان درمانی مواجهیم که بیان درمانی یکی از انواع آن است. بروگر حدود سه‌ساله فقط به حرفهای این زن گوش می‌دهد. بیمار با بیان هر یک از دردها و آلام روانی‌اش درمان می‌شود. نویسنده در اینجا ما را متوجه‌کنکته‌ای تازه می‌کند، اینکه بعد از کشف هر چیز می‌توان آن را برطرف کرد. بروگر قصد می‌کند از این بویژه برای درمان درماتی نه‌برای نیچه جواب می‌دهد نه‌برای خود بروگر. بنابراین نیچه و بروگر به این نتیجه می‌رسند که بهترین راه، علت درمانی است. همان اتفاقی که در داستان پادشاه و کنیزک در دفتر اول منثوری هم رخ می‌دهد. برتا، بیمار بروگر، زنی است که از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. این دختر روان درمانگر به بیمارش معاد می‌شود و به هیچ روشی نمی‌تواند خود را از این عادت برهاند. در این بخش داستان خواننده دچار این دغدغه می‌شود که چرا یک پزشک تا این حد درگیر بیمارش شده است؟! چرا پوشگی که زنی زبیا از خانواده‌ای اصیل و ثروتمند دارد، بچه‌های خوبی دارد، از زندگی‌اش احساس رضایت و خوشندی نمی‌کند.

بروگر با آنکه بیمارش را از زندگی خود رانده و او را به پزشک دیگری سپرده است، همچنان به او فکر می‌کند. این پزشک می‌داند که نیچه، لوسالومه را دوست دارد و فکر می‌کند اگر از مسائل عاطفی خود با او صحبت کند، ممکن است روزی نیچه هم از عشق بگوید. اما نیچه هرگز سر فرود نمی‌آورد و از عشق سخن نمی‌گوید و در این داستان همچنان زشت‌سئیز و عشق‌بازایی می‌ماند تا جایی که بروگر فکر می‌کند در درمان نیچه شکست خورده و نمی‌تواند با او رابطه برقرار کند. اگرچه سرانجام این رابطه شکلی می‌گیرد و دو قهرمان اصلی این داستان دچار تغییر و تحول می‌شوند. البته تغییر آن دوره یک میزان نیست، نیچه همچون گونه بزرگی است که تغییر کردن او به چشم نمی‌آید. مهمترین تغییر نیچه در این رمان، همین عنوان کتاب است؛ او نیچه گریه کرده، نیچه سرسختی که هرگز اشک را نمی‌شناسد، در پایان داستان گریه می‌کند و دست بر شانه‌های دکتر بروگر می‌گذارد و می‌گوید تو به من مفهوم

دوست داشتن و عاطفه را آموختی. البته این اتفاق در پایان داستان رخ می‌دهد. من به عنوان یک خواننده وقتی از اول تا آخر داستان را می‌خوانم، به این نتیجه می‌رسم که خوب، پس گونه هم گریه می‌کند. سنگ هم گریه می‌کند. ما بهتر می‌توانیم خودمان را جای دکتر بروگری که خواننده در طول داستان تغییرات دکتر بخیرات دنبال که لمس می‌کند، تا تغییرات نیچه را شاید به این دلیل که ما بهتر می‌توانیم خودمان را جای دکتر بروگری که در مقام یک انسان است، بگذاریم. اما نیچه به‌عنوان یک ابر انسان در داستان حضور دارد. بروگر همه چیز دارد اما خوشبخت و خوشحال نیست و نیچه به او مفهوم اختیار و انتخاب را می‌آموزد. نیچه مفهوم آزادی و روش گریز از چیزهایی را که به انسان تحمیل شده، به بروگر می‌آموزد و در نهایت بروگر می‌فهمد که آزادی، انتخاب همان چیزهایی است که دارد و این درس بزرگی است.

دکتر بعد از این واقع‌چیزی به دست نمی‌آورد. زشت از طلاق نمی‌دهد، بچه‌هایش را از دست نمی‌دهد. شغلش را رها نمی‌کند ولی به این حس می‌رسد که هر چه را که دارم انتخاب کرده و دوست دارم، در حالی‌که پیش از آن چنین احساسی نداشت. در اینجا فریود که جوانی بیست و هفت هشت ساله و در جست‌وجوی تئوریهای جدید است، در داستان



**نظر آملاری : نیچه همچون کوه بزرگی است که تغییر کردن او به چشم نمی‌آید. مهمترین تغییر نیچه در این رمان، همین عنوان کتاب است. «و نیچه گریه کرده. نیچه سرسختی که هرگز اشک را نمی‌شناسد. در پایان داستان گریه می‌کند و دست بر شانه‌های دکتر بروگر می‌گذارد و می‌گوید تو به من مفهوم دوست داشتن و عاطفه را آموختی.**

حضور پیدا می‌کند. او بروگر را به خواب مصنوعی (هیپنوتیزم) فرو می‌برد. در این خواب، بروگر به آنچه دوست دارد در پیگیری اتفاق میفتد. دست می‌یابد او پس از تجربه تمام خواسته‌هایش در این خواب مصنوعی، درمی‌یابد که از علائقی خود درک درستی نداشته. به گونه‌ای که وقتی از این خواب بیدار می‌شود به زشتی می‌گوید. می‌خواهم با تو ازدواج کنم، تو همان زنی هستی که همیشه می‌خواستی با او ازدواج کنی، در حالی‌که تا ساعتی پیش از آن خواب مصنوعی، از زندگی‌اش رنج می‌برد.

بروگر بعد از این اتفاق به نیچه می‌گوید من تو را فریب دادم، تو می‌خواستی آزادی را در خواب ملموس و واقعی به من بیاورزی. اما من به خواب پناه بردم و آن را در خواب تجربه کردم. نیچه می‌گوید مهم تجربه آزادی است چه در خواب چه در بیداری. اینجاست که ما درمی‌یابیم حتی خواب و تخیل هم جزئی از زندگی ماست.

وقتی ما نیچه را می‌خوانیم با یک شخصیت تراجامی

که در قفسه کتابها محصور است، روبرو می‌شویم. در اینجا نیچه وارد زندگی می‌شود و حرفها، باهما و جملات تضارش، حتی خود او را به چالش می‌کشد. در کتاب چنین گفت زرتشت، عبارت الله موق زندگی کن و به موق بسیرا! انتها به عنوان یک جمله تضار می‌بینم و می‌خوانم اما در این داستان با مفهوم آن درگیر می‌شویم.

نیچه در جای دیگر می‌گوید، بهترین حقیقتها، حقیقتهای خون‌آلودند که گوشت و وجود و هستی انسان را پاره می‌کند.

در این داستان نیچه را می‌بینیم که به‌راستی حاضر است برای حقیقت شرح شرحه شود. او می‌گوید، درست است که رنج می‌کشید اما این بهای دیدن خطر است. معلوم است می‌ترسید، اما زندگی به معنای خطر کردن است. محکم بشوید. شاید این عبارت در نامه‌ای به بروگر یا در یک جلسه گفتار درمانی، بیان شده باشد. اما با خواندن آن احساس نمی‌کنیم کسی در نقل یک معلم قرار گرفته و قصد آموزش ما را دارد. بلکه یکم تمام چپشما به سستی است که ما را به مفهوم این جمله، می‌رساند.

نیچه، تفسیر داد؟

نظر آملاری: احساس کردم، نیچه از قفسه کتاب بیرون آمد، پیکر، خون و روح گرفت. واقعیت گرفت و من دریافتم که نیچه چه دردهایی کشیده است.

فیض: پس از خواندن این رمان، هنوز نیچه را از سنتر می‌دانید؟

نظر آملاری: نیچه را از سنتر نمی‌دانم، چون فکر می‌کنم هیچ مردی نمی‌تواند از سنتر باشد. نیچه در برابر زشت، مغرمت می‌کند.

در این زمان آنچه برای بروگر اهمیت دارد، و طقه و طوقه در مقابل بیمار، در مقابل همسر، در مقابل فرزندان اماریایی نیچه، آزادی مهم است. حتی اگر این آزادی به قیمت ناشن زندگی خانوادگی تمام شود، به قیمت متعهد نبودن به شغلی در دانشگاه و خیلی چیزهای دیگر، مانجان نیچه را به شدت تنها می‌باییم. حتی در پایان کتاب، وقتی همه شرایط برای ورود او به یک زندگی خانوادگی و یک کانون گرم امنیت، مهیا می‌شود، او تنها می‌را برمی‌گردد. یعنی پذیرفتن زندگی اضطراب‌کار را اگر همه استانهای او در جست‌وجوی آرامش و امنیت هستند، نیچه از این امنیت می‌گریزد.

مفاهیمی مثل عشق، مرگ، روابط انسانی، آزادی و اخلاق که در این رمان مطرح شده، مفاهیمی ازلی هستند که در هر فرهنگ و عقیده‌ای وجود دارند. اما در اینجا می‌بینیم که تلقی یک ابر انسان از این مفاهیم

است که نویسنده به کنه وجود شخصیتهای داستانش راه یافته و زوایای پنهان وجودشان را در برابر دیدگان مخاطب قرار می‌دهد. دیگر آنکه نویسنده در مقدمه این کتاب، صراحتاً مرز بین واقعیت و خیال را مشخص کرده و یادآور شده است چه جنبشهایی از ابر انسان بر پایه واقعیتند و چه جنبشتهایی را بر اساس تخیل خود، فریاده است. این اتفاقی است که کتابهایی فارسی نوشت ما کمتر رخ می‌دهد. نمونه بارز آن کتاب کیمیاخانوان است یا موضوع زندگی خانوادگی شمس مولانا و رفتار آنها با همسرانشان. نویسنده کیمیاخانوان، مرز بین خیال و سنسیت را مشخص نکرده، در نیچه، مخاطب همه مطالب را سند تاریخی می‌نگارد و ممکن است نگاهش نسبت به مولانا و فلسف کاملاً تغییر کند. گمان من این‌کنکه که نویسنده او نیچه تعیین کرده، می‌تواند برای نویسنده گان ما الگو و آموزه خوبی باشد.



حسن رحیمپور به سال ۱۳۳۰ پنی پنجاه و چهار سال پیش در ده نجریش متولد شد. خودش می گوید که عاشق ریاضیات بوده، مدغفه ادبیات داشته اما سر از کار آزمایشگاه پزشکی درآورد.

رحیمپور شعر می گوید، قطعه ادبی می نویسد و خاطره را هم دوست دارد اما تاکنون چندی ترین کاری که از او به چاپ رسیده کتاب «زندگی خوب بوده است» او خود را نویسنده حرفه ای نمی داند اما هر کسی کتاب او را خوانده باشد خوب می داند که چیزی از نویسندگان حرفه ای کم ندارد. به بهانه چاپ سوم کتاب «زندگی خوب بوده» که به نوبه به خاطرات زمان جنگ آقای رحیمپور می پردازد، با او به گفت و گو نشستیم.

کتاب «زندگی خوب بوده» را چگونه نوشتید؟ من از دوران نوجوانی خاطراتم را می نوشتم و از همان مرغ بهشت در ضبط وقایع زندگی ام علاقه داشتم، بعضی وقتها هر روز می نوشتم، بعضی وقتها هفته ای یک بار و خلاصه این کار همبظنر ادامه داشت. زمان جنگ و مخصوصاً زمان مأموریتی که به جبهه رستم سبی کردم با نظم بیشتری وقایع را مکتوب کنم. حتی وقتی حوسله نداشتم، سر قفسها را مشخص می کردم. مسعنهایی بسیار بلخ در این خاطرات وجود دارد و به نظر ام از گل در آوردن این حسنه ها وقت بیشتری را می طلبد. باید در خود غور می کردم و به مرور آن روزهایی سخت می پرداختم. زمان ستاس ۱۳۶۹ بود هنگامه جنگ، هوا بمبهای جنگی بر فراز شهر پرتند. صدای آژیر بود، سبم، همه داوطلبانه به جبهه اعزام می شدند. این بود که به من هم گفتند ای شویا، این آنکه اهل آزمایش بودم و درمان، از شما چه پنهان چیزی مثل ترس نه دلم نشکست، اما دیدم خون من از خون دیگران رنگین تر نیست. این بود که راهی شدم. یک سال گذشت و هر وقت و هر کجا نشستم و هر بار دیگر که گذرم به جبهه افتاد، برای هر غریبه و آشنایی خاطره معنیات و اوصاف مقدمه ای را وولت کردم، تا آنکه دوستی ادیب گفت که چرا نمی نویسی؟ یک نفر هم در درونم همین حرف را می زد، حماسه بزرگ بود و ارزش به تصویر در آمدن را داشت. نشستم و این بار مفصل تر نوشتم.

یک روز در نمانگاه کتاب با آقای سرهنکی آشنا شدم و بعد به دفتر ادبیات و هنر مقاومت آدمم و بالاخره کتاب از چاپ کردم. چند روز بعد از چاپ کتاب با آقای سرهنکی نوشیدیم؟ چرا به فکر داستان با حتی رمان نیفتادید؟ این کارها، اقبالاً کرده بودم، در مجله خوانان، فردوسی و روزنامه ها، در زمان جوانی چیزهایی می نوشتم و چاپ می شد. اما این یک تجربه جدید بود.

به علاوه من در نوشتن زیاد هم به این تقسیم بندیها قائل

## هیچ چیز قابل پیش بینی نیست

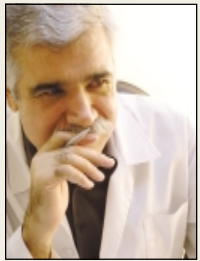
مصاحبه با حسن رحیمپور، نویسنده

نیشنم، درست دارم هر چه دل بکنم می خواهد نویسم، اگر در بند این حرفها می اقدام نمی توانستم بنویسم. الان چه؟ اگر حالا بخواهید نویسد قالب خاصی را انتخاب نمی کنید؟

اینها تقسیم بندیهای آدمهای حرفه ای است. به درد ما آثار ما را نمی خورد، به علاوه، اکثر می کنم در کارهای غیر حرفه ای لذتی وجود دارد که در کارهای حرفه ای نیست. به نظر من جمله بانوشته ای که انسان را به فکر فروبرد و فرصتی برای تأمل به او بدهد، مهمتر از این بحثها است. نکته اول این است که نوشته های آدم از خودش بزرگتر نباشد و نکته دوم مسالمت است. آدم با پنهان شدن پشت نقابها و یاد کشتن این و آن کردن، راه به جایی نمی برد. شما شعر هم می گوید؟

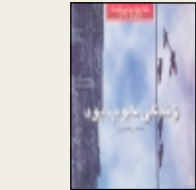
بله شعر کلاسیک، شعر نو نمی دلم که این خوب است باید.

برای شما ریاضیات فکری کرده اید؟ آدم همیشه در جست و جوی مخاطبی است برای مخلوق خود، مخلوقات ذهنی انسان تا محلی برای رخنه به بیرون پیدا نکنند. آرام نمی نشینند. قلم بهانه خوبی برای آفرینش این مخلوقات است لایذ هر زمان که



شعرهای من هم مخاطبشان را پیدا کنند، مرا به سویی می برد که آنها را چاپ کنم. احتمالاً بعدها مجموعه شعرم را با عنوان «دستهای بویاری باز دلجو می ست» منتشر خواهم کرد.

از کارهای جدیدتان بگویید؟ مجموعه داستانی با عنوان «هانگ زندگی» آماده چاپ دارم. این کتاب شامل ۸۸ داستان کوتاه با مضامین اجتماعی است. قرار است این مجموعه را نشر نسیم حیات» چاپ و منتشر کند.



از دیگر کارهای جدید من یک خاطره کوتاه نارنجی است که به مرور زندگی وقایع یک خانواده بزرگ می پردازد از حدود سیست و پنج سال پیش حتی وقتی که برای نوشتن دست به قلم نبرده بودم، با این کار درگیر بودم. نمی داند، انگار نوشتن این قصه را تکلیفی می داند که بر عهده من گذاشته شده. آدمهایی که در این کتاب به آنها اشاره می شود همگی واقعی هستند. حکایت زندگی مرد و زن ضمنی که بچه دار نمی شوند، اما سرپرستی سبب چهل کودک یتیم را به عهد گرفته و خانواده های بزرگ را تشکیل می دهند. بچه ها بزرگ می شوند و به این ماجرابی می برند یا وقوع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، خانواده نیز دچار فروپاشی می شود هر کدام از بچه ها چه دختر و چه پسر سرپرستی پدایمی کنند که خواندن این البته عبرت آموز این کتاب را هم نشر نسیم حیات» برای چاپ آماده کرده است.

برای این کتاب چه نامی انتخاب کرده اید؟ اینکه این قصه ای تها در غروب» در اصل این یک مصرع از یک بیت شعر است.

فکر می کنید این اثر هم مانند «زندگی خوب بوده»

با استقبال روبرو شود؟ این کار بر اساس تکلیفانت انتخابت انتخابی که در زندگی آدمهایی کتاب من وجود دارد، نمی داند، شاید مذاق مذهبی را رنج کند. بنییم چه می شود، نمی باید خیلی از چیزها قابل پیش بینی نیست. برای مثال همین زندگی خوب بودم، من دوست دیگری داشتم که جنگ و انقلاب را قابل لذت از آن قضایان کار را هم دیده بودم. اما هیچ وقت نتواندم برود. می دانست که من برای این کار جایزه گرفته بودم. چاپ سوم رسیده و سروسو صدای زبانی کرده اما خیلی جدی گرفته بود. یک شب بر حسب اتفاق کتاب را دست من دیدم. من با چشممان یاد کرده و بی خواب دیدم. همه حس و تحلیلهایم تاصبح مشغول خواندن این کتاب بودم. هیچ چیز قابل پیش بینی نیست.



معرفی کتاب

... مرغ تسبیح گوی و من خاموش

«جنگ انسان، حیوان» عنوان کتابی است که چندی پیش از سوی انتشارات فرنگ گستر» به قلم مرضی سلطانی راهی بازار کتاب شد. در این مجموعه شعرین و خواندنی رزمندگان حاضر در جبهه جنگ از خاطرات خود گفته اند. با این نغزات که بهانه روایت هر خاطره حیوانانی است که در مناطق جنگی زندگی می کرده اند.

این خاطرات که اغلب رگه هایی از طنز نیز در آنها یافت می شود، کم و بیش در یادداشت های کتابهای خاطرات رزمندگان به صورت پراکنده وجود دارد. اما جمع آوری آنها در یک مجموعه مستقل، لطف دیگری به کار بخشیده است.

در اشاره این کتاب می خواهیم، وقتی جنگ در می گیرد، به ظاهر انسانها طرفین این تقاضم هستند، ولی جمداد و گیاه و حیوانات نیز بی آنکه



ولی آیا ساکنان زمین و آسمان فقط انسانها هستند؟ پرندگان و خزندگان و ایزبان وحشرات و از همه مهمتر نباتات در کشاکش نبرد آدمها دچار چه وضعیتی می شوند و تاوان کدامین گناه نکرده از باز پس می دهند؟

کتاب حاضر تلاشی است مستند در بررسی چگونگی حضور حیوانات، از وحشی و اهلی گرفته تا مهاجر و بومی، در جنگ تا خواسته و تحمیل شده به کشور ایران که گاهی از باب ابسط خاطره به طنز نزدیک می شود و گاهی با روایت بی گناهی این موجودات کتابی درآورد و تاامل برانگیز می شود.

نکته مهم دیگر درباره این مجموعه الطیاق آن با معیارهای کارشناسی خاطره است. در این کتاب سه عنصر اصلی خاطره نویسی از جمله سوز، نثر و استاد، به خوبی رعایت شده و از طرفی ایجاز و اختصار در بیان خاطرات، کار را با کشش مسخاف همراه کرده است.

بارداشت محسن مطلق

## جنگ، درشت یاد درست



شهید محمد پورجودی خطاب به روزنامه نگارانی که برای بازدید از جبهه جنوب نزد او رفته بودند گفته بود: «جنگ را درشت نویسد، درست نویسد» گویی آن شهید بزرگوار می دانست روزی فرا خواهد رسید که عده ای جنگ و وقایع پیرامون آن را منحصر از آن خود تلقی کنند و هر نگاری را که مغایر با نگاه تک بُعدی و یک سویه نگار آنها باشد، طرد و نفی کنند. بسیاری از این «دوستان» ظاهراً طرفدار سوزند و می خواهند با «درشت نوشتن جنگ، ارزشهای آن را حفظ و حراست کنند اما نگاهی به عملکرد آنان در طی سالیان گذشته نشان می دهد که تا به امروز نه تنها اوضاع بر وفق مراد آنان نبوده است بلکه به تعبیر مولانا: «از قضا سرنگین سفره فروزه» تک بعدی و یک سویه نگریستن به وقایع و تاریخ جنگ و راه از حتی بر پیشگويستان و خیرگان این نعره عرصه کرد، خطایی است بزرگ که گمان نمی کنم هیچکس بتواند تاوان آن را پس دهد. آنان که در دل میدان نبرد پیروز شدند و جنگ را تنها از آن حیث شیشه تلویزیون و یا تیر روزنامه ها ندیدند، می دانند که جنگ، عین زندگی بود و اصلاً چرا تکوییم خود زندگی پس چرا از تصویر زندگی بیخاک می شویم. مگر نه اینکه در زندگی ساده و قلم و سرور و مانع و گناه و توبه و تسبی و زهد و مکر و حیانت و فخر و بهر و هم نشیند. اگر چه آنکه به قصد آفتابان سر و جان در کوئی دوست ترک دیار و آشنا کرده بودند یا جبهه های معنای حیات، کشته گستر می داشتند، اما از یاد نبریم که آنها هم انسان بودند و میدان جنگ نیز میدان زندگی. اگر قرار باشد همه کسانی که با به جبهه نهادند، فرشتگان فریب اهی باشند که در هیچ شرایطی از ذکر آسما» اهی باز نمانند و جبهه نگرسانی که هر کس در آن وارد می شد، خواب از تنامی طراز و احساسات طبیعی، جدا می شد، پس چه جایی برای فخر فروختن به جهانیان؟! اتفاقاً اگر حسنی هست و اگر ظاهری هست در اینجا است که آنان که در میدان جنگ، حماسه های ماندگار و شبکو، آفرینند، مردمانی بودند از جنس همین آب و خاک

اگر به جای «درشت نویسی»، «درست نویسی» را اصل قرار دهیم آن وقت معلوم خواهد شد که جنگ ما چه تفاوتی با دیگر جنگها دارد و چقدر دوست داشتنی تر است.



**کوشش و جوشن موسوی کرمانی**  
 کتاب ترجمه کامل ادبی صحیفه سجاده و شعر وزندگی ادیب الممالک فراهانی را از چاپ دارم. ترجمه صحیفه سجاده به سوی نشر هرمس و کتاب دیگر توسط نشر قدیابی منتشر می‌شود. شعر و زندگی ادیب الممالک فراهانی در دو جلد گردآوری شده است. جلد اول هزار و ۳۰۰ و جلد دوم ۷۰۰ صفحه است. ان شاءالله این دو کتاب به زودی منتشر خواهند شد. کتاب دیگری نیز آماده چاپ دارم که فعلاً ناشی ندارد. این کتاب «جوشش و کوشش در شعر» نام دارد که در آن، به صورت گسترده به شعر پرداخته‌ام. شعر از نظر قدام، نظم و شعر و شعر از نظر شاعران، عنوان بعضی از فصلهای این کتاب است.



**محمدعلی شبرستانی و کتاب هزار صفحه‌ای**  
 در حال حاضر مشغول کار روی کتاب

«دیواری در سرای کران» هشتم، این کتاب هزار صفحه‌ای شریعی بر شعر نیما یوشیج است و ممکن است برای نمایندگان کتاب سال دیگر آماده شود.

این کتاب در پنج بخش تهیه شده است و بعد از آوردن هر شعر، معنی کلمات دشوار، معنی شعر و شرح آن شعر نوشته شده است. در پایان کتاب بخشی با عنوان «رازهای طبری با مثالی از شعرهای نیما معنی شده‌اند. قرار است «دیواری در سرای کران» از سوی نشر قطره منتشر شود.



**چاپ شده‌های مفتون امینی**  
 دو مجموعه شعر «چاپ نشده‌های عشق» و «شب هزار و دوه را آماده چاپ دارم. «چاپ نشده‌های عشق» مجموعه‌ای ۵۲ صفحه‌ای از جدیدترین شعرهای پست مدرن من است که با ضرباهنگ موسیقی پاپ تطبیق داده شده است. در این شعرها طنز و شوخی و اصطلاحات عامیانه هم به کار رفته است. این کتاب در قطع جیبی توسط نشر امروز منتشر خواهد شد.

دیگر مجموعه شعر «شب هزار و دوه نام دارد که قرار است در ۲۰۰ صفحه از سوی انتشارات نگار به چاپ برسد.

همچنین مدتی است همراه با دکتر مرتضوی بررسی غزلیات حافظ را شروع کرده‌ام. در این تحقیق، هنرهای فنی و نکته‌های فکری شعرهای حافظ را بررسی می‌کنیم.

پژوهش ما در خصوص پهنایی است که معانی چندبهبول دارند. عنوان این کتاب «دقایق و نکات» خواهد بود.



**شرح‌های بیرون‌نویسان**  
 خلاصه‌ای به زبان ساده از کتاب تذکره الاولیاء برای جوانان تهیه کرده‌ام و در حال حاضر بر روی مقدمه آن کار می‌کنم. پس از این کار تصمیم دارم بخش دوم شرح مخزن الاسرار را شروع کنم. در ضمن کتابهای پنج کتب نظامی، شرح راز منطق الطیر و سروده‌های بی گمان حافظ را نیز به زودی از سوی انتشارات امیرکبیر منتشر خواهم کرد.



**تاریخ فلسفه علی‌اجیبی**  
 در حال حاضر کتاب «تحلیله الاوراج» عبدالرزاق کاشانی را به همراه تصحیح، تعلیق و فهرستهای مفصلی که بر آن نوشته‌ام، زیر چاپ دارم. این کتاب که توسط نشر میراث مکتوب منتشر می‌شود سه بخش عمده دارد: طبیعیات و الهیات، پرداختن به عشق و صفات سالکان، تعلیقات و فهرستهای کاربردی. همچنین مشغول نوشتن کتاب تاریخ فلسفه در سه جلد هشتم که امیدوارم آسامی به پایان برسد. این کتاب نیز به سه بخش فلاسفه پیش از اسلام، عرفا و فیلسوفان مسلمان و سیره (امع) تقسیم می‌شود.



**دانشنامه افرادی که دنیا را تغییر دادند**  
 نوشته خاتم چادر یاف که به معرفی دوپست نفر از چهیره‌های تاریخی سراسر جهان از جمله رهبران حکومتی، فرماندهان نظامی و فعالان سیاسی می‌پردازد.

در این کتاب بازنگری اجمالی و تازه‌تری از مقوله‌های تاریخی شده و به عوامل تکامل شخصیت این رهبران و چگونگی تأثیر درازمدت اقدامات آنها بر پیشرفت و شکل‌گیری تاریخ جهان اشاره می‌شود. این اثر توسط نشر قصبه‌سرا منتشر خواهد شد.

**تأمل در خویش**  
 نوشته پیمان آزاد است که در آن به مباحث خودشناسی می‌پردازد. این کتاب برای به دست آوردن زندگی آرام و تعادل بیشتر توصیه‌هایی دارد.

**گزیده شاهنامه فردوسی**  
 تصحیح و گزینش مصطفی جیحون، به دو صورت مصور و بدون تصویر به زودی از سوی سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رونه بازار می‌شود. گزیده شاهنامه فردوسی مصور با ۲۸ تصویر مینیاتور، نفیس ترین شده است.

**پرواز بر فراز آشیانه فاخته**  
 نوشته آقن کویسی و ترجمه سعید باستانی است. نشر هاشمی این کتاب را منتشر خواهد کرد.

این کتاب متن کامل فیلم «دیوانه‌ای از قفس پریده» است. در مقدمه کتاب آمده: «داستان فراموش‌نشده‌ی دیوانه‌ی خانه‌ای که در آن، خودکامه‌ای در لباس سرپرستار، با بهره‌گیری از ضعف باور و عاطفه بیماران و پزشکان، بر آنان حکم می‌راند...»

**مسائل نفت ایران**  
 به قلم دکتر سعید میرزایی از سوی نشر قوس، به زودی منتشر می‌شود. این کتاب درباره تحولات تاریخ نفت ایران در دوره بعد از انقلاب به خصوص پنج سال گذشته است. اکتشافات نفتی ایران، روند تأثیر تحولات به قیمت گذاری نفت، جایگاه ایران در سازمان اوپک و... از دیگر موضوعاتی است که نویسنده در این کتاب به آنها می‌پردازد.

**دایرة المعارف حیوانات**  
 ترجمه و تدوین علی فاطمان و هانی محمدزاده، به صورت مصور در سه جلد منتشر می‌شود. جلد اول آن عنوان «پستانداران» به زودی از سوی سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نشر اوقاف منتشر می‌شود.

**تای تمت**

**ما و مخاطبان (۲)**

درست مثل آشپزی که غذای تهیه شده توسط خود را اگر نخورد لااقل می‌چشد و مزه مزه می‌کند تا شرمندگی بهمینانانش نشود.

گمان ما بر این است که «کتاب هفت» هنوز آنگونه که باید، نشده است. با در نظر گرفتن نیازهای جامعه کتابخوان و اهل مطالعه، «کتاب هفت» هنوز با وضعیت مطلوب فاصله دارد. برای مثال یکی از موضوعات بسیار مهم در عرصه کتاب، در هر جامعه‌ای، بحث «کتابهای مرجع» است. درباره اهمیت کتابهای مرجع هر چه بگویم شاید نتوانم حق را دادا کنم. درباره وضعیت کتابهای مرجع در جامعه خودمان نیز آنقدر حرف و سخن فراوان است که آدم در می‌ماند که اصلاً بحث را از کجا شروع کند. با این تفصیل آیا فکر نمی‌کنید که اختصاص حداقل یک صفحه از هر شماره کتاب هفت به بحث درباره کتابهای مرجع بایسته است؟ این تنها یکی از موضوعاتی است که هنوز جایگاه شایسته‌ای در کتاب هفت نیافته است. موضوعات دیگری نیز هستند که باید با کمک و یاری شما عزیزان، کتاب هفت به آنها جدی‌تر بپردازد.

حق نگهداران

هفته پیش نوشتیم که به چه دلایلی توجه به مخاطبان «کتاب هفت» برای ما اهمیت دارد. اما این اهمیت نباید در حد حرف و تعارفات معمول باقی بماند. دغدغه ما این است که در همین صفحاتی که هر هفته پیش روی شماست، مخاطبان خود را جدی بگیریم.

از سوی دیگر نشریه را ابزار گفت‌وگو با مخاطب تلقی می‌کنیم. پس، از خود و شما می‌پرسیم که برای نفعاندن در ورطه تک‌گویی و مکالمه یک‌سویه، چه باید کرد؟ البته نه تنها یک نشریه بلکه هر متنی که داعیه تأثیرگذاری دارد، باید به این موضوع بیندیشد. به گمان من نویسندگان و گردانندگان یک نشریه باید بخشی از انرژی و توان خود را که مصروف انتشار آن نشریه می‌کنند، به نیازسنجی مخاطبان اختصاص دهند. به زبان ساده، اگر در تولید متن، عناصر و ابزاری را به کار می‌گیرند، نیاز مخاطب خود را نیز به عنوان یک عنصر و ابزار مهم در تولید، بینند.

نکته دیگر اینکه باید بتوانند خود را به جای مخاطب قرار دهند. یعنی آنچه برای مخاطب تدارک دیده می‌شود، قبل از آنکه به دست او برسد، باید از منظر مخاطب دیده و خوانده شود.